

مجله افرا

رشاد

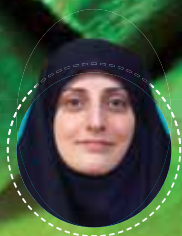
دوره هجدهم، بهمن ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۱۳۹
۴۸ صفحه، ۵۳۰۰۰ ریال

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshtmag.ir

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی



معنویت دینی در برابر معنویت غیر دینی



صدیقه رضائی تمیجانی
نوجوانان و معنویات فرادینی



حمید رضا مظاهری سیف
جاذبه‌های غیر جذاب از
معنویت کاذب!



حسن ملکی
نظام تربیت و برخورداری
از معلمان معنوی

شب‌های نورانی



امام خامنه ای مدظله العالی :

توصیه من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید.

۱۳۸۴/۰۵/۲۸

مجله افرا

دوره هجدهم، بهمن ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۱۳۹
۴۸ صفحه، ۵۳۰۰۰ ریال

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل علی محمد و آل و محمد و عجل فرجه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: محمد صالح مژدبی
سر دبیر: فریدالدین حداد عادل
مدیر داخلی: مریم موسوی
مدیر هنری: کوروش پارسنازاد
دبیر عکس: اعظم لاریجانی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: احمد قائمی مهدوی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۵۸۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ داخلی ۵۰۴
تلفن های امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
وبگاه:
www.roshdmag.ir
رایانامه:
Email:farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست



برای اشتراک
مجلات رشد تصویر
را اسکن کنید

دبیر این شماره با

موضوع:

«معنویت در مدرسه»

مهدی مروجی



- ۲ معنویت غیر دینی در برابر معنویت دینی
- ۳ معنویت های نوظهور؛ پدیده ای در بستر جهان سکولار شده / دکتر علی لطیفی
- نظام تربیت و برخورداری از معلمان معنوی /
- ۶ گفت و گو با دکتر حسن ملکی / رضاعلی ابراهیمزاده و مهدی مروجی
- ۹ مدرسه معنا یاب! / دکتر محمد رضا سنگری
- ۱۰ جاذبه های خیالی از معنویت کاذب / دکتر حمید رضا مظاهری سیف
- ۱۲ میزگرد تبیین معنویت در فعالیت های تربیتی و آموزشی دانش آموزان / مهدی مروجی
- ۱۶ سفیران پیام پروردگار / زینب شاهمرادیان
- ۱۷ دیکته بدون غلط / محدثه مظاهری سیف
- ۲۰ معنویت سکولار، مغلوب معنویت خدا باور / گفت و گو: مهدی مروجی
- ۲۴ شجره طیبه و خبیثه
- ۲۶ تربیت معنوی جامع برای دانش آموزان / ترجمه: دکتر اکرم عینی
- ۲۸ راهکارهایی برای مدیران / معصومه توکلی
- ۳۰ شاخص های معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی / گفت و گو: رضاعلی ابراهیمزاده
- ۳۲ می خوام مسیحی باشم! / نیلوفر هادوی
- ۳۴ نوجوانان و جدایی دین از معنویت / صدیقه رضائی تمیجانی
- ۳۷ خدا مرا فراموش کرده! / فریبا قصاب پور
- ۳۸ چهارراه خداشناسی / ترجمه: سعید خدائیان
- ۴۰ معنویت گرایی در فرآیند یاددهی - یادگیری / دکتر یدالله اقدامی
- ۴۲ معنویت در مبانی نظری سند تحول / صفیه ابراهیمی
- ۴۳ تربیت معنوی و معرفی چند پژوهش مرتبط / پوریا ربیعی
- ۴۶ سواد معنوی در چارچوب اسلام / معصومه کیانی
- ۴۸ پر خاشگری روی میز تشریح / نفیسه شهید اول

نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجارب شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله هایی را که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده نباشد.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.
- آرای مندرج در مقاله ها و گفت و گوها، ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است.



معنویت غیر دینی در برابر معنویت دینی

فریدالدین حداد عادل



آنچه در مورد انتظار است، تبعیت نمی‌شود. (ب) عده‌ای در جامعه به بخشی از انگاره‌ها و قواعد زندگی معنوی دست پیدا کرده‌اند، اما مسیر دستیابی، طریقی غیر از باورهای دینی است. البته این عده با دیانت مشکل و عناد ندارند، ولی خاستگاه باورهایشان متفاوت است.

(ج) عده‌ای در بخشی از زندگی خود حیات معنوی دارند. مثلاً مهربان و صادق هستند و به حیوانات و محیط زیست خدمت می‌کنند، ولی با تعلیم دینی در سطوح گوناگون سر ناسازگاری دارند و آن‌ها را بر نمی‌تابند. برای همه ما معلمان چنین تجربه‌ای ملموس است که دانش‌آموز مؤدب و مهربان و خوش خلقی داشته باشیم که نماز نمی‌خوانده است یا به روزه‌داری یا داشتن حجاب بی‌توجه بوده است. بخشی از عوامل اخلاقی و معنوی مورد نظر اسلام رعایت می‌شود و بخشی دیگر که در برخی مواقع اهمیت بالایی دارند، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند.

(د) بعضی عرفان‌های نوظهور کاذب در بین برخی از جوانان و مخاطبان نهاد تعلیم و تربیت رسوخ کرده‌اند و با مبانی فاسد در برخی عرصه‌ها رفتارها و اخلاق‌هایی را ایجاد کرده‌اند، شاید ما با بهاییانی روبه‌رو شده باشیم که رفتار آرام و موقری دارند! یا با شاگردی مواجه شده باشیم که همه طرف کمال‌طلبی و اخلاق خود را از ورزش یوگا پر کرده باشد و به نوعی آرامش و سکون رسیده باشد!

آموزشکاران متعهد در قبال مسائل فوق که شمارگان آن‌ها خیلی بیش از چهار عدد است، چه باید بکنند؟! رسالت تربیتی معلمان و مربیان دلسوز در قبال این دسته از مخاطبان چیست؟ در برخی مواقع نمی‌توانیم از مسیر مسجد و نماز و هیئت و ذکر اهل بیت (علیهم‌السلام) و انس با قرآن به دل و جان این عزیزان راه پیدا کنیم. از سوی دیگر، میزان همدلی و همراهی با این دسته از مخاطب تابع قوانین منضبط و مشخصی نیست و در عمل با مشکلات و مسائلی تربیتی و اجرایی روبه‌روست. این شماره از مجله رشد مدرسه فردا فقط فتح بابی برای بررسی مسئله ابعاد معنویت در مدرسه‌هاست.

هویت عنصر مهم زندگی است. متفکران بسیاری در مورد آن به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. پیش از ورود ابتدایی و آغازین به این بحث جدی، چهار گزاره مهم مورد استناد خود را درباره اخلاق و معنویت به خواننده محترم تقدیم می‌کنم:

۱. ما مسلمانان از جمله جوامعی هستیم که معتقدیم معنویت و اخلاق از رهگذر دینداری به دست می‌آید.

۲. در باور رسمی ما تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) راه نجات انسان از تباهی‌هاست و برای هدایت‌شدن ابنای بشر محتاج تبعیت از این دو میراث گران‌قدر رسول اکرم (ص) هستیم.

۳. باورمان این است که عقاید دینی خود را کامل می‌کنیم و تعمیق می‌بخشیم. سپس براساس عقاید اسلامی به احکام اسلامی عمل می‌کنیم. ثمره باور قلبی آن چنانی و عمل به احکام شریعت مقدس معنوی و اخلاقی این می‌شود که هر کس بنا به اشتیاق و علاقه و تعهد خود در مسیر پیشرفت اخلاقی جلو می‌رود.

۴. باور دینی در زندگی کاملاً عیان است. زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) مظهر ابعاد گوناگون اخلاق در ادامه همین سبک زندگی توحیدی، اولیای الهی و علمای بزرگ دارای زندگی سرشار از معنویت و نور هستند؛ به‌طوری که حتی دشمنان خود را در بدترین شرایط مجذوب خویش می‌کرده‌اند. این زیست‌بوم آثار و نتایج فوق‌العاده‌ای در زندگی پیروان خود می‌گذارد. شهادی مدافع حرم آخرین نمونه‌های ناب این زندگی اخلاقی و معنوی هستند که در جامعه به‌صورت یک جریان ظهور کردند. وجود مبارزانی که زندگی شخصی آن‌ها الگوی آرامش، اراده، مهربانی و صداقت و فداکاری است، یعنی زندگی دینی محصول اخلاقی عملی به بار می‌نشانند؛ حتی در سخت‌ترین شرایط اجتماعی.

اما بخش مهمی از موضوع معنویت در این زمان و در بحث فعلی این است:

(الف) استقبال از قرائت استاندارد و رسمی در حوزه سبک زندگی دینی کم شده است و در جامعه از آن الگو، به خوبی

معنویت‌های نوظهور؛ پدیده‌ای در بستر جهان سکولار شده

سید میثم موسوی

تصویرگر

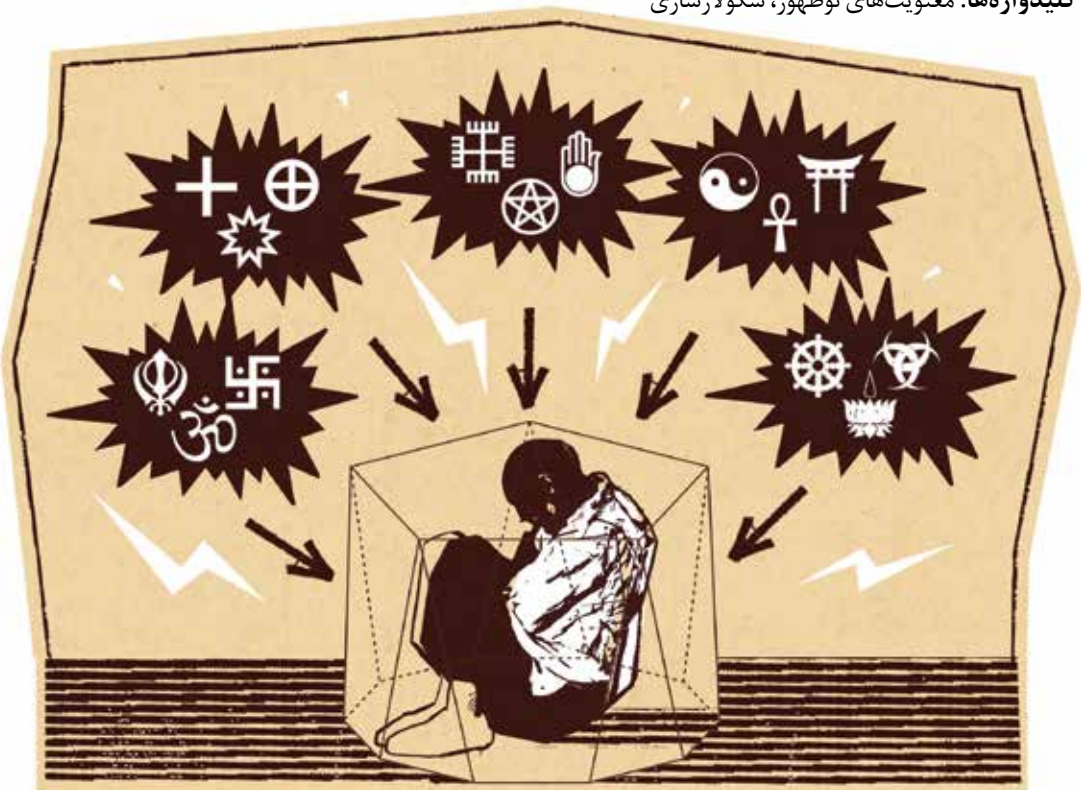
حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

معاون وزیر و سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



به‌دست‌دادن تعریفی جامع و مانع از آنچه این روزها «معنویت‌های نوظهور» یا «جنبش‌های نوین دینی» خوانده می‌شود، کار دشواری است؛ زیرا این جریان‌ها از تعداد و تنوع بسیار بالایی برخوردارند و تعداد آن‌ها در سراسر جهان تا چند هزار نیز برآورد شده است (Wilson & Cresswell, 1999:16-17). در عین حال، بررسی ویژگی‌های این جنبش‌ها ما را به نقاط مشترکی می‌رساند که زمینه و هسته معنایی واحدی را آشکار می‌کند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که می‌تواند این زمینه و هسته معنایی مشترک میان این معنویت‌ها را توضیح دهد، سکولارسازی یا سکولار شدن است. این مقاله در این راستا تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: معنویت‌های نوظهور، سکولارسازی



معنویت‌های نوظهور چیستند؟

به‌طور کلی، معنویت‌های نوظهور جریان‌ها و مجموعه‌هایی از باورها و اعمال معنوی هستند که حداکثر در ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال گذشته به‌عنوان بدیلی برای جریان‌های اصیل دینداری در جهان پدید آمده‌اند و به جای توجه به باورها و اعمال و مناسک ادیان شناخته‌شده، بیشتر بر تجربه معنویت به‌عنوان

امری فردی و سیال تأکید می‌کنند. هرچند تنوع بسیار زیاد این جریان‌ها مانع از به‌دست آوردن تعریفی کامل و واقعی از آن‌هاست^۱ ولی پژوهش‌هایی که مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک این جریان‌ها را برشمرده‌اند، به ما کمک می‌کنند فهم عمیق‌تری از ماهیت و چستی این جریان‌ها و آثار و پیامدهای آن‌ها داشته باشیم.

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش‌های معنوی نوظهور

۱. اهمیت تجربه معنوی - درونی فردی: تقریباً تمام جریان‌های معنوی مدرن و افراد فعال در آن‌ها بر تجربه‌های شخصی معنوی که برای افراد رخ می‌دهد، تأکید زیادی دارند. این تجربه‌ها از آن جهت که نوعی لذت غیرمادی و عمیق نیز ایجاد می‌کند، به مثابه عاملی برای ادامه ارتباط افراد با این جریان‌ها نیز عمل می‌کند. چنین تجربه‌هایی تنوع بسیار زیادی نیز دارند: احساس رها شدن از بدن، احساس متحدشدن با دیگر موجودات و انسان‌ها، مشاهده ارتباط یا حیات موجودات بی‌جان یا هرگونه رخداد به‌ظاهر غیرطبیعی در آن‌ها، احساس درونی یک نیروی متعالی یا ارتباط با یک حقیقت فرامادی و ... نکته مهم درباره این تجربه‌ها این است که حقیقی و صادق یا کاذب‌بودنشان (یعنی برآمدن آن‌ها از اوهام و خیالات شخصی فرد) برای هر کس به آسانی قابل تشخیص نیست. به علاوه، چنین تجربه‌هایی حتی در صورتی که صادق باشند، فقط از حقیقت‌هایی جزئی و موردی حکایت دارند و نمی‌توانند معیار و برنامه‌ای جامع و کامل برای زندگی به‌شمار آیند. دیگر پیامد برجسته اهمیت یافتن تجربه‌های معنوی فردی آن است که در این جریان‌ها نقش‌آفرینی اجتماعی دین به حاشیه می‌رود و معنویت به حالات و تأملات شخصی فرد منحصر می‌شود.

تقلیل دین و معنویت
به ابزاری برای کسب
آرامش و خوشبختی
دنیوی و تعریف آن‌ها
بر حسب کارکرد
دنیوی‌شان، به معنای
غفلت از حیات اصلی
و ابدی انسان و
نادیده گرفتن اهداف
عالی دین است

۲. اعتبار بخشیدن به فرد به‌عنوان داور نهایی حقایق معنوی و نفی اعتبار و مرجعیت‌های بیرونی دینی - معنوی: این ویژگی که در امتداد ویژگی پیشین است، به این معناست که در این معنویت‌ها تمام تجربه‌های معنوی شخصی برای اشخاص تجربه‌گر ارزش و اعتبار دارد و این خود اشخاص هستند که درباره صحت و سقم تجربه معنوی خویش داوری می‌کنند. همچنین، حقایق و حیاتی که به‌گونه‌ای معصومانه بر انبیای الهی (علیهم‌السلام) منکشف می‌شود نیز در حد تجربه‌های معنوی شخصی تنزل داده می‌شوند و این حقایق، با تجربه‌های معنوی دیگر اشخاص تفاوت بنیادین ندارند. این ویژگی با بی‌اعتبار کردن ضرورت بعثت پیامبران الهی و نقش آن‌ها در راهنمایی بشر به سوی معنویت حقیقی، نشان‌دهنده تکثرگرایی در معنویت (صحیح‌پنداشتن هر ادعای معنوی و تمایز نداشتن میان معنویت حقیقی و معنویت کاذب) در این جریان‌هاست.

۳. تأکید بر «زندگی در حال» و آرامش و موفقیت در زندگی دنیوی و غفلت از حیات اخروی: از مهم‌ترین

اهداف معنویت‌های نوظهور، تلاش برای ایجاد احساس آرامش، موفقیت، سلامت روانی و جسمی و به‌طور کلی احساس خوشبختی در زندگی پر تنش دنیای امروزی است. به همین خاطر است که بسیاری از آموزه‌ها و فعالیت‌های این جریان‌ها در ضمن دوره‌ها و جلسات آموزشی در زمینه موفقیت در زندگی، خودشناسی، انرژی‌درمانی، یوگا، مدیتیشن و حتی با ظاهری ورزشی و درمانی، گسترش یافته است (محمدمسعود سعیدی، ۱۳۹۹: ۱۸۴). البته درست است که یکی از مهم‌ترین کارکردهای ایمان اصیل و حقیقی (در صورتی که به‌درستی و به‌صورت متعادل تحقق یابد) آرامش، اطمینان و سلامت قلب در همین دنیاست، ولی تقلیل دین و معنویت به ابزاری برای کسب آرامش و خوشبختی دنیوی و تعریف آن‌ها بر حسب کارکرد دنیوی‌شان، به معنای غفلت از حیات اصلی و ابدی انسان و نادیده گرفتن اهداف عالی دین است. بر اساس آموزه‌های قرآنی و حدیثی، زندگی دنیوی مزرعه‌ای برای حیات اخروی است و آن دنیا باطن این جهان است.

۴. باور به وجود نیروی الهی و حیات‌بخش در طبیعت و نفی خدای متشخص: از دیگر ویژگی‌های مشترک بسیاری از معنویت‌های نوظهور، سخن گفتن از نوعی همه‌خدایی یا به بیان بهتر نوعی شعور و نیرو یا انرژی کیهانی یا طبیعی است که در جهان مادی وجود دارد و تمام تحولات، موفقیت‌ها یا رخدادهای مثبتی که برای انسان روی می‌دهند، مستند به او هستند. در این نگاه، مفهوم خدا بیشتر به‌عنوان نماد و نشانه‌ای برای اشاره به شعور و انرژی آفرینشگر موجود در همین طبیعت است و نه یک حقیقت ماورای طبیعی که متعالی از این محدودیت‌های مادی و غیرمادی است. به همین خاطر است که از یک سو حتی بسیاری از ملحدان و بی‌اعتقادان به وجود خداوند نیز به این معنویت‌ها گرایش پیدا می‌کنند و از سوی دیگر، آن دسته از گروندگان به ادیان الهی که درک اعتقادی درست و دقیقی از خداوند و نسبت میان او و خلقت ندارند نیز به صرف شنیدن مفاهیم آشنایی همچون «خداوند» و «نعمت‌های خدا»، تصور می‌کنند این جریان‌ها با دینداری موحدانه سازگارند (حمید رضائیان و عبدالله غلامرضا کاشی، ۱۳۹۶: ۴۲-۳۸).

فرایند سکولارسازی / سکولار شدن در جامعه

در مطالعات جامعه‌شناختی، سکولاریزاسیون^۲ یا سکولار شدن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فرایندهای هم‌زاد مدرنیته شناخته می‌شود. به‌طور کلی، سکولار شدن (که گاهی به «عرفی شدن» یا «دنیوی شدن» هم ترجمه می‌شود) فرایندی است که در طول آن، از یک سو نهادها، اندیشه‌ها و آداب دینی اهمیت و معنای اجتماعی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر، بخش‌هایی از



سکولار شدن فرآیندی است که در طول آن از یک سو نهادها، اندیشه‌ها و آداب دینی اهمیت و معنای اجتماعی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از نفوذ نهادها و ارزش‌ها و نشانه‌های دینی خارج می‌شوند

انسان سایه‌گستر است. یکی از چالش‌ها در مسیر تحقق این اصل، فرایندهای تسریع‌کننده سکولارسازی جامعه - همانند جریان‌های معنوی نوظهور- است. در این میان، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای مواجهه صحیح با این چالش، آگاهی‌بخشی نسبت به ماهیت، ویژگی‌ها و پیامدهای این جریان‌هاست؛ چیزی که این نوشته کوتاه در حد بضاعت خود به ابعادی از آن پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مشاهده برخی تلاش‌ها برای تعریف و تحدید دقیق‌تر چپستی این جنبش‌ها رک: تعریف معنویت‌گرایی جدید، جرج د. کریسایدز، دوفصلنامه هفت آسمان، ش ۱۹؛ رنسانس قدسی، محمدحسن یعقوبیان، نشر وثوق، ۱۳۹۵، ص ۲۱-۳۰؛ جامعه‌شناسی ادیان، ژان پل ویلم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر تبیان، ۱۳۷۷، ص ۸۶-۹۶.

Understanding new religious movements, John A. Saliba, Altamira, 2003, p. xi-xv, 2-14.

2. secularization

منابع

۱. عوامل گسترش عرفان حلقه در ایران. محمدمسعود سعیدی. مجموعه مقالات همایش ملی معنویت‌های نوظهور، شاخصه‌ها و نقدها. ج ۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۹.
۲. جنبش‌های نوین دینی. برایان ویلسون و جیمی کرسول. ترجمه محمد قلی‌پور، مقدمه سارا شریعتی. نشر مرنديز. ۱۳۸۶.
۳. ادیان در دنیای مدرن، لیندا وودهد و دیگران، ترجمه حمید رضانیا و عبدالله غلامرضا کاشی. دانشگاه ادیان و مذاهب. ۱۳۹۶.
۴. جامعه‌شناسی ادیان، ژان پل ویلم، ترجمه عبدالرحیم گواهی. نشر تبیان. ۱۳۷۷.
۵. تبیین نظری سکولارشدن در جامعه ایران معاصر. محمدمسعود سعیدی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۶.
۶. مبانی معنویت‌گرایی جدید. حمیدرضا مظاهری‌سیفی. مجموعه مقالات همایش ملی معنویت‌های نوظهور. شاخصه‌ها و نقدها. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۹.
7. New religious movements; challenge and response, edited by Bryan Wilson & Jamie Cresswell, Routledge, 1999.

جامعه و فرهنگ، از زیر نفوذ نهادها و ارزش‌ها و نشانه‌های دینی خارج می‌شوند (محمدمسعود سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). معمولاً برای سکولارسازی سطوح متفاوتی برشمرده می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سکولار شدن خود دین است. به این معنا که در طی این فرایند، تلقی‌هایی از دین شکل می‌گیرند که به میزان قابل توجهی از نیازهای زمانه متأثرند و نه آموزه‌های اصیل و حقیقی ادیان. آنچه در جریان سکولارسازی جامعه رخ می‌دهد، حذف دین نیست، بلکه در اینجا بیشتر شاهد به حاشیه‌رفتن تفسیرهای قدسی از جهان و حقایق آن و غلبه نگاه کارکردی، این جهانی و فردگرایانه به دین (یعنی در نظر گرفتن دین تنها به مثابه عاملی برای آرامش فردی) هستیم. از این جهت می‌توان گفت، جامعه‌ای که در مسیر سکولارسازی قرار دارد، زمینه مناسبی برای پیدایش جریان‌های معنوی نوظهور خواهد بود. همان‌طور که با رشد و گسترش این جریان‌ها، این فرایند در جامعه شدت و سرعت بیشتری خواهد گرفت و به تدریج، هم هویت قدسی و الهی دین و هم نقش آفرینی همه‌جانبه آن در زندگی، تضعیف خواهد شد.

سخن پایانی

امروزه بسیاری از ما در جامعه، فضای مجازی و در تعامل با دوستان و آشنایان، چیزهایی درباره کلاس‌ها، کتاب‌ها، کارگاه‌ها و آموزه‌هایی می‌شنویم که با استفاده از مفاهیم و معانی معنوی و ماورایی، به دنبال ایجاد حس موفقیت، خوشبختی و آرامش در ما هستند. این جریان‌ها و آموزه‌های آن‌ها - به رغم جذابیت ظاهری‌شان - در باطن خود دربردارنده باورها و ذهنیت‌های ویژه‌ای درباره انسان، جهان، خدا، دین و دینداری هستند، و به همین جهت رواج و گسترش آن‌ها در جوامع، افزون بر بعضی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌ساز انحراف در دینداری و تربیت دینی اصیل نیز خواهد بود. براساس آنچه در اسناد تحولی آموزش و پرورش - به ویژه مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی عمومی - آمده است، دین به مثابه آیین حیات طیبیه و نظام معیار، بر تمام شئون زندگی



دکتر حسن ملکی، رئیس سابق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی:

نظام تربیت و برخورداری از معلمان معنوی

گفت‌وگو: رمضانعلی ابراهیم‌زاده / مهدی مروجی

دکتر حسن ملکی، رئیس سابق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ضمن پاسخگویی به پرسش‌های ما، معنویت را هدف غایی دین اسلام دانستند و هدف انبیای الهی را نیز هدایت انسان به سوی عالم معنا و معنویت الهی برشمردند. ایشان با توجه به اهمیت ویژه معلمان در کار تربیت معنوی دانش‌آموزان، خواستار تجدیدنظر جدی در امر تربیت معلم است.

❑ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. موضوع معنویت در ادیان الهی - نه صرفاً در دین مبین اسلام - بلکه صدرنشین همه دستورات و دلالت‌ها و ابعاد فکری همه رسولان الهی محسوب می‌شود. در ادیان الهی انبیا (علیهم‌السلام) یک مأموریت مشترک داشتند و آن این بود: انسان را که هم طبیعت دارد و هم فطرت دارد، فطرت آنان را امام طبیعت‌شان بکنند. یعنی اگر انسان رها بشود، و تحت تربیت انبیا (علیهم‌السلام) قرار نگیرد و به تعبیری تربیت معنوی نشود، مبتلای به عالم طبیعت و دنیا و تعلقات دنیوی می‌شود، و هر چه در این عرصه بیشتر پیش برود، ممکن است در گل دنیا فرو برود و دیگر نتواند خود را نجات بدهد.

اما این‌کننده شدن از عالم ماده و حرکت کردن به سوی عالم معنا و معنویت الهی نیازمند نقشه است، آن نقشه چیزی جزء دین الهی نیست. ادیان الهی هر کدام یک بخشی از این نقشه را برای بشریت آورده‌اند و نقشه کامل تربیت معنوی، تربیت همه‌جانبه معنوی و تربیت اصیل معنوی، در دین مبین اسلام قرار داده شده است. حال چطور ممکن است؛ خدای متعال انبیاء را فرستاده تا انسان را تربیت معنوی بکند، خدا در کل عالم هستی با تعیین انبیا (علیهم‌السلام)

■ حضرت‌عالی درباره تعلیم و تربیت درگام دوم انقلاب اسلامی فرموده‌اید: «معنویت و اخلاق در منظومه دینی فکری اسلامی محوریت دارد و با توجه به سوره ذاریات، غایت آن هم معنویت و اخلاق است» با این وصف آیا معنویت که مدنظر جناب‌عالی است در نظام آموزش و پرورش، قابلیت تبدیل به یک برنامه درسی اجرایی را دارد؟





□ مثل کتاب دینی نیست، دین باید در همه برنامه‌های درسی حضور پیدا کند. بسیار نکته ظریفی است، یعنی در کتاب علوم ما که با تجربه و آزمایش سروکار دارد، باید دین حاضر باشد، اما چگونه، چه کارش کنیم؟ کارشناس لازم داریم. مثالی که می‌توانم بزنم، چگونه در علوم دین یعنی معنویت حضور پیدا می‌کند؟ وقتی دانش‌آموز دارد گیاه را مطالعه می‌کند، آب را مطالعه می‌کند. فلان جانور را دارد کالبدشکافی می‌کند، این دانش‌آموزان را در مواجهه با این پدیده مادی می‌شود، دو جور تربیت کرد؛ یک حالت این است که این طبیعت است، این گیاه هم فردا خشک می‌شود و از بین می‌رود، آب هم کدر می‌شود و بخار شده از بین می‌رود و تمام! این نگاه صرفاً مادی است.

اما نگاه دیگر این است که از این پدیده تعبیر «آیت‌اللهی» در خلقت بکنیم، به دانش‌آموز بفهمانیم، موجودی را که داری بررسی می‌کنی، مخلوق است و خالق دارد. این نشانه‌ای از صاحبش است. آیا این نگاه، دین نیست؟ همان دین است. در واقع اینجا دین با علوم اتصال و ارتباط می‌یابد. شما به همین کار در دروس دیگر مثل ادبیات و ریاضی به صورت متناسب می‌توانید عمل بکنید.

همین‌جا عرض بکنم؛ یکی از علت‌هایی که در برخی از جاها در تربیت معنوی مشکل داریم، این است که ما نتوانسته‌ایم، همه اجزا و عناصر مؤثر در تربیت معنوی را معنوی و دینی کنیم. در نتیجه می‌بینید که ما ده - دوازده سال - تعلیمات دینی به دانش‌آموز، یاد می‌دهیم ولی چندان معنوی بار نمی‌آید. البته ما دانش‌آموزان و نوجوانان دینی زیاد داریم. من در مقایسه با آن انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت وجود دارد، دارم عرض می‌کنم. ما عوامل و عناصر مؤثر تعلیم و تربیت را باید به صورت هماهنگ و مرتبط با هم، زیر یک چتر قرار دهیم و آن چتر هم نامش تربیت معنوی است. اما نه معنویت غیرالهی، زیرا معنویت تقلبی هم درست شده است که بحث دیگری دارد.

برنامه تربیت معنوی دارد، حال ما برای کودکی که امانت خدا در دست ماست، امانت الهی است، بگوییم برنامه تربیت معنوی نداریم؟ قطعاً داریم. ما باید برای پرورش و تربیت در نظام تعلیم و تربیت، طرح و نقشه داشته باشیم. طراحی برنامه بکنیم. اینجا اگر بخواهیم موضوع را باز کنیم، قصه خیلی دراز است. تکرار بکنم؛ تربیت کودکان معنوی، نیازمند طرح و نقشه است. به نقشه در آموزش و پرورش، «برنامه درسی» می‌گوییم.

■ شما به عنوان یک متخصص برنامه‌ریزی درسی، آیا الگویی برای برنامه درسی تربیت معنوی دارید، اگر جواب مثبت است، تاکنون چه کارهایی انجام شده است؟

□ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را ملاحظه بفرمایید، براساس این سند، سند فرعی تولید شد که من هم در تولید آن در سال‌ها پیش نقش داشتم به نام «سند برنامه درسی ملی». این سند ناشی از سند تحول بنیادین است. اگر شما به عنوان کارشناس تعلیم و تربیت این دو سند را نگاه کنید، به راحتی می‌توانید براساس قراین و شواهد و اسناد موجود؛ بپذیرید که تربیت معنوی یکی از ابعاد اصلی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. به همین دلیل، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی ایران، سال‌ها به مسئولان آموزش و پرورش تذکر می‌دادند که چرا سند تحول بنیادین اجرا نمی‌شود؟ اصرار ایشان به این دلیل بود که می‌دانستند، باید این سند تحول بنیادین تبدیل به سند درسی در دوره‌های تحصیلی بشود. بنابراین ما کاری که در سازمان پژوهش کرده‌ایم، این است که براساس این اسناد، در ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری، ۱۱ راهنمای برنامه درسی در حقیقت ۱۱ راهنمای تربیت طراحی کرده‌ایم و الان هم دارند در شورای عالی آموزش و پرورش بررسی می‌کنند. در ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری و ۱۱ راهنما، به اعتقاد بنده تربیت همه‌جانبه است. این تربیت همه‌جانبه روحش تربیت معنوی است. در حقیقت داریم تلاش می‌کنیم، این‌طور بشود. یعنی این دانش‌آموزی که باید حاصل برنامه‌ریزی باشد، باید یک دانش‌آموز متفکر، آگاه، اهل معنا، روبه‌سوی خدا، مؤمن، متدین و مبتکر باشد. یعنی همان ویژگی‌هایی که در اسناد تحولی ما آمده است.

■ آیا موضوع معنویت در عموم برنامه‌های درسی تعمیم یافته است؟

□ درباره معنویت، بنده اعتقاد دارم، یک مقوله فرا حوزه‌ای و فرارشته‌ای است.

■ یعنی مثل کتاب دینی نیست که یک نفر آن را تدریس می‌کند؟



■ پرسش آخر را مطرح بکنیم؛ متأسفانه در همین بُعد با آسیب‌هایی جدی در مدارس روبه‌رو هستیم. راهکارها برای رفع یا تعدیل این آسیب‌ها چیست؟

□ تربیت معنوی در نظام تعلیم و تربیت ما با همه اهمیت و جایگاهی که دارد از چند آسیب رنج می‌برد. یکی از آن‌ها در که رأس قرار دارد و هنوز موفق به رفع این آسیب نشده‌ایم - من معمولاً در مسائل اعتقادی و دینی و معنوی در بیانم بدون تعارف حرف می‌زنم - و این حرفی را که عرض می‌کنم، بنده با تمام وجود مدافع نظام هستم و با تمام وجود معتقد به نظام ولایی‌ام، اما اعتقاد بر این است که ما در تعلیم و تربیتمان، در تربیت معلمانی که بتوانند دانش‌آموزان دینی معنوی متناسب با این کشور و دین اسلام تربیت کنند، موفق نبوده‌ایم. اینجا نباید با ایما و اشاره حرف بزنیم. باید با صراحت و با دقت حرف بزنیم. ما معلم معنوی نداشته باشیم، چه فایده‌ای دارد؟ عرض کنم که اگر معلم در کلاس معنوی نباشد، بهترین متن آموزش هم نمی‌تواند دانش‌آموز را معنوی کند.

حُب این‌ها معلم می‌خواهد، چرا نباید معلم معنوی داشته باشیم؟ در جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به هدف‌های متعالی و وسیع تعلیم و تربیت، تربیت معلم به بازنگری جدی نیاز دارد، به بازی‌نگری بسیار ریشه‌ای نیاز دارد. در قرآن خداوند وقتی می‌خواهد، مأموریت الهی انبیا را مطرح بکند،

می‌فرماید: (و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه) این «یزکیهم» قبل از تعلیم آمدنش، تقدم رتبی است، یعنی تزکیه یکی از هدف‌های واسطه‌ای تربیت اسلامی است، انبیا در یک حدی و معلمان معمولی هم وظیفه‌ای در حد خود دارند که این وظیفه را انجام بدهند. اگر معلمی تزکیه‌کننده (مزکی) نباشد، در کلاس مکرر در مکرر بگوید؛ تزکیه! فایده ندارد. اصولاً تزکیه با تعلم تحقق پیدا می‌کند.

بعد از مسئله معلم، برنامه‌های درسی قرار دارد. باید بسته‌های تربیتی تولید شود که حاصل آن بشود دانش‌آموزانی که تربیت همه‌جانبه دارند. تربیت همه‌جانبه‌ای که معنویت، لب و لباب آن تربیت است. تربیت همه‌جانبه‌ای که منظور ماست، یک هسته مرکزی دارد که «معنویت» است. تربیت اقتصادی‌اش آمیخته به معنویت است. تربیت سیاسی‌اش، آمیخته به معنویت است. تربیت علمی‌اش آمیخته به معنویت است. اگر این‌طور نباشد، واقعاً چه فرقی است بین ما و سایر جوامع! ما افتخارمان این است که تبعیت از دینی می‌کنیم که آن دین به ما می‌فرماید که شما در دنیا باشید اما در دنیا نمانید. این نشان و آدرس است ما از چنین دینی تبعیت می‌کنیم و باید در نظام تعلیم و تربیت ما نفوذ پیدا بکند.

■ از طرف مجله رشد «مدرسه فردا» از جناب عالی تشکر می‌کنیم.

مدرسه معنایاب!

دکتر محمد رضا سنگری



صندلی‌ها، تابلو، درخت‌ها و سبزه‌ها و گل‌ها، کتاب‌ها، دفترها و این مقدس دانستن و ارج نهادن را عبادت بدانند.

۲. تکریم و تجلیل و ارج نهادن به معلمان و دیگر خادمان مدرسه

قدردانی و قدرشناسی معلمان یکی از جلوه‌های معنویت‌گرایی در مدرسه است. هم برخوردی معلمان با همدیگر و هم دیگر عناصر مدرسه مانند مدیر، معاون، مشاور و حتی خدمتگذار مدرسه از نگاه دانش‌آموزان دور نمی‌ماند. وقتی دانش‌آموزان توصیف و تکریم و ستایش معلم خود را از زبان دیگر معلمان بشنوند، اعتماد علمی و اخلاقی و در نتیجه الگو و اسوه شدن آن‌ها بیشتر خواهد شد. ستایش معلمان و خدمتگزاران مدرسه، انگیزه خدمت را تقویت و روابط عاطفی و پیوندگاه‌های مجموعه مدرسه را بیش از پیش تعالی خواهد بخشید. در قلمرو روایات ما معلم آن قدر ارجمند و فرازمند است که همه پدیده‌های جهان او را می‌ستایند و دعا می‌گویند. وقتی ماهیان دریا، مورچگان در لانه و پرندگان در آسمان و آسمانیان دعاگوی معلم‌اند، یعنی تمام فضای جهان لبریز از نیایش و استغفار برای معلم است، چرا در فضای مدرسه این ستایش و تمجید نباشد. مدرسه معنوی و معناگرا به هر چه در خدمت آموزش است ارج می‌گذارد و آن را قدر می‌شناسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بحار الانوار؛ ج ۲۰؛ ص ۲۶، مناقب آل ابی‌طالب؛ ج ۱، ص ۱۴۷
۲. ان معلم الخیر یستغفرله دواب الارض و حیتان البحر و کل ذی روح فی‌الهیواء و جمیع اهل السماء و الارض (رسول اکرم(ص))، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳

بر پیشانی هر مدرسه‌ای نامی است، نام اسوه‌ها و الگوها، چهره‌های نامور، نام‌هایی که روایتگر ارزش‌ها، معناها و معنویت‌ها، فضیلت‌ها و عظمت‌هاست. این نام‌ها، نشان می‌دهد که مدرسه با معنا و معنویت آغاز می‌شود و مدرسه بی‌معنویت، کالبدی خشک و فسرده و بی‌ارج است اما مهم آن است که معنویت، مثل خون در رگ‌ها و آوندهای «مدرسه» جریان داشته باشد. تجلی معنویت در مدرسه باید حتی در نخستین نگاه، به هر جزء و شیء مدرسه چشم‌نواز باشد. جلوه‌هایی از این معنویت را با تکیه بر سیرت و سلوک معصومین(ع) و اولیا (دوستان صمیمی خدا) به اشارتی کوتاه بیان می‌شود.

۱. تکریم و تجلیل و ارج نهادن به همه پدیده‌های مدرسه

پیامبر تمام وسایل خویش را نامگذاری می‌کرد؛ نام پرچم پیامبر «عقاب» بود، شمشیر جنگی‌اش را «ذوالفقار» و شمشیرهای دیگرش را مخدم، رسوب و فسیله نامیده بود. اسبش را مرتجز، گوسفندش را برکه، زرهش را ذات‌الفضول، استرش را ذلذل، عبایش را ذات‌الوشاح، عمامه‌اش را «سحاب» و چوب‌دستی کوچکش را «عنز» می‌نامید.^۱ این نامگذاری‌ها، ارزش‌گذاری به افراد و وسایل و تکریم و تجلیل و برکشیدن آن‌هاست.

اگر روزی دانش‌آموزان مدرسه پیاموند که برای قلم، کیف، دفتر، کتاب، لباس و ... نام‌های زیبا انتخاب کنند و به کار ببرند؛ اگر هر کلاس نامی زیبا داشته باشد، اگر حتی میز و نیمکت‌ها نام مناسب و «ارزش‌مدار» بیابند، نوع رابطه دانش‌آموز با آن‌ها دیگرگونه خواهد شد.

یکی از دوستان می‌گفت خدمت استاد علامه حسن‌زاده آملی(ره) بودیم، یکی از حاضران استکان چای خود را روی کتاب قرار داد، استاد در آمیزه‌ای از مهر و خشم فرمود کتاب را احترام کنید، کتاب حاصل تجربه فشرده و عرق‌ریزی روح و اندیشه نویسنده است. آن را پاس بدارید، چه نارواست با کتاب معامله «سفره» کردن، چه نارواست، کتاب را در وقت باران به جای چتر به کار بردن، یا روی آن نشستن.

در فضای معنوی مدرسه، همه باید به همه چیز مدرسه احترام بگذارند، دیوارها، زمین، میز و نیمکت،



جاذبه‌های خیالی از معنویت کاذب!

واکاوی معنویت و عرفان کاذب در میان نوجوانان و جوانان

دکتر حمیدرضا مظاهری سیف

رئیس پژوهشکده مطالعات معنوی



نیاز بشر به دین و معنویت انکارناپذیر است. پس از چند قرن تلاش برای کنار گذاشتن دین و معنویت از زندگی انسان، بحران‌های گوناگون از هر سو سر بر کشیده‌اند و اکنون کار به جایی رسیده است که هر روز از گوشه‌ای آئین جدید و جریان معنوی و عرفانی نوظهور پدید می‌آید. دنیای امروز پر است از مدعیانی که خود را عیسی مسیح، بودا، آواتار (تجسد خدا در زمین) و پیامبر یا خدا می‌دانند و مدعی نجات بشریت هستند. کلیدواژه‌ها: معنویت و عرفان کاذب، تفکر نو، قانون جذب، نوجوانان و جوانان

که در بین نوجوانان و جوانان رواج یافته است. دوره نوجوانی دوران آرمان‌ها و رؤیاهاست. تفکر نو با تکیه بر این ادعا که می‌تواند راه سهل و نزدیک رسیدن به موفقیت و دستیابی به آرزوها را نشان دهد، توانسته است در بین نوجوانان جا باز کند. این تصور که می‌توانید با رؤیاپردازی درباره آرزوهایتان آن‌ها را تحقق ببخشید، بسیار جذاب است. نوجوان دست کم با خود می‌گوید: «به امتحانش می‌ارزد. خیال‌بافی و رؤیاپردازی که هزینه‌ای ندارد. هر روز ساعتی را در گوشه‌ای خلوت به تصور آرزوها اختصاص می‌دهم تا از این طریق انرژی‌های کائنات را در جهت آرزوهایم به کار گیرم.» این سرمشق موفقیت در «تفکر نو» است که شما می‌توانید با تصور و احساس رسیدن به آرزوها، انرژی‌های مثبت را به کائنات بفرستید و اثری متناسب با آن را دریافت کنید. «تفکر نو» به علت ماهیت خیالی‌اش قابلیت آموزش به کودکان را نیز دارد. کودکان و نوجوانان به راحتی وارد بازی شیرین رؤیاها و آرزوها می‌شوند و آینده خود را در خیالشان تجسم و تماشا می‌کنند و از آن لذت می‌برند.

متأسفانه، در برخی مدرسه‌ها معلمان آموزه‌های تفکر نو را پذیرفته‌اند و آن را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهند. به‌ویژه در دوره دوم متوسطه که زمان پراستعدادی و موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه و هدف‌گذاری برای آینده است، بازار ترویج «تفکر نو» داغ می‌شود. ترویج «تفکر نو» در فضای مجازی، فیلم‌ها و برخی کتاب‌های غیرعلمی و نشریات زرد هم فراگیر شده است. اما با تکرار و تأکید اولیای مدرسه، اعتبار بیشتری پیدا می‌کند.

گابریله اوتنیگن، روان‌شناس آلمانی، که حدود ۲۰ سال درباره تخیلات مثبت یا به عبارت دیگر «تفکر مثبت» تحقیق میدانی کرده است، در کتاب «مثبت فکر نکنید»،

امروزه هزاران جریان معنویت‌گرا در دنیا پدید آمده‌اند که به اصطلاح آن‌ها را «جنبش‌های دینی جدید»^۱ می‌نامند. این جریان‌ها در کشور ما به نام «عرفان‌های نوظهور» مشهور شده‌اند. از بین عرفان‌های نوظهوری که به کشور ما راه یافته‌اند، جریانی موسوم به «تفکر نو»^۲ گوی سبقت را از دیگران ربوده است.

«تفکر نو» یک دین جدید آمریکایی است که گاهی به آن «جنبش تفکر نو» نیز گفته می‌شود. این جریان در یک زمینه تاریخی به تدریج تکامل یافت و در اواخر قرن ۱۹ «ماری بیکر ادی»^۳ آن را ارائه داد. البته او هیچ‌گاه عنوان «تفکر نو» را بر آموزه‌های خود نگذاشت، بلکه از عنوان «کلیسای دانش مسیحی»^۴ استفاده کرد و افکار خود را به صورت یک فرقه در دل مسیحیت مطرح کرد. اما شاگردان او آموزه‌هایش را از رنگ و بوی خاص مسیحی جدا کردند و به عنوان یک آیین مستقل با نام «تفکر نو» ترویج دادند.

«تفکر نو» اگر چه نامش کمتر شناخته شده، ولی آموزه‌هایش به طور گسترده‌ای ترویج می‌شوند. مفاهیمی نظیر قانون جذب، قدرت ذهن، نیروی فکر، تأثیر بر کائنات، راه‌های معنوی موفقیت و نظایر آن برخاسته از تعالیم تفکر نو هستند که بدون ذکر منبع و عنوان اصلی تکرار می‌شوند و رواج می‌یابند. شالوده اصلی تفکر نو این است که خدا نیروی درونی انسان است و انسان قدرت بی‌نهایت و خلاقیت نامحدود دارد. بنابراین، با تصورات ذهنی به کائنات فرمان می‌دهد و به هر چیزی که فکر کند و آن را تجسم کند، همان اتفاق می‌افتد. تفکر نو تأکید می‌کند باید به آرزوهایتان در ذهن تجسم ببخشید و آن‌ها را احساس کنید. آنگاه ارتعاشات و نیرویی از شما ساطع می‌شود که در جهان اثر می‌گذارد و آرزوی شما را تحقق می‌بخشد. «تفکر نو» گسترده‌ترین جریان عرفانی نوظهور است



تصور و تجسم و احساس و باور می‌دانند. آن‌ها به این سؤال پاسخ نمی‌دهند که اگر کسی باور کرد به اهدافش رسیده است و از آن‌ها لذت می‌برد، چه انگیزه‌ای برای تحمل رنج تلاش و کوشش در جهت رسیدن به اهدافش خواهد داشت؟

مروجان «تفکرنو» برای توجیه ادعاهایشان از مباحث شبه‌علمی استفاده می‌کنند. مباحث شبه‌علمی به این صورت هستند که برخی از نظریات یا اصطلاحات علمی را از روان‌شناسی و فیزیک کوانتوم مطرح می‌کنند، ولی آن‌ها را به صورت غیردقیق ارائه می‌دهند و از این بدتر نتایجی از این مفاهیم و نظریات می‌گیرند که هیچ ارتباط منطقی با آن نظریه ندارد. مروجان «تفکرنو» در دنیا بسیار فعال هستند و کسب و کار پروتقی با عنوان «صنعت موفقیت» به راه انداخته‌اند که در سال میلاردها دلار گردش مالی دارد. همین موضوع

باعث شده است موردانتقاد شدید دانشمندان قرار بگیرند. دانشمندان ادعاها و دلایل مروجان «تفکرنو» را «علم دروغین» یا «شبه‌علم» می‌دانند.

مروجان «تفکرنو» از آموزه‌های دینی هم برداشت‌های ناروایی دارند و مدعی هستند قانون جذب و قدرت ذهن و تأثیر ذهن بر کائنات در آیات و روایات موردتوجه است. از اینجاست که باب تفسیر به رأی را می‌گشایند و آموزه‌هایی نظیر دعا و شکرگزاری و حسن ظن به خدا را

مطابق با قدرت ذهن و اصول «تفکرنو» تفسیر می‌کنند.

متأسفانه در یکی دو دهه اخیر به تدریج این افکار در بین مردم فراگیر شده و برخی از معلمان عزیز از روی شفقت و با قصد راهنمایی و یاریگری به دانش‌آموزان، این مطالب را به آن‌ها می‌گویند و در این زمینه از استدلال‌های شبه‌علمی و تفسیر به رأی منابع دینی هم استفاده می‌کنند. هم از این‌رو، آگاهی‌بخشی به معلمان گران‌قدر یکی از ضروری‌ترین برنامه‌ها برای جلوگیری از نشر و گسترش عرفان‌های کاذب از طریق مدرسه‌ها و نظام آموزش کشور است.

پی‌نوشت‌ها

1. New religious movements
2. New thought
3. Mary baker eddy
4. Christian Science
5. pseudo science

منابع

۱. مظاهری-سیف، حمیدرضا. نگاهی متفاوت به قانون جذب. قم: انتشارات معنویت‌پژوهی، ۱۳۹۹
۲. گابریله اوتینگن. مثبت فکر نکنید. ترجمه رحمانی، حسین. انتشارات ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۵
۳. راندا برن. راز. ترجمه معتکف، نفیسه. انتشارات لیوسا. چاپ هشتم و هفتم ۱۴۰۰

نتایج آزمایش‌ها و تحقیقات متعددی را که او و همکارانش در چندین کشور انجام داده‌اند، ارائه می‌دهد. نتایج، حکایت از این واقعیت دارند که تخیلات مثبت، در لحظه آغازین احساس خوبی به فرد می‌دهد، ولی در میان‌مدت از کارآیی او می‌کاهد و در بلندمدت افسردگی را می‌افزاید.

تیین نتایج گابریله اوتینگن از این قرار است که همیشه تلاش برای رسیدن به موفقیت رنج و سختی دارد. برای اینکه انگیزه موفقیت در ما تقویت شود و آمادگی حرکت به سوی اهداف را پیدا کنیم، به رنج نیاز داریم. اگر احساس کنیم رنج فقدان و نرسیدن به موفقیت بیشتر از رنجی است که برای تلاش و تکاپو باید متحمل شویم، آنگاه انگیزه و اراده ما برای از بین بردن رنج فقدان برانگیخته می‌شود و کارآیی افزایش پیدا می‌کند. کارآیی و تلاش موجب بهبود نتایج و افزایش امید و شادی می‌شود و از افسردگی می‌کاهد. تخیلات مثبت مسیری برخلاف این روند را می‌پیماید. به این ترتیب که شخص با خیال‌پردازی درباره آرزوها و رسیدن به آن‌ها، احساسات خوشایند را در لحظه تجربه می‌کند و رنج نداشتن و نرسیدن در او کاهش می‌یابد. به این ترتیب، انگیزه موفقیت، اراده و کارآیی در او کاهش می‌یابد. پس از مدتی هم نا کارآیی موجب افزایش افسردگی می‌شود.

گابریله اوتینگن در بین گروه‌های متفاوت از دانش‌آموزان، دانشجویان، زنان و افرادی از اقشار گوناگون، آزمایش‌های دقیقی انجام داده و نمونه‌ها را تا چند سال بعد دنبال کرده است. نتایج این آزمایش‌ها نشان می‌دهند، افرادی که اهداف و آرزوهایشان را در خیال تجسم می‌کنند و از آن‌ها لذت می‌برند، احساس فقدان را از دست می‌دهند و کارآیی کمتری از خود نشان می‌دهند. پس از مدتی هم عدم کارآیی موجب ناکامی‌های متعددی می‌شود که افسردگی را به دنبال می‌آورد. نتایج این تحقیقات کاملاً در تعارض با ادعاهایی هستند که مروجان «تفکرنو» انجام می‌دهند و راه رسیدن به آرزوها را

مروجان «تفکرنو»
در دنیا بسیار فعال
هستند و کسب و
کار پروتقی با عنوان
«صنعت موفقیت» به
راه انداخته‌اند که در
سال میلاردها دلار
گردش مالی دارد



میزگرد تبیین معنویت

در فعالیتهای تربیتی و آموزشی دانش آموزان

گفت‌وگو: مهدی مروجی



اشاره

متن ذیل حاصل گفت‌وگویی است با عنوان «تبیین معنویت در فعالیتهای تربیتی و آموزشی دانش آموزان» با حضور کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت، آقایان دکتر محمود نوذری، دکتر سیامک طهماسبی و سرکار خانم دکتر فاطمه صدر، با مدیریت علمی آقای مسعود تهرانی فرجاد، مسئول پیش دبستان.

□ دکتر طهماسبی:

صحبت‌هایم را دو قسمت می‌کنم. قسمت اول بحث چیستی و ضرورت و قسمت دوم بحث تربیت معنوی و ارتباطش با سایر ساحت‌هاست. نظریه‌پردازان درخصوص چیستی معنویت متفاوت حرف زده‌اند. بین تعریف‌های متعدد، آقای آل کینز و همکاران برای معنویت ۹ بُعد در نظر گرفته‌اند. من این ۹ بُعد را خدمت شما عرض می‌کنم.



■ قبل از اینکه ابعاد را بفرمایید، اگر مایلید تعریفی از معنویت داشته باشیم.

■ مروجی: لطفاً برداشت خود را از معنویت و تربیت معنوی توضیح دهید.

□ دکتر تهرانی: برداشت من از تربیت معنوی در واقع اثبات آن چیزی است که ورای جسم و تربیت جسمانی و بدنی دانش‌آموز است. به یک معنا هم بعد روانی دارد، هم بعد اعتقادی و هم بعد معنوی. ما در جایی می‌گوییم «قو علی خدمتک جوارحی». جسم ما هم باید تربیت الهی پیدا کند و هم در خدمت آن چیزی که باید باشد، قرار گیرد. به عنوان آغاز سخن، طرح مسئله کردم و تا حدی منظور خودم را گفتم.



دکتر طهماسبی: اگر بخواهیم معنویت اسلامی را تعریف کنیم، می‌توانیم استناد کنیم به صحبت‌های شهید مطهری و امام خمینی (ره). شهید مطهری گرایش و تمایلاتی را که فرد از روی فطرت درونی به سمت خدای یگانه دارد معنویت تعریف می‌کند و امام خمینی بحث صفات و اعمال را هم جزو معنویت می‌داند. اجازه دهید من این ۹ بعد را بگویم:

بعد اول در معنویت به عنوان خود فراتر یا بعد فرامادی ترجمه می‌شود.

بعد دوم بعد معنا و هدف در زندگی است، به این معنی که خلأ وجودی را می‌توان با زندگی معنادار پر کرد.

بعد سوم داشتن رسالت در زندگی
بعد چهارم تقدیس زندگی است. یعنی در واقع کلاً زندگی مقدس است برای فرد معنوی.

بعد پنجم اهمیت ندادن به ارزش‌های مادی است.
بعد ششم نوع دوستی و داشتن احساس عدالت اجتماعی؛
بعد هفتم آرمان گرایی است که متأسفانه الان خیلی‌ها به این بعد هجوم آورده‌اند.

بعد هشتم آگاهی از سوگ‌نامه (تراژدی)، یعنی درد، مصیبت و مرگ است که قسمتی از زندگی است و به آن رنگ و روح می‌بخشد.

بعد نهم ثمرات معنویت است. یعنی معنویت واقعی، نحوه زیستن می‌شود.

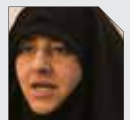
این ۹ بعد از کامل‌ترین تعریف‌هایی است که از معنویت در داده‌های تجربی شده است. ما داریم راجع به معنویت انسان صحبت می‌کنیم. یک موقع انسان را می‌گوییم حیوان ناطق و یک موقع می‌گوییم «حی متأله» است. این تعبیر از آقای جوادی آملی است و طبیعتاً عمیق‌ترین تعریف را ایشان داده است.

■ راجع به حی متأله توضیحی اجمالی بفرمایید. تعبیر آقای جوادی آملی درباره اینکه انسان صرفاً حیوان ناطق نیست، چیست؟

دکتر طهماسبی: انسان را براساس این مفهوم تعریف کردیم. یعنی ما هنوز انسان را انسانی بی‌نهایت با تمایلات به سمت بی‌نهایت و گرایش‌های کمال جویانه نمی‌دانیم.

■ خانم دکتر در مورد سؤال اول اگر مطلبی دارید بفرمایید.

دکتر صدر: دو برداشت از معنویت وجود دارد: یکی برداشتی که تربیت معنوی را فقط به معنادار بودن زندگی هر شخص برای خود او ترجمه می‌کند؛ یعنی شما یک فلسفه شخصی و یک



معنای شخصی از زندگی دارید و همین قدر که زندگی برای خود شما معنادار باشد کفایت می‌کند. اما ما مبتنی بر مبانی اسلامی، چیزی بیش از این می‌خواهیم. در رویکرد اسلامی معتقدیم، زندگی هم باید برای انسان معنادار باشد و هم این معنا از زندگی با آن مبدأ و مقصد و عالم غیبی که انسان به آن تعلق دارد، نسبتی برقرار کرده باشد. این انسان، گشودگی بیشتری (شرح صدر) نسبت به سایر انسان‌ها دارد. بنابراین، بردباری و رواداری بیشتری در تعاملات و خودکنترلی خودانگیخته‌ای در برابر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی خواهد داشت.

دکتر نوذری: در تعریف معنویت،

اگر نخواهیم تعریف را از غرب بگیریم و در سنت خودمان دنبال آن باشیم، نظریه علامه طباطبایی، امام خمینی (ره)، مصباح یزدی و جوادی آملی مبنای خوبی برای تعریف معنویت و تربیت معنوی در اختیار می‌گذارد. معنویت در این دیدگاه با عبارت‌های متعددی نظیر شوق به هستی، عشق به هستی برتر، عشق به لذت، سعادت، کمال نامحدود و فطرت توحیدی، یاد می‌شود.



■ گستره معنایی و تمایز مفهومی معنویت در تربیت معنوی با عرصه‌های

نزدیک مثل تربیت دینی و تربیت اخلاقی و سایر ساحت‌ها چگونه است و چه نظری در این باره دارید؟

دکتر نوذری: رابطه تربیت معنوی با تربیت دینی این است که تربیت معنوی امری اعم است. می‌تواند دینی باشد و غیردینی و یک شکلش تربیت دینی است و آن جایی است که انسان عشقش را نسبت به خدا ابراز می‌کند. رابطه تربیت معنوی با تربیت اخلاقی این است که تربیت معنوی بدون سلامت اخلاقی و عاطفی شکل نمی‌گیرد.

دکتر تهرانی: من پیشنهادم این است برویم روی ضرورت‌ها و ببینیم اگر نباشند، چه خلأهایی پیش می‌آیند.

دکتر نوذری: اگر فرض کنیم تربیت معنوی در ابعاد درون فردی در شکل‌های اطمینان و اعتماد، آرامش، توکل، احترام و احساس یگانگی نسبت به انسان‌های دیگر ظاهر می‌شود، نبود آن موجب تشویش، اضطراب، نگرانی، سطحی‌نگری و سایر مسائلی می‌شود که موضوع بررسی‌های روان‌شناسان تا قبل از مازلو است و بیان کاستی‌ها، بیماری‌ها و خطاهای انسان بریده از معنویت است.



تربیت معنوی بدون سلامت اخلاقی و عاطفی شکل نمی‌گیرد

دکتر صدر: همان‌طور که آقای دکتر نوذری هم فرمودند، محتوای تربیت معنوی، بسته به صفتش که دینی و غیردینی باشد، مشخص می‌شود. اگر شما معنویت را در فضای غیردینی پیش ببرید، تربیت اخلاقی‌تان به همان سمت جهت پیدا می‌کند. ذائقه و شاکله کودک در اوان کودکی ساخته می‌شود. بنابراین، از آنجا که گرایش‌های کودک و نظام ارزشی او در این دوره شکل می‌گیرند، هر چقدر تربیت معنوی شما، که در کودکی به دلیل دست‌نخورده‌گی فطرت توحیدی، جنبه معنوی و اخلاقی‌اش پررنگ‌تر از سایر دوره‌هاست، جنبه دینی‌تر پیدا کند، شکل‌گیری بعد اخلاقی کودک هم بیشتر بر پایه دین و با جهت‌گیری دینی خواهد بود.

دکتر نوذری: من در دو جمله صحبت خانم دکتر صدر را کامل کنم. آن نکته‌ای که شما اشاره کردید و نکته درستی هم بود، این است که در واقع تربیت اخلاقی و گرایش‌های اخلاقی قلب را آماده می‌کند برای ارتباط با خدا. و تفاوت تربیت اخلاقی در تربیت اخلاقی سکولار با دینی این است که اینجا چون تربیت اخلاقی در چارچوب قوانین و مقررات شکل می‌گیرد، راه را به‌صورت تکوینی برای ارتباط باز می‌کند، ولی آنجا در چارچوب قوانینی شکل می‌گیرد که راه را برای ارتباط با خدا می‌بندد.

دکتر صدر: درست است آقای دکتر. مقصودم این نبود که در دوره کودکی باورها شکل نمی‌گیرند. جنبه معرفتی آن‌ها مقصود بود؛ اینکه کودک بتواند با معرفت راجع به عقایدش حرف بزند و نسبت به آن‌ها خودآگاهی داشته باشد.

دکتر تهرانی: کل ماجرای تربیت معنوی به پارادایم ما برمی‌گردد. اینکه ما با نگاه سکولار می‌خواهیم تربیت معنوی و اخلاقی بکنیم، راه آن ارتباط معنوی را که ما از نگاه دین و ارتباط با خدا داریم مسدود و مختل می‌کند.

دکتر نوذری: الان در دنیا بحث می‌کنند که اگر دلبستگی ایمن ایجاد شد، بعداً چه تأثیری در شناخت خدا دارد؟ در حالی که دلبستگی ایمن در محیط سکولار، اساساً نوعی بستن راه ارتباط با خداست.

مروجی: آخرین سؤالی که می‌خواهم طرح کنم، اهداف، روش‌ها و پیامدهای تربیت معنوی در دانش‌آموزان است که به قسمتی از آن‌ها اشاره

شد. اگر مطلبی در این باره دارید، بفرمایید.

دکتر تهرانی: شروع بحث در این حوزه به‌طور عمده بر می‌گردد به تعامل ما با مخاطبمان؛ یعنی با توجه به ویژگی‌های سنی‌شان. همچنان که ما مطرح می‌کنیم «چون که با کودک سر و کارت فتاد، پس زبان کودکی باید گشاد»، روش‌هایمان هم باید با نیاز و شرایط متناسب باشند.

دکتر طهماسبی: من چند نکته راجع به صحبت‌های عزیزان مطرح می‌کنم و بعد هم وارد بحث روش‌ها می‌شوم. درخصوص تسهیلگری، بعد معنوی در غرب و شیوه‌ای آموزشی که در پیش گرفته‌اند و الان هم ما این را در آموزش‌های مهارت‌ها در مدارسمان داریم، این تسهیلگری یک فریب است. از چه لحاظ؟ می‌گویند شما این‌ها را خیلی مستقیم آموزش ندهید. در صورتی که آموزش مستقیم هم یک نوع آموزش است. این یک نکته. نکته دوم درخصوص پایگاه معنویت و دلبستگی ایمان و دلبستگی به خداست. تحقیقاتی هم انجام شده است در ایران درخصوص آن یک نکته مهم هست و آن اینکه ذات اقدس الهی یکی از اسامی‌اش فیاض بودن است. یعنی بازنمایی خدا در روان انسان منجر به این نمی‌شود که از خدا چیزی کم شود و آن بازنمایی اصالت پیدا کند. یعنی اصالت باز با وجود خداوند است که جاری و ساری است. همه جا یعنی آن بازنمایی نباید اصالت پیدا کند که در نظریه‌های دلبستگی آن بازنمایی اصالت پیدا می‌کند. ما هم با همان شکل درخصوص دلبستگی به خدا همان را داریم پیاده می‌کنیم.

دکتر تهرانی: آقای دکتر فراتر از روش‌ها مطرح کردند. به نظرم می‌شود تیترو مطالب ایشان را به‌عنوان راهبردهای تربیتی معنوی که راهبردهایی مثل محبت، ارائه الگو و ثبات در تربیت معنوی هستند، ارائه کرد.

دکتر نوذری: راهبردهای تربیتی مجموعه فعالیت‌هایی هستند که زمینه تحقق اهداف تربیتی موردنظر را فراهم می‌کنند. تعیین راهبردهای تربیتی به نظریه‌هایی تربیتی وابسته است که در چارچوب آن راهبردها تعریف می‌شوند. راهبردهای تربیتی به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- راهبردهای ناظر به حفظ سلامت قلب / فطرت؛
- راهبردهای ناظر به توانمندسازی عوامل درونی (عقل‌ورزی، تغییرات افزایشی در دانش متربی، تعالی جویی)؛
- راهبردهای ناظر به افزایش توانایی مرتبه بدنی؛
- راهبردهای ناظر به توانمندسازی عوامل بیرونی؛
- راهبردهای ناظر به جامعه‌پذیر کردن دینی نیروهای فطری؛



در کودک وجود دارد هم باید جزو راهبردهای تربیتی اصلی مورد توجه قرار گیرد.
۴. تقویت شادابی و نشاط روحی و جسمی هم برای اینکه کودک معنویت را بپذیرد و در جهت آن هدایت پیدا کند، امر مهم دیگری است و تأثیر آن بر تربیت جای بررسی دارد.

■ **دکتر تهرانی:** سیاست‌های ابلاغی حضرت آقا به منظور ایجاد تحول در آموزش و پرورش موارد زیر از جمله ارتقای معنویت و بصیرت دینی، رشد معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان مخصوصاً ارتقای معنوی خانواده‌ها تأکید شده و باید به‌عنوان مطالبه مطرح شود که چرا این‌ها مسکوت مانده است. لذا لازم است مسئولان متعهد و دلسوزان تربیت دانش‌آموزان حال و نسل آینده کشور به این منویات جامه عمل بپوشانند ان شاء الله.

■ **از طرف خانواده بزرگ مجلات رشد**
از شما تشکر می‌کنم. موفق باشید.

● راهبردهای ناظر به شیوه تعامل درست یا عوامل غیبی. در ذیل هر یک از عوامل و متناسب با تراز تحولی فرد، روش‌هایی هم وجود دارند که توضیح آن‌ها فرصت می‌طلبد. در بحث راهبردها و روش‌ها به نظرم نکات خیلی خوبی بیان شد. فقط چند نکته را اضافه می‌کنم:

۱. با توجه به اینکه کودک فطرتاً شوق نسبت به کمال و بی‌نهایت شدن دارد، به نظرم مهم‌ترین کاری که باید از کودکی در جهت تربیت معنوی انجام دهیم این است که کودک را دچار غفلت نکنیم و موانع غفلت‌زا را از او دور نماییم.

۲. نحوه مواجهه کودک با طبیعت و به تعبیر درست‌تر، جهان خلقت، هم بسیار مهم است. جهان خلقت از جمله اولین بسترهای معرفتی کودک است. حواس کودک در این بستر است که فعال می‌شود و داده جمع می‌کند. ادراک کودک در دوره هفت سال اول و بخشی از هفت سال دوم، بیشتر با داده‌هایی که از طریق حواس جمع‌آوری می‌کند، شکل می‌گیرد، تا عقلش.

۳. پاسداشت عزت و کرامت نفس که از کودکی



برای کسب اطلاعات
بیشتر در این زمینه،
رمزبانه بالا را اسکن
کنید



سفیران پیام پروردگار

زینب شاهمرادیان

دبیر معارف هنرستان سمیه، مقطع متوسطه دوم، منطقه ۱۳ تهران

الحسین و علی اولادالحسین و علی اصحاب الحسین. «یادم هست، وقتی دانش‌آموزانم این عبارت را شنیدند، برایشان تعجب‌آور بود. گمان می‌کردند من آن را حفظ کرده بودم.

با اعتقاد قلبی به اینکه برای حرکت در مسیر انجام وظیفه دینی کلام مجلس با امام حسین (علیه السلام) بازوگشوده می‌شود، آن روز کلاس به‌خوبی سپری شد و راه مدیریت کلاس، تدریس و تفهیم مطالب درسی و ارتباط برقرار کردن با دانش‌آموزان، به گونه‌ای هموار شد که خود دانش‌آموزانم در ابتدای کلاس ساکت و منتظر بودند تا عبارت سلام به امام حسین (علیه السلام) را برایشان بخوانم. می‌دیدم دست به سینه و مؤدب نشسته و خودشان هم با من زمزمه می‌کنند: «السلام علیک یا اباعبدالله الحسین».

الان که ۳۰ سال از اولین روزهای تدریسم می‌گذرد، هنوز هم با این اعتقاد قلبی وارد کلاس‌های درس می‌شوم. هنوز دانش‌آموزان و دانشجویان کلاس مرا با این عبارت می‌شناسند و خودشان هم آن را زمزمه می‌کنند.

لازم است ما دبیران درس دینی و قرآن باورهای دینی و اعتقادی خود را در درجه اول خودمان قبول داشته باشیم و تقویت کنیم و مبانی دینی خود و آگاهی معرفت دینی خود را بالا ببریم و مسلم بدانیم «حرفی که از دل برآید لاجرم بردل نشیند». در انجام وظیفه دینی در مسیر تعلیم مبانی دینی و تربیت نسل نوجوان براساس آموزه‌های دینی تلاش صادقانه داشته باشیم. آن که هدایتگر واقعی است، خداست. ما وظیفه داریم کلام و ندای حق را ابلاغ کنیم. آنکه رساندن پیام به دل‌ها را ضمانت کرده است، خود خداوند است.



از مبانی اعتقادی ما مسلمانان، به‌خصوص شیعیان، ارادت خاص به مولا، سرور آزادگان حضرت امام حسین (علیه السلام)، است؛ یاد امام حسین (علیه السلام)، زیارت امام حسین (علیه السلام)، تربت امام حسین (علیه السلام)، سلام بر امام حسین (علیه السلام).

۱۶ آبان سال ۷۰ بود که حکم کارگزینی دبیری و ابلاغ تدریس درس بینش اسلامی برایم نگاشته شد. گرچه مدرک کارشناسی علوم قرآنی را با معدل ۱۸ و اندی از دانشگاه تهران اخذ کردم، اما از روش‌های خاص معلمی آگاهی و تجربه‌ای نداشتم. تنها در مجالس دینی به این باور رسیده بودم که کام جلسات با امام حسین (علیه السلام) باز می‌شود؛ راه با توسل به عنایت امام حسین (علیه السلام) گشوده و هموار می‌گردد.

با این اعتقاد و باور قلبی وارد کلاس شدم؛ مرکزی به‌عنوان دانشسرا برای طرح تربیت معلم از شهرستان‌های استان تهران. اکنون آن دانشجومعلمانی برای دوره ابتدایی همکاران خودم و هم‌سابقه خودم هستند. به هر حال اولین کلاس، اولین ساعت، اولین درس برایم خیلی عجیب بود. ۱۶ سال به‌عنوان دانش‌آموز و دانشجو کسب علم داشتم و رشته تحصیلی‌ام هم دبیری نبود. چنین بود که آن لحظات برایم بسیار جدی بود و بسیار حساسیت داشت.

باور به عنایت امام حسین (علیه السلام) برای بازشدن کلام در کلاس با من بود برای آغاز کردن کلاس. بعد از بیان بسم‌الله الرحمن الرحیم، فراز آخر زیارت عاشورا را خواندم: «السلام علیک یا اباعبدالله و علی‌الارواح التي حلت بفنائک علیکم منی سلام‌الله ابداً ما بقیت و بقی اللیل و النهار. السلام علی‌الحسین و علی‌ابن

دیگته بدون غلط

نگاهی به تعلیم اهل بیت برای ترویج معنویت در کودکان و نوجوان

محدثه مظاهری سیف

عضو پژوهشکده مطالعات معنوی



مهم این است که تعلیم اهل بیت (علیهم السلام) در ترویج معنویت برای کودکان و نوجوانان چه بوده است؟ اولین موضوعی که در ذیل سؤال اصلی باید به آن پاسخ داده شود، این است که منظور از معنویت چیست؟ سپس باید به جست‌وجوی تعلیم معنوی اهل بیت (علیهم السلام) پرداخت. از معنویت تعریف‌های متعددی ارائه شده است. غالباً این تعریف‌ها بر نوعی رابطه با امر مقدس و متعال تأکید دارند. امر مقدس اسم عامی است که بر حقیقت غایی در ادیان و فرهنگ‌های مختلف دلالت می‌کند؛ حقیقتی که در طول تاریخ و عرض جغرافیا به نام‌های گوناگون خوانده شده است. ما در فرهنگ ایرانی اسلامی آن را خداوند می‌نامیم. به نظرم، اصل و عصاره تعریف‌های گوناگون را در این

تدوین برنامه‌ای برای تربیت و شکوفایی معنوی کودکان و نوجوانان ساده نیست. زیرا امور معنوی عمیق و دیرپاب به نظر می‌رسند و آموزش آن‌ها به کودکان و نوجوانان دشوار است. از سوی دیگر، معنویت موضوعی خطیر است که هرگونه خطا و کج روی دنیا و آخرت انسان را به تباهی می‌برد. هم از این روست که نمی‌توانیم با آزمایش و خطا برنامه تربیت معنوی برای دانش‌آموزان طراحی کنیم. بنابراین، لازم است از منبعی معتبر و اطمینان‌بخش، اصول اساسی پرورش معنویت برای این عزیزان را به دست آوریم. به باور شیعیان و بسیاری از مسلمانان، اهل بیت پیامبر (ص) مربیان بی‌خطای معنوی هستند و می‌توانند منبعی معتبر و اطمینان‌بخش برای یافتن تعلیم معنوی باشند. حال پرسش



36

دعا با افزایش توجه در آگاهی ذهنی موجب تقویت ارتباط قلبی با خداوند می شود و به همین علت معنویت را تقویت می کند

شکایت و واگویی درد دل ها، بلکه مهم این است که وقتی دعا را آغاز می کنی، اکنون و اینجا در حضور او هستی و آگاهی و توجهات به او معطوف است.

ما در عالم آگاهی هایمان زندگی می کنیم. آنچه نمی دانیم و از آن خبر نداریم، در عالم ما حضور ندارد و تأثیری بر تصمیمات و احساسات و اراده ما نمی گذارد. انسان این امکان را دارد که عالم آگاهی خود را تغییر دهد، درهم بکوبد و از نو خلق کند. زندگی روزمره معمولاً با کشمکش ها و سرگرمی هایش آگاهی ما را مشغول و اشغال می کند، به طوری که تنها امور مادی به واقعیت آگاهی ما تبدیل می شوند. وقتی به دعا می رسیم، عالم آگاهی ما رو به تحول می رود و توسعه پیدا می کند. با دعا خود را در حضور روشن، قدرتمند و مهربان خداوند می یابیم. او به عالم آگاهی ما وارد می شود.

اثر معجزه آسای میراث دعایی اهل بیت (علیهم السلام) این است که تغییرات پایدار و عمیقی را در عالم آگاهی ما ایجاد می کند؛ اثری که به صورت تغییرات لحظه ای ظاهر می شود. اما در میراث معنوی اهل بیت، انبوهی از دعاهای درخشان و متنوع به جا مانده اند که برای هر لحظه و هر کاری دعایی در آن پیدا می شود. به طوری که در هر لحظه پیوند قلبی ما را با خداوند برقرار می کند. میراث دعایی اهل بیت از تمام لحظات و امور زندگی گذرگاهی به سوی خداوند و فرصتی طلایی برای رابطه قلبی با او می سازد.

عبارت می توان خلاصه کرد: معنویت رابطه قلبی با خداست. رابطه قلبی با خداوند و توجه باطنی به او در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) به فراوانی دیده می شود. بررسی تمام تعالیم و برنامه هایی که اهل بیت برای ترویج یا پرورش معنویت به کار گرفته اند در اینجا ممکن نیست. اما به صراحت می توان گفت، مهمترین و اصلی ترین برنامه آن حضرات برای ترویج معنویت، دعا بوده است. اگر سایر تعالیم معنوی اهل بیت در یک کفه ترازو قرار گیرد و دعاهای ایشان در کفه دیگر گذاشته شود، بی تردید کفه دعا سنگین تر خواهد بود. گنجینه دعاهای انباشته شده در سایر ادیان و مذاهب به پای میراث دعایی اهل بیت (علیهم السلام) نمی رسد. بنابراین، دعا برنامه اصلی و عمده ترویج معنویت در مکتب اهل بیت است.

مزیت دعا بر سایر تعالیم معنوی در این است که سایر تعالیم معنوی می کوشند انسان را برای رابطه قلبی یا مواجهه قلبی با خداوند آماده کنند، اما دعا به طور شگفت انگیزی انسان را در متن این ارتباط مستقیم می نشاند. فرض بنیادین دعا حضور در محضر الهی است و دعاکننده با اولین جمله ای که می گوید و خداوند را مخاطب قرار می دهد، آگاهانه و ارادی به حضور او مشرف می شود. مهم نیست که دعا را برای درخواست از اوست، یا سپاس، یا ستایش، یا

آگاهی انسان دو جنبه اساسی دارد: یکم، آگاهی ذهنی که با تصورات گوناگون از امور گوناگون پدید می‌آید، و دوم آگاهی قلبی که شهودی است. آگاهی قلبی به خداوند نوعی شهود است که شالوده معنویت و ارتباط قلبی با خداوند را می‌سازد. دعا با ایجاد هم‌سویی میان آگاهی ذهنی و آگاهی قلبی، از دو طریق معنویت را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

یکم، دعا بستری برای ایجاد معنویت است. دعا ذهن و زبان را به یاد خدا معطوف می‌کند. وقتی آگاهی ذهنی بر یاد خدا معطوف شود، آگاهی قلبی نیز به دنبال آن می‌آید و بر یاد او معطوف می‌شود. یاد خدا برای قلب همان درک حضور و شهود نور الهی است. به این ترتیب، دعا آگاهی ما را به فراسوی روزمرگی‌های زندگی دنیوی می‌برد و قلب را در ارتباط آگاهانه و ارادی با خداوند قرار می‌دهد. بنابراین، دعا زمینه‌ای است برای توجه قلبی به خداوند و ایجاد رابطه قلبی با او.

دوم، تقویت‌کننده است. گاهی ارتباط قلبی با خدا برقرار است و ذهن از این ارتباط آگاه است. در این شرایط نیز دعا اثر مثبت معنوی دارد. رابطه قلبی با خدا درجات و مراتب متعدد، بلکه بی‌پایان دارد. هر چه آگاهی بیشتر به او معطوف شود، رابطه‌ای قوی‌تر، پایدارتر و تأثیرگذارتر در قلب شکل می‌گیرد. دعا با افزایش توجه در سطح آگاهی ذهنی موجب تقویت ارتباط قلبی با خداوند می‌شود و به همین علت معنویت را تقویت می‌کند.

آگاهی ذهنی انسان اطوار مختلفی دارد. کودکان تا زمانی که از نظر رشد ذهنی در مرحله پیش عملیاتی هستند، بیشتر با قوه خیال درک می‌کنند. سپس در دوره عملیات عینی، روابط عینی و نتایج عملی را می‌فهمند و پس از آن به دوره عملیات صوری می‌رسند و می‌توانند حقایق انتزاعی و تجربی را دریابند. اعجاز دعا در این است که با همه این مراحل انطباق پیدا می‌کند.

انطباق دعا با مراحل رشد ذهنی بسیار روشن و زیباست. کودکان با درک کودکانه خود به‌سادگی ارتباط با خدا را می‌فهمند و قدرتی برتر را که مهربان و حمایت‌گر و شنوا و گره‌گشا و حی و حاضر است، درک می‌کنند. آن‌ها می‌توانند ساعت‌ها در روز با او سخن بگویند، درد دل کنند، کمک بخواهند و به آرامش و شادی برسند. کودکی که از عالم خیال در حال گذر به عالم واقع است و تفکر انضمامی در او شکل می‌گیرد، می‌تواند در جست‌وجوی اهداف و نتایج عملی و جبران ضعفی که در خود می‌یابد، به دعا پناه ببرد و به رابطه قلبی با خداوند وارد شود. نوجوانی که این مرحله را پشت سر گذاشته و می‌تواند تفکر انتزاعی و تجربی داشته باشد، با اندیشیدن به قدرت مطلق و صفات عالی الهی رابطه با او را درک می‌کند و از گذرگاه دعا به سوی خدا

می‌شناید. با این وصف، دعا دامنه‌ای گسترده برای رابطه قلبی با خداست که کودکان و نوجوانان همراه با جوانان و بزرگسالان بر این دامنه می‌نشینند و از ارتباط قلبی با معبود بهره می‌برند.

در تمام مراحل رشد ذهنی، از کودکی تا نوجوانی و جوانی و پس از آن، دعا کارکردهای خود را در رابطه با معنویت دارد. یعنی در دوره تخیلی کارکرد ایجاد و تقویت رابطه قلبی با خداوند از طریق دعا صورت می‌گیرد. همچنین، در دوره‌های عملیات عینی و صوری نیز این کارکردها جاری هستند. موضوع مهم این است که هر چه کودک و نوجوان با اصل این رابطه قلبی آشنا شود و آن را به‌صورت تجربی درک کند، بهتر می‌تواند از آثار و برکات دعا بهره‌مند شود.

دعا یک فن معجزه‌گر در تحولات معنوی است که برای دانش‌آموزان نیز بسیار کارآمد است. برای بهره‌مندی کاربردی

از میراث معنوی اهل بیت (علیهم‌السلام) لازم است در گام اول نیازهای معنوی کودکان و نوجوانان در رابطه با ترس، امید، محبت، امنیت، کرامت، خانواده، تحصیل، دوستان و همسالان فراهم شود. در گام دوم دعا‌های متناسب با هر کدام از این نیازها استخراج شوند. سوم، محتوای منتخب در بسته‌های

جذاب به‌عنوان راهکارهایی برای رابطه با عشق و قدرت بیکران آموزش داده شود. این کار بر بهره‌مندی کودکان و نوجوانان از میراث معنوی اهل بیت می‌افزاید.

اعجاز معنوی دعا در رابطه مستقیمی است که میان انسان و خدا از طریق دعا برقرار می‌شود. گاهی یک دعا تحولی را در دانش‌آموز ایجاد می‌کند که ساعت‌ها درس و موعظه آن اثر را ندارد. زیرا در دعا قلب وارد ارتباطی نزدیک و حضوری با پروردگار می‌شود و گفتنی‌ها را احساس می‌کند و می‌یابد. بی‌تردید، هیچ‌کس بهتر از خداوند نمی‌تواند به قلب‌ها نور و آرامش ببخشد. با دعا خداوند وارد عمل می‌شود و نیازهای معنوی را برآورده می‌کند و انسان را در مسیر شکوفایی معنوی به پیش می‌راند. بنابراین، دعا مؤثرترین برنامه برای ترویج معنویت در بین کودکان و نوجوانان بر اساس تعالیم معنوی اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

منابع

۱. حمیدرضا مظاهری‌سیفی. خودکاوی معنوی قم. پژوهشکده مطالعات معنوی. ۱۴۰۰
۲. برنارد اسپیلکا کوین لد؛ روانشناسی دعا و نیایش رویکرد علمی کاربردی؛ مترجمان: رحیمی ملیحه، فرح‌نیا سعیده و دیگران - تهران، انتشارات ارجمند. ۱۴۰۰
۳. محمد مهدی احمدی فراز. صحیفه سجاده، با اشاراتی به بهداشت روان. دفتر نشر معارف. قم. دفتر نشر معارف ۱۳۹۲



**مهم‌ترین و اصلی‌ترین
برنامه حضرات
معصومین (علیهم‌السلام)
برای ترویج معنویت
«دعا» بوده است**



دکتر محمد مهدی اعتصامی تشریح کرد

معنویت سکولار،

مغلوب معنویت خدا باور

بررسی مزایای معنویت خدا باور بر معنویت سکولار

گفت‌وگو: مهدی مروجی

دکتر محمد مهدی اعتصامی از مؤلفان کتاب‌های دین و زندگی دبیرستان ضمن تبیین مفهوم معنویت نزد معتقدان به دین و خداوند و نیز سکولارها، به تفاوت و تمایز آن‌ها می‌پردازد و به آثار کارکردی معنویت – با توجه به این تفاوت نزد معتقدان بدان‌ها – اشاره می‌کند. وی با اشاره به علل نفوذ معنویت سکولار از طریق فرهنگ غربی در جامعه از جمله نزد جوانان و دانش‌آموزان کشور، به چگونگی پیش‌گیری پرداخته و نقش معلمان آگاه و متعهد را در این عرصه بسیار مهم و اولویت اول ارزیابی کرده و خواستار توجه ویژه به تربیت معلمان از طریق سرمایه‌گذاری مادی و معنوی هدفمند شده است. با هم این متن را مرور می‌کنیم:

معنویت را به این معنا به کار می‌بریم؛ همان‌طور که انسان بعد مادی دارد، دارای بعد روحی و معنوی هم هست.

اگر کسی این دو مقدمه را پذیرفت که جهان هستی، یک بعد دیگری دارد و برای این بعد ظاهری و آن اسمش را بعد معنوی می‌گذاریم، برای انسان هم باید بپذیریم که علاوه بر بعد ظاهری، بعد دیگری وجود دارد با عنوان روح، در این

■ به نظر شما معنویت چیست و با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟

□ **دکتر اعتصامی:** بسم الله الرحمن الرحيم. یک موقع معنویت را به این معنا می‌گیریم که این جهان هستی علاوه بر بُعد ظاهری و مادی که در آن زندگی می‌کنیم، بعد الهی هم دارد که ممکن است از بُعد اخیر به عنوان بعد معنوی عالم نام ببرند. یک وقت

صورت تفکری نسبت به انسان و جهان پیدا کرده که در آن معنویت حضور دارد.

■ **معنویت در ادیان توحیدی مختلف، تعریف‌های متفاوتی دارد. در این گفت‌وگو، نظر ما متوجه معنویت در گفتمان اسلام است و نه در دیگر ادیان توحیدی. نظر تان را در این مورد هم بفرمایید.**

□ **ادیان الهی، که اساس یک دین بیشتر**

نیستند، در مورد معنویت هم بر این نظرند که

هستی ماورای خودش دارای یک بعد معنوی است و

بعدی معنوی گویای این نکته است که عالم هستی دارای

یک مدیریت الهی است که مدیریت الهی یا ربوبیت الهی،

حاکم بر عالم ماده هم است و به این معنا، انسان به عنوان

روح می‌رود ذیل مدیریت الهی قرار می‌گیرد و از اینجا، پای

دین الهی به میان می‌آید. براساس این بنیان، جنبه معنوی

عالم که خدا در رأسش قرار دارد و بعد فرشتگان هستند؛

این خداوند هدایتگر جهان هستی است و جهان هستی ذیل

مدیریت معنوی عالم قرار می‌گیرد.

این دیدگاه پیامبران الهی است. ادیانی مثل بودایی،

برهمایی و آئین کنفوسیوس هم بعد معنوی دارند و حتی

مرکزی هم برای عالم قائل‌اند. ولی در اینجا نکته‌ای مطرح

است که موضوع خالقیت را به‌درستی بیان نمی‌کنند که این

جهان خالق دارد و این خالق هدایت‌گر است و هدایت جهان

را بر عهده دارد.

البته این نکته مربوط به وضع اکنون این ادیان است. آنچه

را تحت‌عنوان ادیان می‌شناسیم می‌توانیم دو دسته کنیم؛

۱. معنویت‌های تحت ادیان الهی مشخص مثل دین

یهود، دین مسیحیت، زرتشتی و اسلام این ویژگی‌ها را

دارند؛ معتقدند ما یک برنامه الهی در زندگی داریم، خداوند

پیامبرانی فرستاده که به آن دستورها عمل می‌کنند.

۲. اما معنویت‌های دیگر، برخاسته از دیدگاه‌های صاحبان

مکتبی است که الان دارند، یعنی به شکل ادیان دسته‌اول

نیست که پیامبری از جانب خداوند با دستورات مشخص

آمده و مأمور به اجرای آن‌ها باشد.

■ **چه شاخص‌ها یا سنجه‌هایی وجود دارد که بتوان گفت معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی چنین است، اما معنویت در ادیان دیگر چیز دیگری است. می‌خواهیم طوری بیان شود که صورت کارکردی در مدارس ما بیابد.**

□ **ابتدا اجازه بدهید بنده ابعاد دیگر معنویت را مطرح کنم؛ یکی از آن بعدها، وجود معنویت دینی و معنویت غیردینی است. ما درباره دو دسته دینداران صحبت کردیم، ولی درباره معنویت غیردینی چیزی نگفتیم؛ بالاخره برخی از انسان‌ها، متوجه شده‌اند که انسان یک بعد دیگری غیر از بعد مادی دارد.**

■ **لطفاً بیشتر توضیح بدهید.**

□ **انسان به اخلاق نیازمند است. اخلاق**

به جنبه معنوی وجود آدمی مربوط می‌شود.

جنبه مادی انسان به غذا و آب و پوشاک و این جور

چیزها مربوط است اما انسان در درون خودش احساس

می‌کند که نیازهایی دارد که به جنبه‌های اخلاقی او ارتباط

می‌یابد؛ مثلاً راستگویی، شجاعت، آزادگی، روحیه استقلال.

این موارد که در زمره جنبه‌های اخلاقی قرار می‌گیرند

ممکن است به آن‌ها اطلاق به جنبه‌های

معنوی بشری بکنند و بگویند این موارد را ما

هم طالبیم. این‌ها در واقع طالب اخلاق بدون

دین و بدون خداوند هستند که همان اخلاق

سکولار است. اما این که قدرت تبیین آن را

داشته باشند یا نه، بحث دیگری است.

حال که بحث ما به دانش‌آموزان برمی‌گردد،

ما مورد عزت‌نفس را در نظر می‌گیریم که

جنبه معنوی دارد. در قرآن کریم و سیره ائمه

اطهار(ع) گفته می‌شود، این عزت‌نفس وقتی به‌دست می‌آید

که انسان با آن به عزتی که عزت خداست، پیوند برقرار

کند و در ارتباط با خداوند قرار بگیرد و اگر در ارتباط با

خدا قرار گرفت و از خداوند اطاعت کرد، در این وضعیت از

عدم ارتباط با غیر خدا، احساس عزت می‌کند. در قرآن کریم

در بخشی از آیه ۱۰ سوره فاطر هم فرمود؛ «مَنْ كَانَ يُرِيدِ

الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» و در این ارتباط می‌فرماید، منافقین

می‌خواهند عزت را از مؤمنین بگیرند اما خداوند می‌فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

(منافقون/ ۸)

بنابراین هم فرد دیندار و هم فرد سکولار طالب عزت‌اند، اما

عزتی که آدم سکولار می‌طلبد، دارای حدود معینی است که

زیر بار افراد دور و بر خودش نرود، ولی عزتی که دین اسلام

می‌طلبد، علاوه بر اینکه می‌گوید در مقابل غرایز خودش هم

مقاومت نشان بدهد، یعنی دلیل هوای نفسش هم نشود.

یعنی شهوت او را به ذلت نکشاند. مطامع دنیایی او را خوار

و دلیل نکنند. این‌ها در چه صورتی ممکن است؟ در صورتی



عزت نفس وقتی به دست می‌آید که انسان با آن به عزتی که عزت خداست، پیوند برقرار کند و در ارتباط با خداوند قرار بگیرد

وقتی انسان در جایگاه بندگی خداوند قرار گرفت، بندگی انسانی مثل خودش را نمی‌کند

میسر است که انسان پیوندش با خداوند که صاحب اصلی عزت است برقرار گردد. بنابراین در تربیت دانش‌آموزان ما، این موضوع را باید وارد کنیم؛ به میزانی که انسان اعتقادش به خداوند بیشتر شود، این سنخ از عزت را بیشتر می‌طلبد. این سنخ از عزت در صورت ارتباط با خداوند افزایش می‌یابد. وقتی فرستاده مسلمانان در مقابل فرمانده ساسانی - رستم فرخزاد - قرار گرفت، فرمانده ساسانی به پیک مسلمانان گفت: شما دنبال چه چیزی هستید؟ پیک مسلمانان گفت: ما آمده‌ایم انسان‌ها را از بندگی انسان رها کرده و به بندگی خداوند برسانیم. یعنی وقتی انسان در جایگاه بندگی خداوند قرار گرفت، بندگی انسانی مثل خودش را نمی‌کند. بنابراین بحث ما درباره اخلاق دین‌داری و اخلاق سکولار بود، ولی راه رسیدن و مرتبه آن‌ها نیز در این دو نوع اخلاق، متفاوت است. شجاعت هم همین‌طور است.

■ چه رابطه‌ای بین معنویت و دین وجود دارد؟

□ ابعاد وسیع معنویت سبب می‌شود که ما توجه به دین هم بتوانیم داشته باشیم. همان‌طور که در پاسخ به پرسش قبلی عرض کردم، اگر کسی معنویت را در یک اخلاق دنیایی خلاصه کند، ربطی به دین ندارد و نیاز به دین ندارد. این فرد می‌خواهد رتق و فتق امور را با مردم بکند، مردم کلاه سرش نگذارند و او سر مردم کلاه نگذارد. اساس اخلاق سکولار این است؛ که می‌خواهیم در این دنیا زندگی کنیم، لذا ناچار به داشتن زندگی اجتماعی هستیم. برای اینکه بتوانیم با همدیگر زندگی کنیم، باید مراعات یکدیگر را بکنیم، در غیر این صورت زندگی اجتماعی میسر نیست و مختل می‌شود.

اما اگر انسان فراتر از این رویکرد برود و اخلاق را صرفاً به خاطر زندگی دنیایی نخواهد و بخواهد به بعد معنوی برسد و به خداوند هم معتقد باشد که این خداوند قدرت مدیریت و هدایت انسان را دارد، از اینجاست که پای دین به میان می‌آید و دین هم برای کمال آن بعد معنوی که بعد جاودانه‌ای است، ضرورت دارد. یعنی برنامه دینی برای به کمال رساندن بعد معنوی انسان لازم می‌شود.

■ چه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی سبب پذیرش معنویت بدون دین و معنویت سکولار می‌شود و معنویت در این چرخش چه ویژگی‌هایی می‌یابد؟

□ شهید مطهری کتابی با عنوان «علل گرایش به مادی‌گری» دارد. آن کتاب زمینه خوبی برای این بحث

است. در این کتاب می‌گوید، چرا غرب به سکولاریسم گرایش پیدا کرده است؛ آن هم از قرون ۱۴، ۱۵ میلادی از قرون وسطا به این طرف. این گرایش دو علت عمده داشت؛ یکی علت سلبی داشت یعنی آن جنبه فطری دین مسیح در اذهان مردم از زندگی جدا بود و این ویژگی دین مسیحیت تحریف شده بود.

و دیگری، علت ایجابی آن شکل‌گیری فلسفه‌هایی بود که در آن‌ها فقط دانش تجربی اثبات می‌شد و سایر حوزه‌های دانش به خصوص دانش عقلی مورد انکار قرار می‌گرفت.

■ علت آن چه بود؟

□ حاکمان کلیسا - که هنوز هم این حاکمیت وجود دارد - می‌گفتند حضرت مسیح آمده است فدیة گناهان بشر باشد. سؤال این است رهبر کلیسا به چه حقی و چطور می‌تواند عملی را که خداوند منع کرده و گناهش دانسته، ببخشد؟

وقتی مردم آگاه شوند، نسبت به چنین دینی حالت تقابل و ضدیت پیدا می‌کنند و خودبه‌خود معنویت زیر لوای دین را کنار می‌گذارند که جنبه منفی و سلبی دارد.

■ آنچه فرمودید به کل جامعه مربوط می‌شود، شما می‌دانید که پذیرش معنویت سکولار در میان برخی دانش‌آموزان هم مشاهده می‌شود. در این باره و علل آن هم نظرتان را بفرمایید.

□ جامعه ما در معرض جریان سکولار غرب قرار گرفته است و به‌طور طبیعی به این سمت نرفته است. در غرب، در طول تاریخ، جریانی به وجود آمد که هم از نظر فکری و نظری و هم از نظر عملی، سبک زندگی بدون دین را شکل داد و توجه‌اش به دنیا جلب شد.

این سبک در جامعه ما نیز به تدریج منعکس شد و خانواده‌هایی که بیشتر با تفکر غربی ارتباط پیدا کردند، به سمت همین امور مادی سوق یافتند؛ مثل داشتن ماشین آخرین سیستم. می‌دانیم که بعد غرایز جنسی نیز در این تفکر خیلی قوی است و تبلیغ روی آن شدید شد و جوانان نیز در قبال آن بیشتر تحریک‌پذیری دارند.

آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت کشور خودمان با این‌ها روبه‌روست، روش‌هایی که نتیجه انتقال فرهنگ غرب به داخل جامعه ماست. نمی‌توان کاری هم در برابر آن کرد. امکان بستن درها را نداریم و الان هم که ارتباطات جدید مثل اینترنت و تلفن همراه نیز روابط را لحظه‌ای کرده است. بدین ترتیب در این اوضاع کار برای مربیان تعلیم و تربیت بسیار مشکل است. چالش‌هایی که امروز داریم قبلاً نبود. برای این‌که در مقابل این جریان موفق بشویم، در وهله

اول لازمه کار این است که سطح فکر و آگاهی و خرد دانش‌آموزانمان را بالا ببریم؛ خداوند چیزی به نام «عقل» به انسان داده تا بتواند امور را سبک و سنگین کند. باید به سطح خردمندی آنان افزوده شده و از خطراتی که متوجه‌اش است هم آگاه گردد. آن وقت در برابر شهوات و آنچه خلاف خرد است، مقاوم می‌شود.

جوان امروز هر روز با صدها صحنه تحریک جنسی روبه‌رو می‌شود، به همین دلیل باید بپذیریم که در وضعیت سختی قرار داریم.

■ چه راهکاری برای پیش‌گیری دارید؟

□ تنها یک کار اصلی داریم؛ پیش‌گیری، اما نباید صرفاً از نوع پیش‌گیری مانعی باشد. پیش‌گیری‌ها باید همراه با ارتقای شخصیت متری و دانش‌آموزان ما باشد، و مهم‌تر از آن باید قدرت عقلانی هم افزایش یابد.

■ به خودمدیریتی نظر دارید؟

□ اول افزایش قدرت عقلانی است همراه با ارتقای شخصیت وی که در این صورت قدرت خودمدیریتی نیز افزایش می‌یابد و اراده خودمدیریتی پیدا می‌کند.

به ارتقای شخصیت که اشاره کردم، منوط به آن است که عزت‌نفس در جوان مسلمان جلوه‌گر باشد، یعنی او نباید احساس کند که در برابر وقایع، ضعیف و مغلوب است، بلکه به سبب داشتن عزت‌نفس احساس کند که قادر است خودش تصمیم‌گیرنده و انتخاب‌گر باشد. اگر بتوانیم دانش‌آموز را به صورت مستدل متوجه کنیم که غربی‌ها هم در زندگی اشتباه کرده و می‌کنند و شاید بردن حیوان در محیط خانه نیز ناشی از این بود که وقتی خانواده از هم پاشیده شد و ازدواج کاهش یافت و زندگی فردی شد و زن تنها و مرد تنها زندگی کرد، برای خروج از این وضعیت، ناخودآگاه دنبال همدمی رفتند که آن‌ها را از تنهایی در بیاورد، لذا حیوان را جایگزین انسان کردند.

پس باید دانش‌آموزان را از اول متوجه چنین آسیب‌هایی کرد تا بفهمند که در غرب نیز اشتباه می‌کنند و اشتباه‌هایی بزرگ هم کرده و می‌کنند. این آگاهی‌ها نیز می‌تواند به پیش‌گیری کمک کند. پس برای پیش‌گیری باید نوجوانان، جوانان و جامعه ما، به صورت منطقی فرهنگ غرب - نه تمدن غرب - را بشناسند. این شناخت باید بدون شعار باشد تا تحلیل درستی از جامعه غرب داشته باشیم.

بنابراین نوع مواجهه ما از یک طرف با فرهنگ غرب و از طرف دیگر تربیت فرزندان ما برای روبه‌رو شدن با این فرهنگ و آثار آن باید در اولویت قرار بگیرد. برای این کار باید کاستی‌های مربوط در حوزه حجاب، در حوزه غرایز

جنسی، در حوزه مصرف‌گرایی، در حوزه دور شدن از عبادت خدا و... که ناشی از نفوذ فرهنگ غرب است را بشناسیم و در برابر آن، پادزهرهای ضروری ایجاد کنیم.

نکته آخر بنده درباره پیش‌گیری این است که باید متمرکز بشویم روی تربیت معلم زیرا معلمی که نقش اسوه و الگو دارد، باید این نقش و تأثیرگذاری را افزایش دهد. ما باید به تراز معلمی که بتواند با این چالش مواجه بشود، برسیم. در همین حال، این معلم باید در وجود خودش در برابر غرب احساس استقلال کند. اگر نتواند به صورت مستقل و آگاهانه درباره غرب قضاوت کند، این معلم خودش عامل فرهنگ غرب خواهد شد. بنابراین ابزار اصلی کار ما در تعلیم و تربیت معلم است و باید روی تربیت معلم خیلی سرمایه‌گذاری کنیم.

■ مقام معظم رهبری عرصه‌های پیشرفت را شامل چهار عرصه معنویت، فکر، علم و زندگی دانسته‌اند. معنویت به نظر جنابعالی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چه تأثیری دارد؟

□ نکته خیلی خوبی است. چهار عرصه‌ای را که مقام معظم رهبری می‌فرمایند، حصری نیست؛ در آن سخنرانی این تعداد موردنظر ایشان بوده. گاهی ممکن است که این چهار مورد با هم تلفیق شوند؛ برای مثال زندگی خودش یک بعد معنوی دارد. وقتی می‌فرمایند، پیشرفت در زندگی، منظورشان این است که نوع زندگی هم باید پیشرفت کند. کسی که توجه‌اش از امور ظاهری و سطح پایین ارتقا

یافت و به امور معنوی رسید که یک جنبه‌اش، جنبه اخلاقی، عزت‌نفس، توجه به خدا و عبادت است، ایده‌آل‌های دانش‌آموز ما را بالا می‌برد. یعنی از ایده‌آل داشتن شغل خوب و ماشین خوب، می‌رسد به ایده‌آل علمی، این که در زندگی‌اش به دیگران کمک کند اگرچه به صورت پزشکی باشد که هم درآمد خوبی داشته باشد و هم بتواند درد مردم را درمان کند و ممکن است برسد به ایده‌آل فراتر از این، آن وقت می‌گوید؛ به این دلیل که خداوند فرمود علم را بیاموز، می‌رود دنبال علم‌آموزی؛ همان‌طور که پیامبر خدا(ص) فرمودند: اطلبوا العلم من المهد الى اللحد. این فرد با این آموزه دیگر در علم‌آموزی و پیشرفت در ساحت علم، حد و مرز نمی‌شناسد. همتش بالا می‌رود و تلاش و پشتکارش هم افزایش می‌یابد.

■ از طرف خانواده بزرگ مجلات رشد از شما تشکر می‌کنم.



معلم باید در وجودش در برابر غرب احساس استقلال کند. اگر نتواند به صورت مستقل و آگاهانه درباره غرب قضاوت کند این معلم خودش عامل فرهنگ غرب خواهد شد

شجره طیبه

نموداری برگرفته از

الی ربهم یرجعون



عبد الحمید سیامک نژاد تصویرگر

برگرفته از تبیین ابعاد و مؤلفه های
محتوای سند تحول افابان حسینی

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

(ای رسول! آیا ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت پاک و زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان ارفعت و سعادت) بر شود؟
سوره ابراهیم، آیه ۲۴

بیهوشیته و خبیثه

آیات قرآن و سنت

أنا ربکم الأعلى



هوای نفس و ابلیس

درخت معنویت
کاذب از زاویه
ارزش شناسی و
معرفت شناسی

وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

و مثل کلمه کفر (و روح پلید) مانند درخت پلیدی است که ریشه اش به قلب زمین نرسد بلکه بالای زمین افتد و ازود خشک شود و هیچ ثبات و بقایی ندارد.
سوره ابراهیم، آیه ۲۶

و شد معنوی انسان و تحلیل آن در
نفس، رضا و فانی و دیگران، ۱۳۹۴



تریت معنوی جامع برای دانش آموزان

نویسنده: جویس ایی بلوس
تلخیص و ترجمه: دکتر اکرم عینی



مقدمه

بلوس، استاد آموزش دین مسیحیت دانشگاه آلبرتای کانادا، با بیش از ۲۰ سال سابقه پژوهش در مورد «معنویت انسان»، آن را به عنوان احساس ارتباط متقابل تعریف کرده است. توجه او به جنبه «معنویت انسان»^۱ است که آن را عامل ارتباطات، وابسته و رابطه‌ای بر اساس یک حس ارتباط می‌داند، یعنی معنویت، محور صلاحیت و ظرفیت انسانی برای ارتباطات است. **لیزا میلر**^۲ (۲۰۱۵) هم پژوهش‌های متعددی در زمینه معنویت کودکان انجام داده است. هدف او این است که بگوید نیاز انسان به حس ارتباط از طریق آموزش معنوی جامع به بهترین شکل ایجاد می‌شود. این آموزش به کودکان و نوجوانان اجازه می‌دهد با شناخت معنوی به بلوغ برسند و می‌گویند آن‌ها به استفاده از یک یا چند سبک از چهار سبک رایج معنوی، یعنی «واژه و کلمه، هیجان، نماد و کنش»^۳ تمایل دارند این چهار سبک و چهار نوع سواد تربیت معنوی، زمینه‌ای مطمئن برای شکوفایی انسان فراهم می‌کنند. هدف از ارائه چهار نوع سواد، تشویق مربیان به این است که کامل‌ترین احساس انسانیت و معنویت را در فراگیرندگان خود پرورش دهند. این سبک‌ها عبارتند از:

یک هدف از سواد شناختی: می‌بینند به چه فکر می‌کنند و از خود می‌پرسند آیا می‌خواهند همچنان به این شیوه فکر کنند؟

سبک واژه و کلمه^۴ - سواد شناختی

هدف آموزشی: گفت‌وگو با فیلسوف به منظور تدوین سواد شناختی، با آموزش فراگیرندگان با این هدف که به افرادی منطقی و معقول تبدیل شوند و کمک به آن‌ها برای تمرین بیشتر.

- استفاده از کلمات و واژه‌ها و استدلال و دلیل آوردن برای ایجاد روابط مفهومی.
- می‌بینند به چه فکر می‌کنند و از خود می‌پرسند آیا می‌خواهند همچنان به این شیوه فکر کنند؟
- استفاده از دقت، صحت و وضوح مفهومی.
- تجزیه و تحلیل، مقایسه، مخالفت کردن، و پرسش و پاسخ به سؤالات خوب

سبک هیجان^۵ - سواد هیجانی

هدف آموزشی: تقویت سواد هیجانی^۶ با دستیابی به خودآگاهی و مدیریت خود (خودتنظیمی) و تمرین

● آگاهی هیجانی و خودتنظیمی؛

● بیان واضح هیجانات و احساسات از طریق فعالیت‌های حرکتی - احساسی - بازیگری؛

● یادگیری از طریق هنر، موسیقی و تجربه.

سبک نماد^۷ - سواد تخیل خلاق

هدف آموزشی: پاسخ به موقعیت و مراسم مذهبی برای توسعه سواد تخیل خلاق، و تمرین آن

- لذت بردن از آرامش
- تفکر تصویری و فرضی
- تمرین آرامش و سکون
- لذت بردن از زیبایی
- شرکت در آیین‌ها و مراسم نمادین
- یادگیری از طریق تن‌آرامی، از طبیعت و با مشاهده دقیق

سبک کنش^۸ - سواد اجتماعی

هدف آموزشی: همراهی با عامل تغییر به منظور توسعه سواد اجتماعی^۹، با دستیابی به آگاهی اجتماعی و مدیریت ارتباط به منظور یادگیری چگونگی حفظ محیط ارتباطی سالم و تمرین آن

- مداخله و درگیر شدن با دنیای افراد حاشیه‌نشین یا فقیر؛
- اقدام برای برقراری عدالت؛
- مشارکت شخصی در تغییر؛
- درک الگوهایی در تعاملات انسان که بی‌عدالتی ایجاد می‌کند؛
- دیدن آنچه وجود دارد، آنچه وجود ندارد و آنچه ممکن است آنجا باشد؛
- یادگیری با انجام دادن، مشاهده کردن و بودن با کسانی که برای عدالت کار می‌کنند.

چهار نوع سواد

با توجه به چهار سبک «کلمه، هیجان، نماد و کنش»، چهار سواد برای آموزش معنوی، جامع و سالم، اساسی هستند. روشی قابل قبول برای توسعه این چهار سواد که بر اساس تجربه در کلاس است، این گونه ترسیم شده است:

سواد شناختی: رشد کامل رغبت و تمایل و پرورش توانایی تفکر درباره معنی کلمات، مفاهیم، جملات، ایده‌ها و ارتباط



مهارت‌ها

- پرورش توانمندی‌های اخلاقی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی به‌منظور درک آنچه اتفاق می‌افتد؛
 - دستیابی به صلاحیت پاسخ‌گویی برای همدلی و ذهن‌آگاهی؛
 - تربیت معنوی و تسهیل انجام مراسم مذهبی؛
 - آیین‌ها و مراسم مذهبی ساخته‌شده در عبادت و زندگی روزمره؛
 - پرسش از خود در سکوت و آرامش؛
 - تجربه‌های دنیاهای دیگری مثل ادبیات و متون مقدس؛
- سواد اجتماعی:** رشد تمایل و توانایی کامل برای اصیل و معتبر بودن؛ در همه مکان‌ها، زمان‌ها و رویدادها خود واقعی بودن، تعامل با دیگران، خواه شبیه به هم یا متفاوت باشند.

مهارت‌ها

- پرورش فردی اصیل و معتبر؛
- دستیابی به مهارت‌های یکپارچه‌ای که به شما اجازه می‌دهد وقتی با دیگران هستید خود واقعی را حفظ کنید؛
- آگاهی اجتماعی مبتنی بر خودشناسی و درک دیگران؛
- تسهیلات اجتماعی: مهارت‌هایی که تعامل اجتماعی را افزایش می‌دهند؛
- تأمل در اقدامات عملی؛
- احساس عدالت اجتماعی و پاسخ به مسائل فردی؛
- درک بی‌عدالتی نظام‌مند و پاسخ به بهبود آن.

پی‌نوشت‌ها

1. human spirituality
2. Lisa Miller
3. word, emotion, symbol or action
4. Word style
5. Emotion style
6. Emotional Literacy
7. Symbol style
8. Action style
9. Social Lite

متقابل آن‌ها، تا حس قابلیت درک و واضح بودن حاصل شود.

مهارت‌ها

- پرورش تفکر روشن و واضح؛
- به‌کارگیری استدلال، که تلاشی سرسختانه برای روشن و واضح شدن چیزی است؛
- پرورش مهارت‌های محاوره‌ای و گفت‌و شنودی مانند محاوره سقراطی و مذاقه و اندیشه ارسطویی؛
- بازی با معنی کلمات و سؤال پرسیدن، برای مثال:
- مفاهیم چگونه شکل می‌گیرند؟
- تحلیل مفهومی و منطق غیررسمی چگونه است؟
- ارتباط کلمات با کلمات دیگر چگونه است؟
- پیوستگی کلمات چیست و چه شیوه‌هایی به ایجاد وضوح آن کمک می‌کند؟

سواد هیجانی: رشد کامل رغبت، تمایل و توانایی برای کسب خودآگاهی و پرورش خودتنظیمی، به‌دقت دیگران را درک کردن است به گونه‌ای که حرف آن‌ها تصدیق و تأیید شوند.

مهارت‌ها

پرورش خودآگاهی

- کسب موفقیت در خودتنظیمی؛
- تأمل در خودآگاهی: شناخت اندیشه؛
- توقف تفکر کردن و مدیریت تفکر؛
- یادگیری آنچه در قلب فرد اتفاق می‌افتد؛
- برای تحمل اقدام یک فرد منظور شخصی خود را آوردن؛
- شناسایی و تصدیق منظور دیگران؛

سواد تخیل خلاق: پرورش کامل درک نافذ و هوشمندانه کل و جزء جهان قابل مشاهده یا جهان فراتر از دید معمول؛ توانایی پرورش فهمیدن افراد، موجودات، روایت‌ها و رویدادهایی که (در نهایت) با روش‌های مختلف (به‌عنوان مثال در شعر و رمان) به‌طور معناداری موجب برقراری ارتباط می‌شوند.



برای دسترسی به متن کامل این مقاله و منابع آن، اسکن کنید.

راهکارهایی برای مدیران

توصیه‌هایی برای مشاوره با دانش‌آموزان آسیب‌دیده از باورهای غیردینی

سید میثم موسوی

تصویرگر

معصومه توکلی

فوق‌لیسانس مدیریت آموزشی و دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی



و به‌طور کلی نوجوانان حاشیه‌نشین، ضرورت غیرقابل‌انکار می‌نماید. به این منظور، سامان‌دهی و هدایت این قشر از جامعه و فعالیت‌ها و اقدامات پیشرو به اندازه و گستردگی متناسب با آن بستگی دارد. آنچه عیان است، هرگونه کار فردی در این زمینه، احتمال عدم موفقیت بسیار زیاد دارد و آنچه عیان‌تر است، نیاز به کار گروهی و تیمی و تشکیل کارگروه‌هایی برای شناسایی و توصیف مسئله (مسئله‌شناسی)، بیان اقدامات و مراحل و گام‌های آن (فرایند ورودی و خروجی مراحل)، انجام اقدامات (مداخله در بحران)، پایش و ارزیابی (بیان نتیجه و برنامه‌ریزی در خصوص اقدامات آینده)، بیش از هر زمان دیگری مهم تلقی می‌شود.

اگر بخواهم به‌عنوان فردی که تجربه ارتباط با نوجوانان حاشیه و گفت‌وگو با آن‌ها را در زمینه‌های کاری و عمومی داشته است، اقدامات گذشته را که برای دانش‌آموزان حاشیه‌ای صورت گرفته‌اند، بیان کنم، می‌توان دلایل عمده‌ای را برای موفق نبودن برنامه‌ها تا به امروز برشمرد:

- مشکلات مربوط به تسهیلات، اعتبارات و مسائل مالی؛

سؤال ما از مدیران این است که:

درباره دانش‌آموزانی که در خرده‌فرهنگ‌های حاشیه‌ای تربیت شده‌اند (برخی نابهنجار و بزهکار یا آسیب‌دیده از نظر باورهای دینی)، معنویت برگرفته از باورهای دینی ما در مورد آن‌ها کارگر نیست. در این موارد چه نظر و راهکارهایی دارید؟

اغلب نوجوانان حاشیه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی یا کمتر برخوردار شهری، به‌عنوان نابهنجار، بزهکار یا آسیب‌دیده، از نظر باورهای دینی و فرهنگی برای خانواده‌ها و اجتماعات محلی مسائل و مشکلاتی ایجاد می‌کنند. آن‌ها معمولاً در سنی قرار دارند که کارشناسان و عموم مردم آن مرحله رشد را منشأ تغییر و تحولات بزرگ برای هر فرد می‌شناسند. این مرحله از رشد در واقع حساس‌ترین سنی است که هر شخصی آن را تجربه می‌کند. سنی که فرد از دوره کودکی به بزرگسالی منتقل می‌شود.

در این مورد قبل از هر چیز، تدوین راهنمایی جامع و رویکردی نو برای هرگونه فعالیتی در خصوص دانش‌آموزان

- شرایط اجتماعی، زمینه‌های اجرا و عوامل مداخله‌کننده از قبیل ناهم‌هنگی‌های بین بخشی؛
- نبود برنامه‌ای منسجم و منظم؛
- نبود و کمبود مجریان آموزش‌دیده برای اجرای صحیح؛
- برگزار نشدن برنامه به‌صورت صحیح و کارآمد (در صورت داشتن هر برنامه‌ای با هر کیفیتی).

در خرده‌فرهنگ‌های حاشیه‌ای برنامه‌هایی تاکنون برگزار شده یا به اجرا درآمده‌اند؛ اما این‌ها نتوانسته‌اند در جذب و جلب دانش‌آموزان و اصلاح و تربیت آن‌ها و در پایبندی به معنویت و باورهای دینی و بازدارندگی در ارتکاب بزهکاری و جرم تأثیرگذار باشند. بنابراین، وجود برنامه‌هایی به‌عنوان فرصت‌های توان‌افزا و یا وجود آن‌ها در کنار برنامه‌های موجود ضروری می‌نماید؛ برنامه‌هایی مثل:

۱. برنامه‌های آموزشی- پرورشی؛
۲. برنامه‌های آموزشی- حرفه‌ای (اشتغال و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای)؛
۳. مشارکت در برنامه‌های فرهنگی (ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و انجام مراسم و آیین‌ها و غیره)؛
۴. مشارکت در برنامه‌های تربیتی (کارگاه‌های تربیتی)؛
۵. تقویت حس مسئولیت‌پذیری و نظم در کودکان و نوجوانان؛
۶. مشارکت در برنامه‌های تفریحی؛
۷. مشارکت در برنامه‌های ورزشی؛
۸. مشارکت در برنامه‌های بهداشتی- درمانی؛

از دیگر مسائل مهمی که در باورهای دینی نوجوانان و دانش‌آموزان باید در نظر گرفت، کثرت علاقه‌ها و دیدگاه‌های آن‌هاست. پس در هر برنامه‌ریزی، مربی یا کسی که آموزش این افراد را بر عهده دارد، باید این مهم را در نظر داشته باشد که مخاطبان او قشری هستند که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند و حتی شیوه‌های یادگیری آن‌ها متفاوت است. فضای یادگیری باید به شیوه تعاملی و مشارکتی و ساختار آن به‌صورت کاملاً افقی باشد، نه سلسله‌مراتبی و عمودی. همچنین، در بررسی و تمرکز بر یک مسئله و مواردی که به راهکارهایی علمی و عملی منتج می‌شوند، موضوع مورد نظر کالبدشکافی و به‌طور صحیح بازبینی شود.

به‌طور تلفیقی، هرچقدر دانش‌آموزان و نوجوانان حاشیه‌نشین به عوامل خطر ساز بزهکاری و ناهنجار اجتماعی دسترسی آسان‌تری داشته باشند، به همان میزان بیشتر از باورهای دینی و معنویت اسلامی دوری می‌گزینند و برعکس. **بنابراین، معیارهای اجتماعی که باورهای دینی و معنویت اسلامی را در میان دانش‌آموزان و نوجوانان حاشیه‌نشین کم‌رنگ جلوه می‌دهند، عبارت‌اند از:**

۱. فقر و بیکاری

۲. محرومیت از حقوق شهروندی
۳. دسترسی آسان به سیگار، الکل و مواد (در دسترس بودن توزیع و مصرف مواد مخدر)
۴. وجود اطرافیان و پیوندهای نامعتبر و خطر ساز
۵. تعارض حل‌نشده مزمن در خانواده
۶. پیام‌های تبلیغاتی خاص که لذت‌جویی، رفتار بی‌محابا، سوءمصرف مواد، هنجارهای ضداجتماعی، بی‌توجهی به قوانین، جدایی از ارتباط با اعضای خانواده یا ساکنان محله و موارد مشابه را تبلیغ می‌کنند.

عواملی که می‌توانند محافظ باورهای دینی و معنویت اسلامی دانش‌آموزان و نوجوانان حاشیه‌نشین باشند، عبارت‌اند از:

۱. وجود فرصت مشارکت برای همه دانش‌آموزان و نوجوانان؛
۲. وجود فرصت‌های اجتماعی و تفریحی مناسب؛
۳. حمایت نهادهای نظامی (پلیس و غیره) و نهادهای آموزشی از دانش‌آموزان و به‌طور کل نوجوانان؛
۴. امکان انجام فعالیت‌های پس از مدرسه در محله و در مدرسه؛
۵. دسترسی به خدمات اجتماعی و عمومی؛
۶. وجود احساس پیوند با محله و مدرسه؛
۷. دلبستگی و وجود شبکه‌هایی از روابط اجتماعی در داخل محله و مدرسه؛
۸. حمایت از هنجارها و رفتار اجتماعی مناسب در سیاست‌ها، رسانه‌های عمومی و برنامه‌های آگاهی‌گسترده محله؛
۹. وجود هماهنگی و همکاری بین سازمان‌های دولتی، قانونی، مذهبی و مدنی ملی و محله‌ای؛
۱۰. وجود ضوابط و مقررات تعریف‌شده در خانواده برای رفتار با فرزندان و اعمال یک‌دست قوانین؛
۱۱. امکان مشارکت در مراسم و آیین‌های مذهبی و دینی و همچنین دادن مسئولیت برای ایجاد حس مسئولیت‌پذیری. نتیجه اینکه تعامل و همکاری سه ضلع مثلث دانش‌آموزان و نوجوانان محلات حاشیه‌نشین، نهادها و مؤسسات دولتی و گروه‌های غیردولتی و مؤسسات خصوصی و مردمی در انتقال دانش و مهارت‌های لازم و همچنین برنامه‌ریزی علمی و عملی نقش مهمی را در ارتقا و افزایش باورهای دینی و معنویت اسلامی ایفا می‌کند. همچنین، با تشکیل و راه‌اندازی سازمان‌ها، انجمن‌ها و گروه‌هایی متشکل از دانش‌آموزان و نوجوانان حاشیه‌نشین و توانمند کردن آن‌ها در تمام زمینه‌ها، به‌خصوص باورهای دینی، می‌توان تأثیر بسزایی در رشد و ترقی معنویت دینی نواحی منفصل شهری یا حاشیه‌نشین ایجاد کرد.



شاخص‌های معنویت

در گفتمان انقلاب اسلامی

گفت‌وگو: رمضانعلی ابراهیم‌زاده

عرفانی که در سنت بود، امروزه به دلیل شیادی‌های احتمالی، اگر هم باشند، نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد و اطمینان داشت. ثانیاً، وقت لازم و ضروری برای دنبال کردن طریقتی عرفانی برای عموم مردم وجود ندارد. لذا باید خود را در وضعیت زندگی امروزی طوری تطبیق دهد که بتواند برای تقویت معنویت در خود و در لابه‌لای زندگی روزمره فکری کند. همین اتفاق برای سنین پایین‌تر، یعنی خردسالان، نوجوانان و جوانان، نیز می‌افتد؛ زیرا با مشغله‌های زیادی که برای آنان تدارک دیده‌شده، از رشد شخصیت اصلی که همان شخصیت معنوی آنان است، غفلت می‌شود. این گروه‌ها ناچارند زبان‌های متعدد را یاد بگیرند. در کلاس‌های تقویتی حضور یابند. در کلاس‌های رسمی شرکت کنند. لذا انواع آموزه‌ها و آموزش‌ها به ذهن اینان هجوم می‌برند. بدین ترتیب فرصت و فراغت برای تجربه‌های زیست معنوی برایشان باقی نمی‌ماند.

■ در این اوضاع چه می‌توان کرد؟

□ اینجا بحث مربوط به معنویت و تعلیم و تربیت را باید مطرح کرد. باید در خلال همین تعلیم و تربیت^۱ متداول، معنویت را نیز وارد کرد. با این روش، ذائقهٔ کسانی که تحت برنامه‌های تعلیم و تربیت رایج قرار دارند، با طعم معنویت نیز آشنا می‌شود. این کار لزوماً با دین‌داری تعارضی ندارد. همان دین‌داری است که به شکل زنده و زیسته طعم آن چشیده می‌شود و به عبارتی هم بهرهٔ دنیایی و هم بهرهٔ اخروی دین‌داری را می‌برد. منظور فقط بهرهٔ مادی نیست، بلکه بهرهٔ معنوی و طعم لذیذ ارتباط با امر قدسی مورد نظر است.

■ چگونه می‌توان این نوع از معنویت را در نظام تعلیم و تربیت محقق کرد؟

در گفتاری که تقدیم می‌شود، دکتر احمد شاکر نژاد، رئیس پژوهشکدهٔ اخلاق و معنویت (پژوهشگاه علوم و فرهنگ) ضمن ارائهٔ تعریفی از معنویت، فحوای آن را در گفتمان انقلاب اسلامی تشریح کرده و به ویژگی‌هایش در این گفتمان می‌پردازد.

■ با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار مخاطبان «رشد مدرسه فردا» گذاشتید، بفرمایید، مفهوم رایج معنویت و ویژگی آن در گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟

□ معنویت یعنی ارتباط زنده با امری قدسی در زندگی روزمره. اما معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی عبارت است از همین ارتباط زنده و زیست با امری قدسی در زندگی روزمره که چند ویژگی پیدا می‌کند:

۱. استکبارستیز است.
۲. عدالت‌خواه است.
۳. تمدن‌ساز است.

به عبارت دیگر، معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی زیست با امر قدسی را به شکل فردی نمی‌طلبد، بلکه می‌خواهد به شکل جمعی در یک گسترهٔ وسیع اجتماعی و تاریخ تمدنی آن را پیاده کند که همگان بتوانند طعم این ارتباط زنده با خداوند را چشند.

■ چنین معنویتی چگونه می‌تواند در جهان امروز با اقتضائات خاصش پیاده شود؟

□ امروز بشر ناچار است ارتباط با امر قدسی و متعالی را در لابه‌لای زندگی روزمره و مشغله‌های فراوانش بجوید. بنابراین باید توجه داشت، اولاً آن مکاتب و جریان‌های نهادینهٔ



**در معنویت قهرمانانه،
فرد تلاش می‌کند،
در جریان مبارزه با
ظلم و بی‌عدالتی، از
معنویت قدیسانه و
لوازم آن فراتر رود
و ریشه رنج و درد
ناشی از ظلم و ستم
و بی‌عدالتی را بر کند**

بگیریم، همین سفر قهرمانانه توحیدی یا معنویت حماسی توحیدی را شاهدیم که باز تولید می‌شود. اگر برای همین مدل عاشورایی، تولید محتوا شود و در برنامه تربیت وارد شود، همان جذابیت را برای متربیان دارد و در همین حال با فضای فکری و باورهای ما هم سازگار است. شما سفر اربعین را در نظر بگیرید. مشاهده می‌کنید برای جوانان هم سفری ماجراجویانه است و هم سفر معنوی. مسافر

این سفر با چالش‌هایی مواجه می‌شود که در نهایت خود و توانایی‌های خود را بهتر در می‌یابد و به‌نوعی به خودشناسی دست می‌یابد. اما دریافتی منطبق با مبانی توحیدی و ولایی تشیع و نه در قالب یک اردوی تفریحی مدرسه. اما این نوع سفرهای معنوی و مدل‌هایی که ما داریم و از ظرفیت‌های تشیع است، در نظام تعلیم و تربیت رسمی امتداد پیدا نمی‌کند. این سفر می‌تواند به‌عنوان مدلی در تعلیم و تربیت مورد نظر قرار گیرد.

همین مدل و موارد مشابهی چون اردوهای

جهادی، راهیان نور، فعالیت‌های رزمی بسیج مدرسه، در گفتمان انقلاب اسلامی توصیه شده و راهکاری است برای ترویج معنویت‌گرایی که از آن به‌عنوان «معنویت‌گرایی حماسی توحیدی» یاد کرده‌ام که مدلی کاربردی است که می‌توان آن را در عرصه تعلیم و تربیت وارد کرد.

به فایده‌های این مدل هم اشاره‌ای کنم. در ایام کرونا، به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان ما، بی‌حرکی و بی‌انگیزی و در کنار آن ترس از مخاطرات و ترس از چالش‌آفرینی برای خود و دیگران را شاهدیم. لذا ترس از ویروس کرونا، شجاعت را از کودکان و نوجوانان سلب کرده است و شجاعت آنان برای مواجهه با مشکلات و مخاطرات تضعیف و به عبارت دیگر کشته می‌شود. کرونا سبب شده است تمام موقعیت‌های چالش‌برانگیز اطرافمان را حذف کنیم. این موارد دست‌به‌دست هم می‌دهند تا فرهنگ راحت‌طلبی، جرئت و جسارت کودکان و نوجوانان برای داشتن یک زندگی فعال را از آنان بگیرد. اما این مدل-معنویت حماسی توحیدی-این جرئت و جسارت و شهامت را به آنان و زندگی‌شان باز می‌گرداند و با ایجاد انگیزه برای همدلی، نوع‌دوستی و ایثار با بیماران و بازماندگان، از آنان قهرمانان معنوی می‌سازد.

**■ از فرصتی که به مجله رشد مدرسه فردا دادید،
تشکر می‌کنم.**

پی‌نوشت

1. education

□ به نظر بنده، گفتمان انقلاب اسلامی معنویت را به شکلی تعریف می‌کند که در بطن زندگی روزمره، حتی برای کودکان و نوجوانان هم قابل اجرا باشد، چرا؟ زیرا معنویت ارتباط زیست و زنده با امر قدسی و مقدس است. این تجربه جدای از زندگی اجتماعی تعریف نمی‌شود، این معنویت در خلال حساسیت‌هایی که نسبت به بی‌عدالتی، نسبت به تبعیض و نسبت به درد و رنج هم‌نوعانش دارد، تجلی می‌یابد. حال می‌خواهم مدلی را برای فهم این نوع معنویت ترسیم کنم تا بعد دربابیم چگونه می‌توان به دنبال یافتن الگویی برای تعلیم و تربیت مقتضی بود تا بتوان این نوع الگوی معنوی را در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان پیاده کرد.

می‌توان معنویت‌گرایی را به چهارگونه تقسیم کرد:

الف) معنویت زاهدانه؛ که در آن فرد سعی می‌کند از تمایلات فردی خود چشم‌پوشد و با زهدورزی با امر قدسی ارتباط زنده برقرار کند.

ب) معنویت عابدانه؛ در آن فرد تلاش می‌ورزد بر ترس‌های خود غلبه کند و از روی تسلیم و عبودیت تجربه زیست با امر قدسی را به وجود آورد.

این دو نوع (معنویت‌های زاهدانه و عابدانه) معنویت‌های فردی‌اند، اما دو نوع معنویت اجتماعی داریم که عبارت‌اند از:

۱. معنویت قدیسانه؛ ۲. معنویت قهرمانانه.

در معنویت قدیسانه، شخص تلاش می‌کند با محبت و عشق‌ورزی به دیگران، معنویت را در خود تقویت کند و از آن انرژی معنوی کسب کند.

در معنویت قهرمانانه، فرد تلاش می‌کند، در جریان مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، از معنویت قدیسانه و لوازم آن فراتر رود و ریشه رنج و درد ناشی از ظلم و ستم و بی‌عدالتی را برکند، تا افراد در جامعه و در زندگی اجتماعی دچار درد و رنج نشوند. من این مدل از معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی را که معنویت قدیسانه را در دل خود دارد اما تلاش می‌کند از آن فراتر رود و ریشه‌های رنج را برکند، «معنویت حماسی» می‌نامم. و با این نام‌گذاری می‌خواهم اضافه کنم که ما دو نوع از این معنویت داریم: معنویت حماسی سکولار و معنویت حماسی توحیدی.

در معنویت حماسی توحیدی، با اتمام سفر قهرمانانه، فرد به «خلیفه‌الله» و به «انسان کامل» تبدیل می‌شود و به قرب الهی نائل می‌گردد. اما جاذبیتی که سفر قهرمانانه برای کودکان و به‌ویژه نوجوانان دارد، متأسفانه فقط در قالب معنویت حماسی سکولار به آنان عرضه می‌شود. آن هم در قالب پویانمایی (انیمیشن) و بازی‌های رایانه‌ای.

مثال بزنم. اگر ما مدل معنویت عاشورایی را در نظر





می‌خوام مسیحی باشم!

سید میثم موسوی

تصویرگر

نیلوفر هادوی

دبیر دبیرستان خدیجه (س)، آموزش و پرورش ناحیه ۲ اصفهان



گفتم: از این نظر که تو برای انتخاب بهترین راه‌های سعادت خودت، مشغول تحقیق و پژوهش شده‌ای. تصمیم یه نوجوان به مطالعه و تحقیق، تبریک نداره؟ با سرخوشی آکنده از تردیدی گفت: «درسته، ولی خانم... (منظورش دبیر درس بود) وقتی از تصمیم من مطلع شد، گفت برای کسانی که از مسلمانی به مسیحیت تغییر ایده می‌دن، حکم ارتداد اعمال می‌شه! برای همین ناراحت شدم. این حرفش به من برخورد و گریه کردم.»

گفتم حالا بگذار در مورد ارتداد بعداً صحبت می‌کنیم. گفت نه خانم! الان بگین! در پاسخ به اصرارش توضیح دادم: دخترم، در مورد ارتداد باید گفت، چون اسلام عامل پیوند مردم در جامعه است، ارتداد و اظهار کردنش، باعث گسستگی مردم می‌شه. ولی پژوهشگری که به دنبال دلیل و برهانه، آگه با شک مواجه بشه و درصدد یافتن دین حق باشه، شک موجب کفر و ارتدادش در دوره تحقیق نمی‌شه؛ کسی که از روی تحقیق دچار شبهه شد و برای خودش دین دیگه‌ای رو انتخاب کرد بدون اینکه در جامعه آن را اظهار و تبلیغ کنه، حکمش اعدام نیست.

خب، بگذریم! حالا که دست به کار تحقیق و پژوهش شدی، اولاً بگو ببینم چرا می‌خوای تغییر دین بدی؟ ثانیاً کدام یک از انجیل‌های اربعه را مطالعه کردی و قصد داری بهش متدین بشی؟ برای بار دوم چشمانش را گرد کرد: «خانم! مگه چند

پاییز سال ۹۸ بود و دفتر مدرسه پر از همهمه. تازه زنگ تفریح خورده بود. دبیران با چهره‌های خسته، دفترهای کلاسی را روی میز می‌گذاشتند تا اندکی استراحت کنند و با نوشیدن استکانی چای، گلویی تر و تازه کنند.

صدای معاون مدرسه که از طریق میکروفون نمایندگان کلاس‌های پایه نهم را فرا می‌خواند، در بلندگوی حیاط مدرسه پخش می‌شد و پژواکش در گوشم می‌پیچید.

استکانی چای از داخل سینی برداشتم. در همان حال با خودم فکر کردم، قطعاً یکی از مناظری که ما ایرانی‌ها را بسیار سرحال می‌آورد، دیدن یک سینی پر از چای است. دبیران در صندلی‌های دفتر جا خوش کردند. در جای نان که باز شد، بوی عطر نان تازه مشام‌ها را پر کرد. دم در دفتر، یکی از دانش‌آموزان مرا صدا زد. استکان به‌دست به سویش رفتم. نگاهم به چهره‌اش دقیق شد؛ نوک بینی‌اش قرمز شده بود و پلک نازک پای چشمش کمی متورم. قرینه‌ها نشان می‌داد گریه کرده است. با دستی که آزاد بود، آرام روی شانه‌اش زدم: ... جان! چه خبر؟ چرا چشمانت اشک‌آلودند؟ بی‌مقدمه و با خشمی دخترانه گفت: «خانم! من بعد از یک مجموعه تحقیق، می‌خوام دیگه مسیحی بشم.» با لبخند ولی جدی گفتم: تبریک می‌گم! چشمانش از تعجب گرد شده بود: «خانم! جدی می‌گین؟»

خندیدیم و جواب دادم بله. جدی می‌گم. گفت: «چرا تبریک؟»

تا انجیل داریم؟»

گفتم: حداقل چهار تاشون معروف تر هستن و در دسترس پیروان این دین. پرسید: «مثل ما مسلمون ها که می گیم قرآن کریم، قرآن مجید، قرآن مبین و ...؟ اون ها هم همین طورند؟»

لبخندی زدم. از استکان چایی که داشت یخ می کرد کمی نوشیدم و گفتم، نه عزیزم. اون اسامی در واقع صفاتی هستند که به یک کتاب داده می شوند. ولی کتاب های مقدس مسیحیان چندتایی هستن که معروف ترین اون ها «مرقس»، متی، لوقا و یوحنا» هستن. توی پرانتز بگم، برنابا، که البته این آخری زیاد معروف نیست و شاید شبیه ترین به قرآن مسلمانان باشه. پرسید: «اون های دیگه چی؟»

گفتم، پژوهشگران دانشمند معتقدن دو انجیل مرقس و متی که از انجیل های قانونی هستن رو، قبل از انجیل لوقا، نویسندگان نوشته ان. تعداد زیادی انجیل هم (غیر از این دو انجیل معروف) در زمان نگارش انجیل لوقا موجود بودن. دانش آموزم سؤال کرد تعداد زیادی انجیل؟ تأکید کردم و ادامه دادم این طور که من قبلاً مطالعه مختصری در این باره داشتم، فهمیدم که از حدود ۶۰ تا ۱۰۰ سال بعد از میلاد مسیح (علیه السلام)، انجیل هایی نوشته شده ان که اسم نویسندگان شون خیلی هم مشخص و معلوم نیست. تو قرن دوم این اسامی رو به اون انجیل ها داده ان و بیشتر عبارات شون هم سینه به سینه نقل شده و بعدها مکتوب شده ان. گفتم: «خانم، من نمی دونستم چند تا انجیل وجود داره! ولی به هر حال من با دیدن یک مجموعه فیلم های تبلیغی و حضور تو بحث های خانوادگی، به این نتیجه رسیدم که راه مسیحیت نجات دهنده زندگی ماست... به دلیل دیگه من اینه که اون ها در مراکز مثل بیمارستان ها و پرورشگاه ها به بیماران و فقرا و نیازمندان خیلی کمک می کنن. حتی بابا نوئل دارن که خیلی کارهای خیررسانی رو انجام می ده. دروغ و تقلب تو کارها شون نیست و روش های زندگی کردن شون صادقانه تر از ماهاست!»

بهش گفتم: دخترم! اگر موضوع تحریف کتاب و قوانین آسمانی نبود، دلیلی عقلانی وجود نداشت که بعد از مسیحیت، باز هم دین تازه ای به میدان بیاد و پیروان جدیدی بطلبه..! الان سؤال من از تو اینه، حالا که می خوای با تحقیق و پژوهش راه زندگی خودت رو انتخاب کنی، چرا داری عقب گرد می کنی و به دین دوهزار و خرده ای سال پیش متوسل می شی؟ حداقل بیا ببین جوان ترین دین دنیا که حدود ۶۰۰ سال بعد از مسیحیت اومده، چی می گه. گفتم: «چرا از لفظ عقب گرد استفاده کردین؟» گفتم به مثال می زنم: دانش آموز کلاس نهم هیچ وقت مثلاً برای پیشرفت تو درس ریاضی بر نمی گرده توی کلاس پنجم دبستان

بشینه و ریاضی بخونه، بلکه میاد با استفاده از

اطلاعات قدیمی و قبلی خودش، جدیدترین مسائل ریاضی رو پله به پله مطالعه می کنه و خودش رو به علم و دانش روز مجهز می کنه. ما هم برای داشتن یه برنامه درست دینی، نمی آییم به سمت عقب برگردیم و مثلاً تابع «صُحُف» ابراهیم (علیه السلام) یا «تورات» حضرت موسی (علیه السلام) بشیم، بلکه می آییم می بینیم آخرین دین چی گفته. یه مثال: اگه من توی کلاستون از برنامه امتحان برای هفته آینده صحبت کنم و تو در ضمن صحبت من اجازه بگیری و بری بیرون از کلاس و بعد از یک ربع ساعت برگردی، از نماینده تون چی می پرسی؟ او گفت، می پرسم بالاخره آخرین تصمیم برای امتحان چی شد؟ گفتم، نفست گرم! آفرین. تو دنبال آخرین تصمیم گیری تأیید شده می گردی، نه اولین تصمیم ها یا برنامه ها! کمی فکر کرد و آرام گفت درسته! ولی از کجا معلوم قرآن هم تحریف نشده باشه؟ گفتم من فقط یه دلیل برات می یارم، ولی حالا که تو مسیر تفکر و تحقیق افتادی، خودت برای سایر ادله تلاش کن. زنگ خورده بود و ناچار باید به کلاس هامان می رفتم. گفتم: «خانم با ما کلاس دارین!» استکانم را گذاشتم روی میز و با هم قدم زنان سمت کلاس رفتیم. گفتم: «دلیلتون؟» گفتم هزاران نسخه قرآنی دست نویس تو موزه های بزرگ و معروف جهان وجود دارن؛ از موزه های کشورهای شرقی گرفته تا موزه های کشورهای اروپایی و حتی موزه های روسی و آمریکایی. این نسخه های خطی از اولین سده های هجری با قدمتی دیرینه موجودن و روی پوست و پاپیروس نوشته شده اند. حالا دقت کن که اگر در طول قرن های گذشته تو قرآن مسلمونا کوچک ترین تحریفی صورت می گرفت، قطعاً اون قرآنی که الان تو دست ما مسلمونا تو گوشه و کنار دنیا و سرزمین های گوناگون وجود داره، با اون هایی که الان توی موزه ها نگهداری می شه، متفاوت بود!

انگشت به دهان گفت: راست می گینا! ادامه دادم: ولی ما متوجه می شیم که حتی یک کلمه هم تو قرآن ها، چه خطی و قدیمی تو موزه ها و چه چاپ های جدید قرآن های معمولی، تفاوتی نیست که اگر بود، قطعاً این نقطه ضعف بزرگ هزاران هزار بار تو بوق و کرنا مطرح می شد که آی ایها الناس، بیایید که قرآن مسلمانان هم تحریف شده است! در ضمن، یه نکته دیگه هم بگم و بریم توی کلاس. هیچ وقت ملاکت اعمال و رفتار پیروان یه دین نباشه. ببین، تو نص قرآن، به عنوان کتاب قانون زندگی، چه دستورات حیات بخشی نهفته ان! اگه خطا بود، کنارش بگذار. به قول معروف:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

عیبی هم اگر هست از مسلمانی ماست.

والسلام



نوجوانان و جدایی دین از معنویت

عوامل و زمینه‌های گرایش به معنویت جدید
در میان دانش‌آموزان از منظر جامعه‌شناختی

صدیقه‌رمضانی تمیجانی

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی



با وجود رواج معنویت‌های جدید و نوظهور در میان نوجوانان و جوانان، محتوای واقعی آن همچنان مبهم باقی مانده است. این مقاله گونه‌گونی معنویت جدید آن را از منظر جامعه‌شناختی بررسی می‌کند.
کلیدواژه‌ها: گونه‌های معنویت، دین، معنویت‌گرایی جدید و دانش‌آموزان

مروری بر تاریخچه و فضای مفهومی

توجه به معنویت از دیرباز در میان جوامع گوناگون مطرح بوده است و قدمت زیادی دارد. در این میان، پرسش از معنویت در مطالعات علمی، اولین بار در یکی از مجموعه کنفرانس‌های «علم و ایمان مسیحی» با مشارکت دانشمندان مسیحی دانشگاه آکسفورد در جولای ۱۹۶۵ مطرح شد و پس از آن بسیاری از دانشمندان، از جمله جامعه‌شناسان، بر آن تأکید کردند.

برای نمونه جامعه‌شناس ایتالیایی استورزو^۱ در این باره تأکید می‌کند: ماوراءالطبیعه بخش جداشده‌ای از زندگی اجتماعی نیست که کنار بخش طبیعی گذاشته شده باشد، بلکه نظم طبیعی در درون جو ماوراءالطبیعه وجود دارد. بنابراین، حتی کسانی که برای تبیین‌های کاملاً طبیعی در خصوص دین تلاش می‌کنند، در حالی به انکار ریشه‌ها و شاخه‌های ماوراءالطبیعی زندگی می‌پردازند که خود در گیر جامعه‌شناسی ماوراءالطبیعه هستند (Moberg, 2010: 99-100).



**در کشور شاهد
رشد گرایش به
نوعی معنویت
جدیدی هستیم
که در ایده افتراق
معنویت از دین
ریشه دارد**

آرمان‌های دینی را نیز به رسمیت نمی‌شناسد؛ معنویتی که بیشتر به کار زندگی دنیایی می‌آید تا وصول به حق و رستگاری در حیات اخروی. معنویتی که به دنبال اهدافی مادی و این دنیایی است، و در این مسیر حتی اصول و قواعد علم را نیز به رسمیت نمی‌شناسد و پا به عرصه فراعلم می‌گذارد. لذا احساس فتح دنیای جدیدی را همراه با هیجان و شغف بسیار برای مخاطب به همراه دارد. تاکنون گونه‌های متعددی از معنویت‌گرایی در ایران

شناسایی و معرفی شده‌اند، لیکن اگر گونه‌های سازمان‌یافته و همین‌طور گونه‌های مرتبط با گروه‌های کج‌رو و حاشیه‌ای را کنار بگذاریم و بر مواردی که به نظر می‌رسد در قشر نوجوان رواج بیشتری دارد تأکید کنیم، باید به این موارد اشاره کنیم:

۱. پویندگان طرق ورزشی و تناسب اندامی

از جمله مسیرهایی که می‌تواند امکان آشنایی نوجوان ایرانی را با معنویت جدید فراهم آورد، از خلال کارکردهای ورزشی است. شرکت‌کنندگان کلاس‌های یوگا یا ورزش‌های رزمی که به قصد کسب مهارت یا رفع چاقی وارد این کلاس‌ها می‌شوند، به مرور زمان به انجام مستمر این فنون وابستگی پیدا می‌کنند. این افراد در ابتدا از نظر معرفتی باورهای معنوی جدید را نمی‌پذیرند و رد می‌کنند، اما به مرور زمان و با تأکید مربیان خود که با برنامه طرح‌ریزی شده انجام می‌گیرد، به تدریج تغییرات معرفتی نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود. هم‌سویی با انرژی‌های موجود در طبیعت و اتصال با منبع لایزال انرژی کائنات از طریق استاد، از جمله موارد مشاهده‌شده در این کلاس‌هاست که بر پایه باور به بدن‌های ناآشکار و آموزه‌های هماهنگی با طبیعت است. لذا لازم است مربیان و والدین نسبت به شرکت دانش‌آموزان در این کلاس‌ها با آگاهی بیشتری تصمیم بگیرند.

۲. صاحبان اوقات فراغت گسترده

در این گونه افراد، تفنن و سرگرمی دلیل گرایش است. دانش‌آموزان، به‌ویژه در ایام تعطیلی مدرسه‌ها، اوقات فراغت گسترده‌ای دارند و به‌ویژه دختران در سنین بلوغ، با نیاز به رمانتیک کردن سبک زندگی خود، به شدت تحت تأثیر فرهنگ عامه و بیشتر بر اساس مُد، به سمت معنویت جدید کشیده می‌شوند. گرایش آن‌ها غالباً حالت موقتی و کوتاه‌مدت دارد، ولی گاهی وارد لایه‌های معرفتی هم می‌شود و می‌تواند انواع دین‌گریزی را در سال‌های بعد در پی داشته باشد. مخاطبان رمان‌ها و متون عرفان‌گرا چون تألیفات

افزایش محبوبیت موضوع معنویت، آن را با سلیلی از پژوهش در رشته‌های متعدد همراه ساخت و گفت‌وگوهای زیادی در جوامع غربی در مورد معنویت و انواع جدید آن در طول دهه ۱۹۸۰ و پس از آن در دهه ۹۰ صورت گرفت. لیکن با وجود محبوبیت گسترده بهره‌گیری از این اصطلاح، محتوای واقعی آن همچنان مبهم باقی ماند. حتی بسیاری از ادیان تعریف دقیقی برای معنویت ارائه نداده‌اند، اما امروزه مفهوم معنویت چنان عمومیت یافته است که در داخل و خارج از ادیان و همچنین در زمینه‌های بین‌الادیانی و سکولار نیز به کار می‌رود.

معنویت جدید در جامعه ایرانی

در جامعه ایرانی، به خاطر خصایص منحصربه‌فرد فرهنگی کشور، همان‌گونه که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم تأکید داشتند، پیشرفت جامعه در حوزه معنویت از اهمیت زیادی برخوردار است. این موضوع در اسناد بالادستی کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، در بند ۱۱ از راهبردهای کلان سند تحول آموزش و پرورش در راستای اهداف کلان ۵، ۱، ۲ و ۴ بر «ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقای «معنوی خانواده» تأکید شده است.

اما در این میان، از دهه هفتاد به بعد، در کشور شاهد ظهور و رشد گرایش به نوعی معنویت جدید هستیم که در ایده افتراق معنویت از دین ریشه دارد. این ایده دین را شامل اعتقاد به نیروی کنترلی فرانسائی، به ویژه خدایی می‌داند که به فرمان‌برداری و پرستش امر می‌کند. در مقابل، معنویت با خود فرد و باطن او سروکار دارد. معنویت، تجربه رابطه‌ای با امر مقدس است و نوعی آگاهی که از این تجربه‌ها به دست می‌آید (Heelas, 2002). تحلیلگران در توضیح علل و زمینه‌های گرایش به آن در ایران گمانه‌زنی کرده‌اند و بر مقولات متعددی تأکید شده است؛ از جمله: بحران رویارویی سنت و مدرنیته، عوارض جهانی شدن، نبود شناخت دین اصیل، و مصرفی شدن جامعه (وکیلی، ۱۳۸۶: ۱۷-۳). لیکن کانون توجه آن‌ها غالباً گونه سازمان‌یافته آن، یعنی «جنبش‌های نوپدیددینی» و به‌ویژه شکل ضدفرهنگ آن بوده است. درحالی که اشکال ساده‌تر و بدون سازمان مشخص، چه‌بسا اثرگذاری بیشتری دارند، ولی به دلیل نداشتن بروز و ظهور سازمانی، کمتر موردتوجه محققان قرار گرفته‌اند.

این بخش به ظاهر ناپیدا و کم‌پیدا ولی تأثیرگذار، بر باوری نوظهور در جدایی معنویت از دین استوار است و معنویتی فرداندینی را جست‌وجو می‌کند؛ معنویتی که نه تنها از دایره دستورات و احکام دینی خارج است، بلکه اهداف و

پائولو کوئیلو و همین‌طور کتاب‌ها و مجلات فنگ‌شویی (دانش چگونگی چیدمان منزل براساس توجه به انرژی اشیا و محیط) و امثال آن، از این زمره‌اند.

۳. محیط زیست گراها

گاهی نوجوانان از طریق مدرسه یا گروه‌های دوستی، با افراد و مجموعه‌هایی آشنا می‌شوند که آن‌ها را به فعالیت‌هایی بشردوستانه همچون «حفظ محیط‌زیست» دعوت می‌کنند. این جماعت به ظاهر نشانی از ترویج نوعی معنویت‌گرایی ندارند، اما با دقت در جهان‌بینی آن‌ها و نوع پیگیری اهداف ذکر شده، شکلی از سکولارزدایی از زندگی اجتماعی را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد. البته این سکولارزدایی به معنای رجوع به دین نیست، بلکه با مقدس‌انگاری طبیعت (و نه صرف احترام و حفظ آن) گره می‌خورد. در واقع، آن‌ها نوعی رسالت معنوی برای خود قائل می‌شوند و آن را در شکل کنش جمعی سازمان‌یافته پیگیری می‌کنند. از جمله این موارد می‌توان به سازمان‌های مردم‌نهاد^۳ صلح‌طلب یا محیط‌زیستی اشاره کرد.

۴. جست‌وجوگران موفقیت

دانش‌آموزانی همانند طیف گسترده کنشگران ایرانی که جذب کتاب‌ها و مجلات حوزه موفقیت از جمله تأثیر مثبت‌اندیشی و انرژی‌های مثبت برای تغییر جهان به نفع خود می‌شوند، از مخاطبان آن هستند. این کتاب‌ها گاهی القا می‌کند که می‌توان تنها با ساختن پنداری از در دسترس بودن آرزوها و صرف داشتن اشتیاق به آن‌ها و تصویرکردن ذهنی آن‌ها به این آرزوها دست یافت. کتاب‌هایی که از قوانین یا رازهای موفقیت و پولدارشدن صحبت می‌کنند و قوانینی که ادعا می‌شود از بررسی زندگی انسان‌های موفق استخراج شده‌اند؛ قوانینی چون قانون جذب، قانون ذهن و قانون خدمت^۴.

پیشنهادهای

نظام تعلیم و تربیت رسمی متولی اصلی هدایتگری دانش‌آموزان است. از این رو ارتقای آموزش رسمی و غیررسمی و ایجاد مهارت‌های مواجهه با مشکلات

آینده در دانش‌آموزان و همین‌طور معلمان، به‌عنوان مخاطب دوم این آموزش‌ها، اهمیت زیادی دارد. بی‌شک داشتن برنامه آموزشی متناسب با مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه، دانش‌آموزان را برای زندگی فردی و حضور در جامعه آماده و مهیا خواهد کرد. لذا توصیه می‌شود، کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های کاربردی مشخصی برای سه سطوح مختلف دانش‌آموزان، معلمان و والدین، برای ارتقای معرفت و آگاهی از ابعاد آشکار و پنهان پدیده‌هایی که در ظاهر ترویج معنویت‌گرایی خاصی ندارند، ولی در عمل چنین هدفی را دنبال می‌کنند، به‌صورت رسمی و غیررسمی در مدرسه‌های کشور دنبال شود. برای تدوین سرفصل‌ها و آگاهی بیشتر با پدیده معنویت‌گرایی جدید و شاخص‌ها و عوامل مؤثر در گرایش به آن، می‌توانید کتابی به قلم همین نویسنده با عنوان «معنویت بی‌سامان» را مورد توجه قرار دهید.

پی‌نوشت‌ها

1. Sturzo
۲. نگارنده در این مقاله به ۱۵ گونه آن اشاره کرده است. (رضانی تمیجانی، صدیقه و طالبی، ابوتراب (۱۳۹۵)، راهبرد فرهنگ، دوره ۹ شماره ۳۵
3. NGO
۴. قانون جذب به این معناست که شما به‌طور مرتب افکار، ایده‌ها و موقعیت‌هایی را که با افکار غالب شما هماهنگ هستند، به خود جذب می‌کنید؛ خواه افکار منفی و خواه افکار مثبت. مقصود از قانون ذهن نیز این است که افکار شما به واقعیت تبدیل می‌شوند. شما به همان چیزی تبدیل می‌شوید که بیشتر درباره آن فکر می‌کنید. پس همیشه درباره چیزهایی فکر کنید که واقعاً طالب آن هستید و از فکر کردن درباره چیزهایی که خواستار آن نیستید، اجتناب کنید. قانون خدمت نیز می‌گوید پاداش‌هایی که در زندگی می‌گیرید، با میزان خدمت شما به دیگران رابطه مستقیم دارد. هر چه بیشتر برای بهبود زندگی دیگران کار کنید، در عرصه‌های مختلف زندگی خود نیز پیشرفت بیشتری به دست می‌آورید.

منابع

1. Heelas, Paul (2002) The spiritual revolution in Religions in modern world, Ed. Linda Woodhead, Routledge, New-York.
2. Moberg, David O. (2010) Spirituality Research: Measuring the Immeasurable?, Perspectives on Science and Christian Faith, V.62, No.2
۳. وکیلی، هادی (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی معنویت‌گرایی نوپدید در ایران. کتاب نقد. شماره ۴۵.
۴. رضانی تمیجانی، صدیقه و طالبی، ابوتراب (۱۳۹۵). راهبرد فرهنگ. دوره ۹. شماره ۳۵.
۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

خدا مرا فراموش کرده!

باز خوانی یک تجربه

فریبا قصاب پور



مدیر دبیرستان دخترانه امامت دوره دوم، آذربایجان شرقی

انتخابات اولیا بود و من فقط می‌خواستم اولیای او را ببینم. برایم سؤال بود که او این همه فیلم را کجا نگهداری می‌کند؟ اولیای او در جلسه شرکت نکردند و من علت را از خودش پرسیدم. با اندوه خاصی گفت: خانم، من در خانه برای کسی مهم نیستم! سعی کردم به او نزدیک‌تر شوم. بنابراین، به بهانه‌های گوناگون، او را به دفتر صدا می‌کردم تا به من کمک کند. یک روز دیدم با صورت خراشیده به مدرسه آمد؛ ناراحت و افسرده! مادرش را مخفیانه به مدرسه خواستم. بعد از کلی صحبت، فهمیدم همسر خانم فوت کرده و او با عموی بچه‌ها ازدواج کرده است. ایشان هم در حد مراقبت و اندکی پول خرجی، از خود رفع مسئولیت می‌کند. شاگرد من هم نتیجه ازدواج آن‌هاست. از گفته‌های مادرش فهمیدم شاگردم حرف‌شنویی از مادر ندارد و دائم به دنبال چراهاست. شاگردم را مسئول کارگاه کردم و از دبیران خواستم به او بیشتر نزدیک شوند. او از دین و مذهب هم فراری بود. عید میبخت نزدیک بود. وقتی شنیدم بر سر خرید کفش با مادرش دعوا کرده، کفش بسیار زیبا و خوش‌رنگی خریدم و سر صف، به مناسبت عید، قرعه‌کشی راه انداختیم و او برنده اعلام شد. روز بعد او را خوش‌حال در گوشه حیاط دیدم. بعد از احوال‌پرسی گفتم، کسانی که مورد نظر خاص خدا هستند، نباید غمگین باشند. گفت، خانم خدا مرا خیلی وقت است فراموش کرده. بعد هم مثل ابر بهاری شروع به گریه کرد و درد دلش باز شد. همه چیز را ظلم به خود می‌دانست. من فقط شنونده بودم و او را آرام می‌کردم. در عرض یک سال، با محبت و درک این دختر معصوم، توانستم دیدگاهش را تغییر بدهم. آن سال در دانشگاه الزهرا تیریز قبول شد.

الان به‌عنوان گرافیکست مشغول کار است و خانواده تشکیل داده است. با آن تجربه، من فهمیدم تربیت بیان مسائل مذهبی و سختگیری و تنبیه نیست. من فقط با شنیدن درد او توانستم اندک‌اندک این نفرت از دنیا و انتقام را از او که افسار گسیخته بود، بیرون بریزم و آتش درونش را تا حدی آرام کنم.

سال ۹۲ اولین سالی بود که به‌عنوان مدیر مشغول به کار شدم. از اولین روزهای کاری مدرسه، متوجه نکته‌ای شدم و آن اینکه تعدادی از دانش‌آموزان، به دلایلی، از نظر روحی و روانی بسیار شکننده‌ترند.

در حین گذران روزهای کاری، متوجه دانش‌آموزان پرخطری شدم. هر روز یک اتفاق و مشاجره تنش‌زا بین چند دانش‌آموز با معاونان داشتیم. وقتی بررسی کردم، همه رأی‌ها نقش یک دانش‌آموز را نشان می‌داد. او با این رفتارهای افسارگسیخته و ناهنجار در مدرسه، سبب شده بود تا بر دانش‌آموزان دیگر نیز تأثیر بگذارد. چند روزی این دختر را تحت‌نظر داشتم. در یکی از زنگ‌های استراحت، دیدم با دوستان خود در حال شوخی‌های نابجاست. وقتی از کنارم رد شد، خم شدم، پولی به زمین انداختم و بعد برداشتم. بعد هم او را صدا زدم که پولت افتاد. برگشت و با لحن ناخوشایندی گفت، نه خانم مدیر، مال من نیست و رفت.

به این بهانه او را شکار کردم. سر صف از او به‌عنوان دانش‌آموزی صادق و امین تقدیر کردم. با این شگرد به او نزدیک شده بودم. زنگ بعد آمد زدم و خیلی تشکر کرد و گفت شما اولین نفری هستید که به من لقب شاگرد خوب دادید. با احساس عجیبی گفت، خانم مدیر، همه از من بدشان می‌آید و شما من را امین معرفی کردید. از من خواست اگر کاری داشتیم، به او بگوییم. آن روز همه همکاران از کار من خنده گرفتند که او پروتر شد و ...

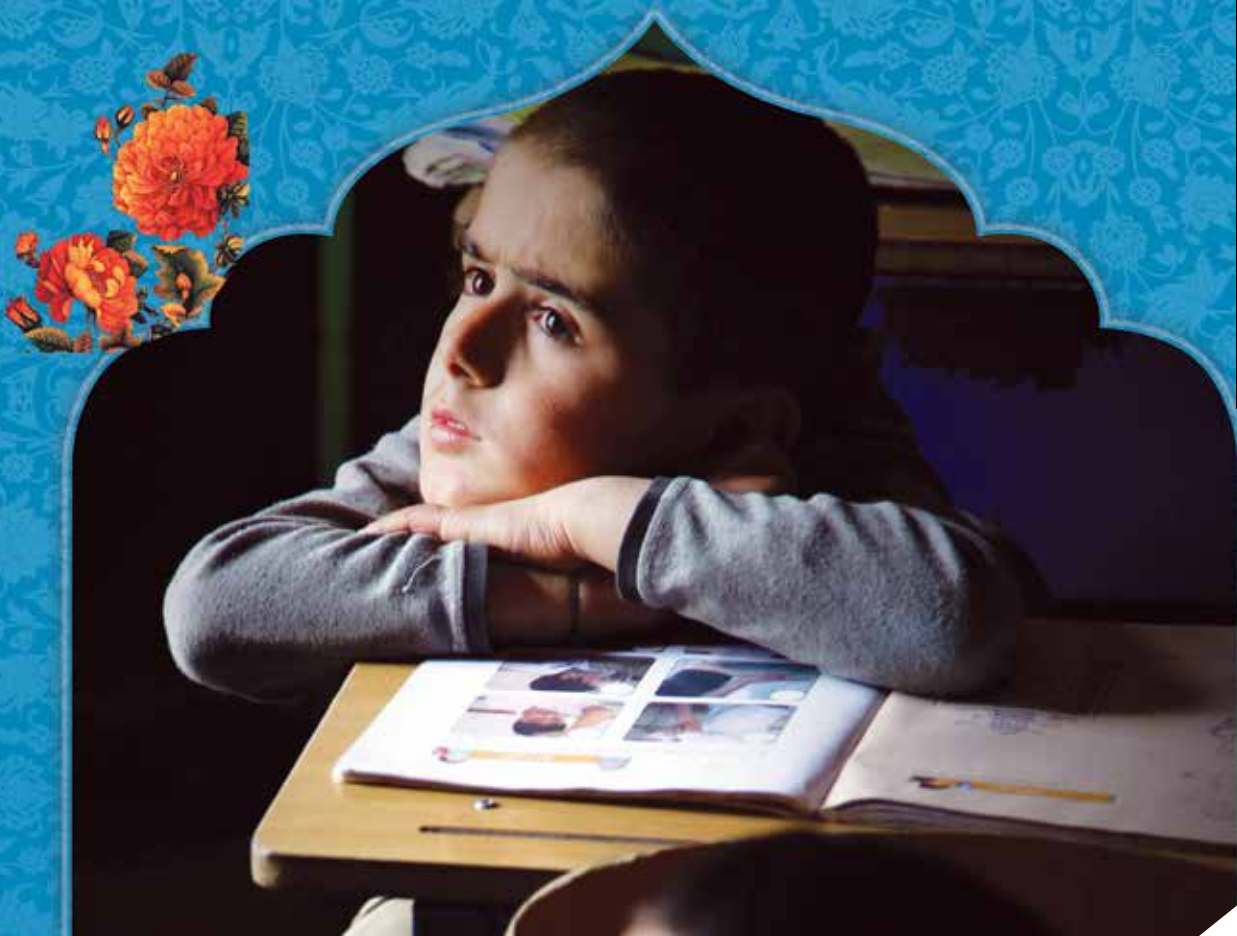
یکی دو روز بعد، معاون از کیف همان دانش‌آموزم سی‌دی‌هایی گرفته بود که پر بود از فیلم‌های مستهجن. وقتی مشاور آن‌ها را نشان داد، یک ساعتی حالم بد بود. واقعا دچار مشکل شده بودم. وقتی همکاران تعریف کردند که یک بار هم با یک پسر از مدرسه فرار کرده است، بیشتر مشوش شدم. با معاون مدرسه گفت‌وگو کردم. قرار بر این شد که مثلاً من مدیر از این قضیه بی‌خبر باشم. اتفاقاً او هم با گریه خواهش کرده بود که به خانم مدیر نگویند. این به من قوت قلب داد که هنوز بین من و او حرمتی وجود دارد.

چهار راه خداشناسی

نویسنده: دیوید سینوس

ترجمه و تلخیص: سعید خدائیان

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی



از خدا می‌رسند و در واقع به خداوند احساس نزدیکی می‌کنند.

اولین الگویی که سینوس معرفی می‌کند، «رویکرد کلام‌محور به معنویت»^۱ است. او شناخت را مبنای ایمان می‌داند و عقل و منطق را راه مهمی برای شناخت خداوند به شمار می‌آورد. همچنین اذعان می‌کند، گروهی از کودکان، خداوند را از طریق شناخت تجربه

در سال ۲۰۱۰ دیوید سینوس^۱ مطالعاتی را برای ارزیابی روش‌های معنوی کودکان و چگونگی شناخت آن‌ها از خداوند انجام داد و نتایج تحقیقش را با عنوان «چهار راه شناخت خدا»^۲، بررسی روش‌های معنوی کودکان^۳ منتشر کرد. ایشان طی مطالعات عمیق کیفی روی کودکان، در نهایت چهار روش و الگو معرفی می‌کند که کودکان از طریق آن‌ها به درکی



لازم و ضروری است تمام معلمان و مربیان فضاهایی را ایجاد کنند تا از چهار روش معنوی استفاده شود

دربر دارد. دور شدن از هر کدام از این چهار سبک یا تمرکز بر تنها یک سبک، ممکن است به افراطی‌گری یا انحراف از سبک معنوی منجر شود. هر سبک حد و حدودی دارد که «می‌تواند به محدود کردن یا آسیب‌رساندن به رشد شخصی و اجتماعی منجر شود.» بنابراین، پرورش و تربیت کردن معنویت سالم، شامل ایجاد محیط و شرایطی است که با هر جنبه، هر کدام

از سبک‌ها و روش‌های چهارگانه شناخت خدا برانگیخته و القا شود؛ به‌طوری‌که همه آن‌هایی که حضور دارند، براساس روش و سبک غالب و عمده‌شان، درگیر شوند و پرورش یابند و چالشی برای ابراز و کشف راه‌های تجربه کردن خدا باشند.

در نتیجه‌گیری این مقاله آمده است: در این گستره و تنوع، چهار دریچه و شاهراه معنوی حیاتی به اثبات رسیدند: ۱. راه و

مسیر عقلانی؛ ۲. راه و روش عاطفی؛ ۳. روش رمز و راز؛ ۴. راه عدالت. بنابراین، جماعت و سازمان‌هایی که به تربیت معنوی کودکان به روش‌های خاص خودشان علاقه‌مندند، روش‌های معنوی متفاوتی را موردتوجه قرار دهند که نتیجه حاصل از آن شناخت و تجربه خداوند در زندگی واقعی آن‌ها باشد و این نیز از طریق فعالیت و درگیر شدن فعال امکان‌پذیر است.

لازم و ضروری است، تمام معلمان و مربیان فضاهایی را ایجاد کنند تا از هر چهار روش معنوی استفاده شود؛ به‌منظور اینکه در تمام کودکان احساس معنوی و انطباق با آن به‌وجود آید. افرادی که چنین احساس انطباقی را در خود ایجاد نکنند، در خصوص معنویت چندان احساس خوشایندی نخواهند داشت. همین امر می‌تواند آن‌ها را از فضای معنوی دور کند. بنابراین، غنای تنوع معنوی دیگران را در معرض تغییر قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است هدف این مقاله، تبادل دیدگاه‌های علمی است و این قبیل موضوعات برای آشنایی بیشتر مخاطبان با دیدگاه‌های گوناگون، در مجله درج می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. David M.Csinos
2. Four ways of knowing God
3. Exploring children's spiritual styles
4. a word – centered approach to spirituality
5. An emotional – centered approach to spirituality
6. A symbol-centered approach to spirituality
7. An action-centered approach to spirituality

منبع

Journal of Childhood and Religion Volume 1, Issue 8 (December 2010)
Sopher Press (contact jcr@sogherpress.com)

می‌کنند و از راه گفت‌وگو درباره خداوند، احساس نزدیکی به خدا می‌کنند. ایشان برای رسیدن کودکان به درک بهتری از خداوند، به مکان‌هایی که در آنجا در مورد خدا صحبت می‌کنند، همچنین گفت‌وگوی معلم و پدر و مادر در مورد خداوند و خواندن نوشته‌هایی در این باره، اشاره می‌کند.

دومین روشی که سینوس معرفی می‌کند، «رویکرد احساس‌محور به معنویت»^۵ است. از نظر او، گروهی از کودکان زمانی به خداوند احساس نزدیکی می‌کنند که احساساتشان تحریک شود. او اشاره می‌کند، خلاقیت، بیان احساسات، و تمایل به خدا یک واقعیت است. از نظر او هنر، راهی کلیدی برای کودکان این سبک است. سومین روش، «رویکرد نمادمحور به معنویت»^۶ است. در رویکرد نمادمحور، کلمات از توصیف خدا قاصرند. بر این اساس، خداوند را بیشتر براساس رمز و راز می‌توان شناخت. جهان طبیعت از ویژگی‌های قابل‌توجه این سبک معنوی است. همچنین، ویژگی مهم این سبک، رمزآلود بودن آن است. به نظر او حضور کودکان در مکانی بی‌سروصدا و در دامن طبیعت، باعث ایجاد حس نزدیکی آنان به خداوند می‌شود.

چهارمین روش، «رویکرد عمل‌محور به معنویت»^۷ است. دیوید سینوس سبک عمل‌محور را کامل‌ترین سبک می‌داند. کودکان این سبک زمانی که به دیگران خدمتی می‌کنند که در راستای عدالت اجتماعی است، و یا هنگامی که تحت تأثیر رفتار عادلانه دیگران قرار می‌گیرند، احساس نزدیکی به خداوند می‌کنند.

در حالی که رویکرد کلام‌محور بر اساس اهمیت لغت است، در رویکرد عاطفه‌محور به معنویت، احساسات و عواطف در مرکز و هسته زندگی معنوی قرار دارند. برای رویکرد نمادمحور به معنویت، کلمات از توصیف خداوند و تجربه‌های معنوی قاصرند. جهان طبیعی (طبیعت) از دیگر ویژگی‌های این سبک از معنویت است. همانند سبک و رویکرد نمادمحور، رویکرد عمل‌محور اثبات و تصدیق می‌کند که خداوند و زندگی معنوی نمی‌توانند به‌طور کامل برای همدیگر توضیح داده شوند. اگرچه این سبک معنوی باعث می‌شود مردم کارهایی فراتر از دعا و نماز و نیایش برای دنیا انجام دهند و به‌طور فعالانه به دنبال انتقال آن باشند. طبق سنت پیامبران و حکیمان الهی، هدف انتقالی از این سبک، تغییر جنبه‌های ناراحت‌کننده و مضر و آسیب‌رسان جامعه است و بر حضور عشق و علاقه الهی و عدالت تأکید دارد. در حالی که اغلب مردم یک یا دو روش و سبک غالب و برجسته را ابراز می‌کنند، حالت روحانی و معنوی سالم، شواهدی از تعادل بین این چهار روش معنوی را



معنویت‌گرایی

در فرآیند یاددهی-یادگیری

برنامه درسی «تربیت معنوی» مبتنی بر سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت

دکتر یداله اقدامی



عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان خوزستان / دانش‌آموخته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

معنویت‌گرایی به عنوان یکی از نیازهای اساسی آموزش و پرورش و عامل اصلی در رشد زندگی معنوی انسان، کانون توجه روزافزون متخصصان برنامه تعلیم و تربیت، روان‌شناسان و فلاسفه است؛ به طوری که لحاظ نکردن آن را بی‌اعتنایی به عناصر اصلی آموزش و یادگیری می‌دانند و بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی به حساب آورد (قاسم‌پور دهقان و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰). ورود معنویت به برنامه‌های درسی و اسناد تحولی در بسیاری از کشورهای دنیا صورت گرفته است و برنامه‌ها بر آن اساس و در بستری از مفاهیم معنوی ساخته و پرداخته شده‌اند (میلر، ۱۳۸۰: ۶). این مقاله با ارائه چند پیشنهاد با محوریت «معنویت‌گرایی در فرایند یاددهی-یادگیری و تربیت دانش‌آموزان»، به چگونگی برنامه درسی «تربیت معنوی» براساس سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تربیت معنوی، برنامه درسی، سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت

معنویت و تربیت معنوی

مربیان دینی بر این باورند که «تربیت معنوی» آن است که بر آموزه‌های دینی مبتنی باشد. در واقع، دین‌داران، معنویت را نوعی از معنایابی زندگی با رویکرد دینی تلقی می‌کنند (باغلی، ۱۳۹۲: ۵۷). معنویت از منظر اسلام یک مفهوم کل‌گراست و همه ابعاد زندگی فرد را دربر می‌گیرد و چهار بعد ارتباط فرد با خدا، خود، خلق و محیط را شامل می‌شود.

«تربیت معنوی» در سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت

یافته‌های مطالعاتی نشان می‌دهند، در سند تحول بنیادین در مجموع ۱۶۸ مرتبه به مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با رشد معنوی انسان توجه شده است (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). با وجود تأکید اسناد و برنامه‌های کلان تعلیم و تربیت بر محوریت تربیت دینی و ارتقای روحی و معنوی متربیان، متأسفانه موجودیت نظام رسمی در مقام عمل بر تحقق اهداف آموزشی صرف تأکید دارند و تربیت، خاصه «تربیت معنوی»، مغفول واقع شده است. از این رو، شایسته است سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت محتوای برنامه‌های تربیتی را به گونه‌ای طراحی و تدوین کنند که اصالت را به بعد روحی و معنوی انسان بدهند و به نیازهای مادی

به عنوان ابزار و وسیله (نه به عنوان هدف) بنگرند (علم الهدی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

سند تحول بنیادین، تربیت را براساس ابعاد و ساحت‌های وجودی متربیان و توجه به شئون گوناگون حیات طیبیه، به شش ساحت تقسیم کرده است. «تربیت معنوی» در سند تحول بنیادین با گنجانیدن ساحت محوری تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (در میان ساحت‌های شش‌گانه) مورد تأکید قرار گرفته است. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) و پیروی از ایشان است، که به حق برترین انسان‌های کامل در طول تاریخ هستند (میانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ص ۲۷۴). با مروری بر رویکرد این ساحت معلوم می‌شود، مؤلفه‌های رویکرد معنوی در تربیت دینی، به طور آشکار و ضمنی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین رویکردهای این ساحت عبارت‌اند از: فطرت‌مداری (شروع از معرفت و میل ربوبی سرشته در وجود متربیان)؛ تعالی مرتبتی (رعایت مراتب تشکیکی تدین و تخلق، با توجه به مراتب دین‌داری)؛ عقلانیت‌محوری (اصالت‌دادن به تعقل و عقلانیت، که استخوان‌بندی و محور تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تلقی می‌شود)؛ توجه به بعد عاطفی و ولایی دین (بهره‌مندی مناسب از عواطف، احساسات و تجربه‌های



شخصی برای تعمیق و گسترش تدین (همان، ص ۲۹۹).

برنامه درسی معنویت محور

از آن رو که «برنامه درسی» مجموعه فرصت‌های تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده و نتایج مترتب بر آن‌هاست ... (همان ۱۳۹۰: ۳۷۲)، بنابراین، زیرنظام برنامه درسی در سطح برنامه‌ریزی کلان و به عبارت دیگر، در مرحله طراحی برنامه‌های درسی در راستای تربیت معنوی، نقش محوری و خط‌دهندگی دارد. محتوای تمامی درس‌های مدرسه، قابلیت و توان پرورش بُعد معنوی فراگیرندگان را دارد. محتوای این برنامه درسی می‌تواند شامل ذکر نمونه‌هایی از «قوانین حاکم بر طبیعت، چگونگی ارتباط مؤثر با خلق، شناخت نقاط قوت و ضعف خود و چگونگی برقراری ارتباط با خدا» باشد. لذا باید راه‌های دسترسی به آموزش را با معنویت آمیخته ساخت، زیرا با وارد کردن معنویت در آموزش و پرورش، کلاس درس به جایگاهی زنده و پرنرژی تبدیل می‌شود (میلر، ۲۰۰۲). و این همان مفهومی است که اخیراً با عنوان «برنامه درسی معنوی» مورد توجه اندیشمندان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. پیشنهاد محقق به محوریت «معنویت‌گرایی» در فرایند یاددهی-یادگیری و تربیت دانش‌آموزان «برمی‌گردد؛ یعنی «تربیت معنوی» و روحی‌یادگیرندگان باید محور و راهبرد همه فرایندهای آموزشی و پرورشی باشد.

برنامه درسی فطرت‌گرای توحیدی

برنامه درسی مبتنی بر فطرت به این معناست که تمامی عناصر آشکار و پنهان برنامه درسی به نحوی سامان یابند که تقویت‌کننده معرفت و میل ربوبی در دانش‌آموزان باشد. درس‌های این دوره باید تمامی استعدادهای فطری دانش‌آموزان را نشانه روند و ضمن تقویت قوای حسی و خیالی، معرفت فطری خداوند و گرایش‌هایی همچون حقیقت‌جویی، عبودیت‌محوری و زیبایی‌گرایی آنان را پرورش دهند (توجه به رویکرد آیه‌ای و زیبایی‌های طبیعت).

عقلانیت‌محوری در برنامه درسی

توجه به روش‌های کسب معرفت (حسی، عقلی، شهودی، وحی و الهام) در تربیت دینی متربیان در برنامه درسی اهمیت دارد. برای کسب معرفت از طریق شهود می‌توان از روش‌هایی نظیر خودآگاهی (معرفت نفس)، خودآرزیابی، و نیز توجه به احساسات درونی کودک در حین آموزش توجه کرد. معرفت از طریق منبع وحی و الهام می‌تواند از طریق توجه دانش‌آموزان به نمونه‌های اسوه‌ای از زندگی معصومین (علیهم‌السلام)، اولیا، بزرگان و همچنین قصص

قرآنی صورت پذیرد. همچنین، بسیاری از جنبه‌های معنویت صیغه عقلی دارند و می‌توان با استفاده از رویکرد عقلانی در تربیت معنوی، باورها و اعمال معنوی را متناسب با دوره سنی متربی توجیه و تبیین کرد.

معنویت‌محوری در برنامه درسی

پرورش ویژگی‌های معنوی همچون خودآگاهی، انعطاف‌پذیری، خودکنترلی، توانایی مواجهه با مشکلات، رنج‌ها و تحمل آن‌ها، بخشی از اهدافی هستند که ضرورت دارد در محتواهای آموزشی و فعالیت‌های تربیتی مدرسه‌ها گنجانده شوند؛ این مؤلفه‌ها قادرند در دوران کودکی و بلوغ، در راستای مطلوب‌شدن کیفیت زندگی، معنابخشی و خودکارآمدی آنان، نقش مهمی به عهده بگیرند. بنابراین، توجه به سه مؤلفه فطرت، عقلانیت و معنویت در برنامه درسی معنوی مدرسه‌ها می‌تواند تربیت دینی را در سنین نوجوانی و جوانی به گونه‌ای مستحکم کند که دین‌ورزی با جوهر فطری و عقلانی، متربیان را از فروغ‌لغیدن به ظاهر، خرافات و معنویت‌های کاذب مصون سازد و تربیت دینی معنوی را در راستای فطرت (تربیت فطری) و عقلانیت فطری سامان دهد.

منابع

۱. باغلی، حسین (۱۳۹۲). مطالعه انتقادی «تربیت معنوی معاصر، مقایسه رویکردهای دینی و نوپدید در عرصه تربیت، رساله دکترا (غیرچاپی). دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲. خزاعی، سهیلا؛ خزاعی، سعید (۱۳۹۴). سلامت معنوی و سبک زندگی سالم (کتاب). انتشارات اندیشه‌آور.
۳. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۶). فلسفه تعلیم و تربیت رسمی از دیدگاه اسلام. نشریه ش ۵۳۵. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش. وزارت آموزش و پرورش.
۴. قاسم‌پور دهقانی، علی؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۰). رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال ۱۹. شماره ۱۳.
۵. معروفی، یحیی؛ کرمی، زهرا (۱۳۹۲). برنامه درسی معنوی، چیستی و چرایی. مجموعه چکیده مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران. مشهد. دانشگاه فردوسی.
۶. میلر، جان پی (۱۳۸۰). آموزش و پرورش و روح. ترجمه نادرقلی قورچیان. انتشارات فراشناختی اندیشه. چاپ اول. تهران. ۱۳۸۰.
۷. نجفی، حسن (۱۳۹۴). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل آن در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال یکم، شماره ۱. زمستان ۱۳۹۴.



تربیت معنوی در سند تحول با گنجانیدن ساحت‌های محوری تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (در میان ساحت‌های شش‌گانه) مورد تأکید قرار گرفته است



معنویت در مبانی نظری سند تحول

تدوین: صفیه ابراهیمی

اشاره

اهمیت و محبوبیت «معنویت» در بین تدوین کنندگان سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت موجب شده که این مفهوم با فراوانی بیشتر در این سند خود را نشان دهد. با همدیگر فراوانی «معنویت» در این سند را مرور می کنیم:

۱. در مبنا و تفکر اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛ کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خود دارد؛ یعنی به تعبیر رایج، آخرتی که از دنیا عبور می کند؛ جامعه‌ای عادلانه و صالح؛ یک کشور پیشرو و معنوی و در عین حال دارای قدرت‌های والای مادی، با جهت‌گیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت. غربی‌ها این را ندارند. همه این تمدنی که آن‌ها روی هم سوار کرده‌اند و مسابقه‌ای که وجود دارد، بر اساس فردپرستی و سودپرستی شخصی استوار است **(مبانی نظری، ص ۳۰ و ۳۱)**

۲. انتخاب پیامبران الهی و جانشینان ایشان - که از سوی خداوند مسئولیت هدایت مردم به صراط مستقیم را برعهده دارند - کامل‌ترین پاسخ دستگاه آفرینش به این نیاز ضروری است و پذیرش رهبری و ولایت این مربیان الهی، زمینه ساختن و پرداختن هویت انسان‌ها را به‌خوبی فراهم می‌آورد؛ همچنان که ارتباط با عالم غیب و توجه به ابعاد ملکوتی هستی، از طریق تجربه‌های معنوی نظیر دعا و نیایش و توسل نیز زمینه‌ای لازم برای کمک به راهیابی در این مسیر دشوار است **(همان، ص ۵۰)**.

۳. قرآن خلافت زمین از سوی صالحان و امامت آنان را بر سراسر گیتی نوید می‌دهد و متون اسلامی تصویری از جهان را فرا روی جامعه جهانی ترسیم می‌کند که در آن رفاه، امنیت، عدالت، آزادی، آرامش، صلح، معنویت، عقلانیت، علم و دیگر مظاهر سعادت مادی و معنوی انسان، یکجا و هم‌زمان قابل دستیابی است **(همان، ص ۱۰۰)**

۴. معنویت یکی از راه تحقق حیات طیبه است. چنین پویش مداومی، تدین (دین‌داری) نام دارد که با مؤلفه‌های مختلف، تجربه شخصی (دعا و ابراز عواطف دینی و حالات معنوی - عرفانی) و اخلاقی (تقید به آداب، اعمال و حالات اخلاقی در جهت کسب فضایل و اجتناب از رذایل اخلاقی) قابل تحقق است **(همان، ص ۱۰۳)**.

۵. یکی از جمله مصداق‌های تحقق ابعاد اجتماعی حیات طیبه، گسترش و ارتقای تجربه‌های مترکّم بشری (سرمایه فرهنگی، معنوی و اجتماعی جامعه) عنوان شده است.

۶. مربیان در همه مراحل و انواع تربیت باید از آغاز تا انجام فرایند تربیت، خود را در این حرکت پیچیده، فعال مایشاء و عامل مستقل

نپندارند. لذا لازم است همواره در عین استفاده از انواع روش‌ها و ابزارهای عقلانی و بهره‌مندی از محصول فکر و تجربه مترکّم بشری (البته در چارچوب نظام معیار دینی)، با ارتباط معنوی با رب العالمین و استمداد و استعانت از الطاف ربوبی، بر ربوبیت مطلقه الهی توکل نمایند **(همان، ص ۱۹۱)**.

۷. همواره بین جنبه‌های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی هویت انسان ارتباط و پیوستگی عمیق و ژرفی وجود دارد **(همان، ص ۲۳۱)**.

یکی از رویکردهای مدرسه صالح ایجاد جوّ اخلاقی است و از این طریق زمینه تحقق حیات طیبه و تحقق تجربه‌های متعالی و معنوی متربیان در تمامی مؤلفه‌ها و سازوکارهای مدرسه صالح فراهم می‌شود **(همان، ص ۳۳۲)**.

خدمت به جامعه و تلاش برای تمشیت امور مردم برای بر آوردن حوایج مادی و معنوی آن‌ها عبادت است و چنین رویکردی در زندگی وظیفه همهّ آحاد جامعه است **(همان، ص ۳۶۹)**.

● از آنجا که ارائه خدمات آموزش کیفی (عادلانه) از وظایف حاکمیت است، لذا برای انتخاب، آماده‌سازی و نگه‌داشت منابع انسانی باید سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مکفی از سوی عوامل سهیم در تربیت صورت گیرد. در این فرایند، جایگاه و منزلت اجتماعی مربیان ارتقا یابد و معلم و مربی به‌منزله نیروی فرهنگی و فکری جامعه و مولد سرمایه اجتماعی - نه به مثابه کارمند اداری در نظام دولتی - منظور شود **(همان، ص ۳۶۳)**.

● اصول تأمین منابع مالی

○ گسترش فرهنگ وقف و نیک‌اندیشی دینی در جامعه و حمایت مادی و معنوی از جریان فرهنگی خیرین مدرسه‌ساز **(همان، ص ۳۸۱)**.

برای تحقق مراتب حیات طیبه، از مواردی آشکار نظیر وراثت، محیط طبیعی و نحوه تغذیه گرفته تا اموری همچون لقمه حلال، شرایط معنوی والدین در هنگام انعقاد نطفه و حالات روحی مادر در دوران بارداری و شیرخوارگی یا افعالی مانند دعا و صدقه و توسل به اولیای الهی و تصرفات ولایی ایشان در وجود دیگران یا الهامات غیبی و وسوسه شیطانی، بر اساس تعالیم دینی، تأثیر تکوینی و غیر عمدی آن‌ها بر شکل‌گیری شخصیت انسان (به‌صورت فی الجمله) پذیرفته شده‌اند **(همان، ص ۹۷)**.

منبع

- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی. ج ۱۱. آذر ۹۰.

تربیت معنوی

و معرفی چند پژوهش مرتبط

تهیه کننده: پوریا ربیعی

کارشناس ارشد برنامه درسی و آموزگار پایه ششم دبستان منطقه ۱۴



به عنوان نمونه‌هایی از پژوهش‌های رساله دکترا و پایان‌نامه‌های ارشد مرتبط با تربیت معنوی و نظام آموزشی، چهار پژوهش را مرور کرده‌ایم:

۱. الگوی تربیت معنوی از دیدگاه امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

دوره دکترا تخصصی (PhD)، سال ۱۴۰۰

پدیدآور: فاطمه رضایت

استاد راهنما: غلامحسین رضایت

استاد مشاور: احمد غلامعلی

دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف حدیث

چکیده

در دنیای امروز، رویکرد مادی به زندگی موجب حاکمیت تفکر دنیاگرایی بر تربیت و غفلت از جنبه‌های غیرمادی انسانی و کم‌توجهی به تربیت معنوی شده است. هدف این پژوهش یافتن الگویی برای تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (ع) است. بر این اساس، پژوهش حاضر را می‌توان توسعه‌ای به‌شمار آورد. اجرای این پژوهش با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد صورت پذیرفت. مواد و محتوای پژوهش شامل کتاب‌های گران سنگ «تهج البلاغه، غرر الحکم و درر الکلم» و همچنین برخی منابع دیگر حدیثی بود. برای گردآوری داده‌های این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و ابزار برگه (فیش) استفاده شد. نتایج و یافته‌ها نشان داد: الگوی تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (ع) شرایط علی تربیت معنوی (لطف و اراده خدا)، شرایط میانجی تربیت معنوی (آمادگی و قابلیت شخص)، بسستر و زمینه تربیت معنوی (وقت‌شناسی در تربیت، توجه به آمادگی روحی و روانی، محیط و شرایط مناسب برای تربیت، انتخاب زمان مناسب برای تربیت) ساحت‌های تربیت معنوی (تربیت عرفانی، تربیت عاطفی، تربیت اخلاقی، تربیت دینی (فقهی)، مبانی تربیت معنوی (مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی و مبانی انسان‌شناختی) اصول تربیت معنوی (توحیدمحوری، ابتدا به تربیت با قرآن، سودمندی، برانگیزانندگی، هماهنگی گفتار با عمل، مشارکت، تسهیل‌گری، تدرج، اعتدال، استمرار، آزادی (حریت)، توجه به تفاوت‌های فردی، هماهنگی با فطرت، تقدم خودسازی به دگرسازی، تعقل و تفکر، اقدام به تربیت قبل از بروز هوی و هوس و عقاید باطل (منظور هفت سال دوم)، مراعات نفس در انجام مستحبات، اهداف تربیت معنوی (هدف غایی: قرب الهی، اهداف کلی: رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با خلق، رابطه انسان با طبیعت)، روش‌های تربیت معنوی (عبرت، برهان، جدال احسن، دعا و مناجات، تشویق و تنبیه، توبه، عمل به ضد، مثل، عادت‌دادن، هم‌نشینی با علمای ربانی، هم‌نشینی با انسان‌های خردمند و نیکوکار، ابتلا و آزمایش، موعظه، طرح سؤال و تشویق به تفکر، الگوسازی، الگوپذیری مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاقبه، زهد، جهاد، ذکر و یاد مرگ، قصه، جهاد با نفس، ذکر نعمت‌های الهی، ذکر و یاد خدا، امر به معروف و نهی از منکر، انذار و تبشیر، محبت، نوشتن وصیت، تجربه تربیتی، تزکیه، قراردادن واعظ درونی برای خود، تصویرسازی (تشبیه معقول به محسوس)، بیان خصلت‌های نیکوی متری (راهبردهای تربیت معنوی (راهبرد کلان: عبودیت و بندگی خدا. راهبردهای میانی: اصلاح رابطه انسان با خدا، اصلاح رابطه انسان با خود، اصلاح رابطه انسان با خلق، اصلاح رابطه انسان با طبیعت)، موانع تربیت معنوی (هم‌نشینی با اشرار و بدکاران، غرور، محبت غیرخدا، کبر، غفلت، شهوت‌پرستی، شرک به خداوند، عجب و خودپسندی، هم‌نشینی با دنیاپرستان، هم‌نشینی با مخالفان پیامبر، دنیاپرستی، آرزوهای دور و دراز) و پیامدهای تربیت معنوی (قلب سلیم، حیات طیبه) است.

۲. تبیین فلسفی تربیت معنوی کودکان سه تا

شش ساله با رویکرد اسلامی

دوره کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۹

پدیدآور: فاطمه مظاهری سیف

استاد راهنما: محسن ایمانی

استاد مشاور: علیرضا صادقزاده

دانشگاه تربیت مدرس،

دانشکده علوم انسانی

پژوهش حاضر با هدف تبیین فلسفی تربیت معنوی کودکان سه تا شش ساله با رویکرد اسلامی انجام شده است. به این منظور ابتدا مفهوم معنویت و تعریف‌های متفاوت از آن بررسی و تعمیق شد. در گام بعدی، پژوهش‌های دیگر که در حوزه تربیت دینی پرداخته شده بودند و نبود پرداختن به تربیت معنوی، باعث مطالعه جدی‌تر در این حوزه شد.

انتخاب بازه سنی سه تا شش ساله بدین علت است که طبق نظر اندیشمندان حوزه تربیتی، به جهت در اوج بکر بودن فطرت بشریت دوران کودکی، بازه سنی طلایی برای کودک و نهاد و فطرت کودک سه تا شش ساله، با تربیت معنوی همسوست و قابلیت پذیرش این نوع تربیت را دارد.

کودک در سن سه تا شش سالگی در حال تجربه‌های معنوی و تخیلی است. بدین معنا که برای کودکان سه تا شش ساله حرکت باید به سمت تثبیت شناخت صحیح از خداوند باشد.

به این ترتیب کودک هویت حیات خود را درک می‌کند و با آمادگی کامل وارد هفت سال دوم و ادامه زندگی خود می‌شود.

تربیت معنوی در این سن، کمک می‌کند تا با توجه به هدف تقویت و میل گرایش به خدا، زمینه ارتباط عاطفی با خداوند ایجاد و به او کمک شود تا نسبت به محبوب واقعی بینش و معرفت لازم را کسب کند، به او دل بسپارد، محبت صادق را در خود پرورش دهد و از محبت‌های کاذب دل ببرد.

همچنین، کودک را به پالایش گرایش‌ها، تمایلات و قوه خیال از پلیدی‌ها و حرکت به سوی پاکی هدایت می‌کند. روش مورد استفاده در پژوهش، توصیفی-تحلیلی-استنباطی-پدیدارشناختی است.

۳. بررسی مبانی فلسفی تربیت

معنوی در سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

دوره کارشناسی ارشد ۱۳۹۶

پدیدآور: محمدرضا ثباتی

استاد راهنما:

حجت صفار حیدری

استاد مشاور:

حکیمه سادات شریف‌زاده خاوری

دانشگاه مازندران

این پژوهش با هدف بررسی مبانی فلسفی تربیت معنوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. از این رو، ضمن تبیین مفهوم معنویت و تربیت معنوی، به مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی و نسبت هر یک با معنویت، مطالعه رویکرد سند تحول بنیادین به معنویت، واکاوی مأموریت‌ها، راهبردها و راهکارهای تحقق تربیت معنوی در سند تحول بنیادین و در نهایت بررسی شرایط امکان و عدم امکان تحقق تربیت معنوی در سند تحول بنیادین می‌پردازد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های نظری است. روش آن، روش پژوهش فلسفی به صورت کیفی و از نوع توصیفی، تحلیلی و انتقادی است که با بررسی و مطالعه اسناد و منابع انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن هستند که معنویت «روشی برای بودن» و «تجربه کردن» است که با آگاهی از یک بُعد غیرمادی به وجود می‌آید و ارزش‌های قابل تشخیص که به خود، خدا، خلق، طبیعت و زندگی مربوط هستند، آن را معین می‌کنند. مقصود از

تربیت معنوی نیز پرورش توانایی‌هایی باطنی انسان، عبور از مراتب پست دنیای حس و ماده، تجربه ایمان، اخلاص و عشق الهی و دریافتن جذبه‌ها، نفخه‌ها و حالت‌های روحانی است. همچنین، رویکردهای گوناگون به معنویت از گوناگونی در مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی نشئت می‌گیرند؛ به نحوی که نتیجه نگرش مادی به این مقوله‌ها، نوعی جهت‌گیری فارغ از دین در رویارویی با معنویت است که بر ظرفیت وجودی انسان در حل مسائل جاری برای نیل به آرامش و آسایش دنیوی تأکید دارد، در حالی که محصول هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی، نوعی رویکرد دینی در مواجهه با معنویت است که بر ایمان به ارکان دین چون توحید، معاد، نبوت و تلاش برای دریافت، درک و اجرای پیام‌ها و آموزه‌های ادیان آسمانی به‌منظور رشد و تعالی معنوی، یعنی دستیابی به قرب الهی، مبتنی است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که براساس جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه و با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی- ایرانی تدوین شده است، رویکردی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و نظام معیار اسلامی در مبانی اساسی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی دارد.

در نتیجه، مأموریت‌ها، راهبردها و راهکارهای تحقق تربیت، معنویت و تربیت معنوی در سند تحول بنیادین براساس نظام معیار اسلامی و فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی طراحی شده‌اند که با وجود برخورداری از نقاط قوت، کاستی‌ها و نقاط ضعفی دارند که تحقق تربیت، معنویت و تربیت معنوی را در فراگیرندگان با تردید روبه‌رو می‌کنند.

۴. تبیین تربیت معنوی برای کودکان (S4C) در غرب و نقد آن با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران دوره دکترای تخصصی (PhD) سال ۱۳۹۴

پدیدآور: معصومه کیانی

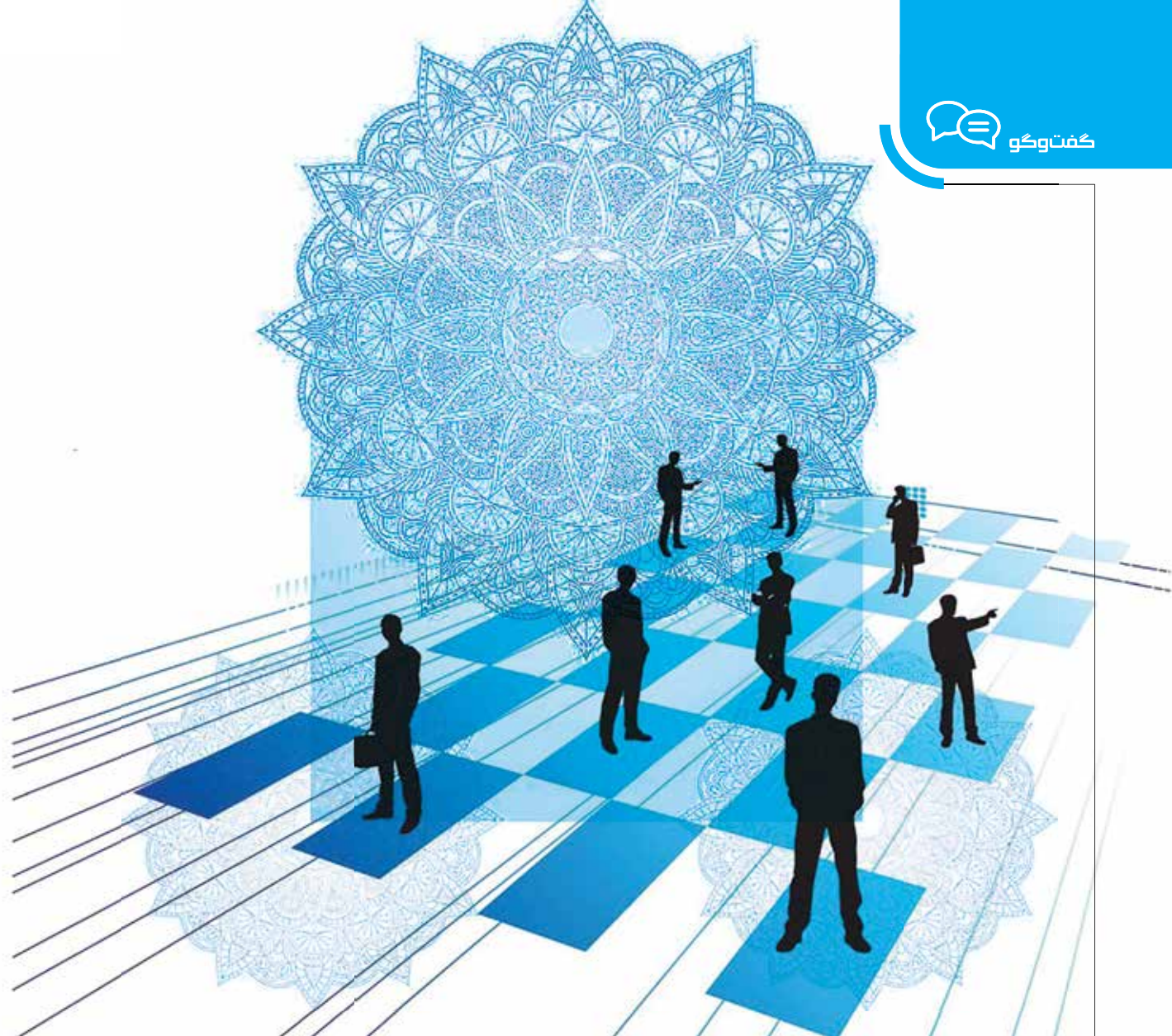
استاد راهنما:

محمود مهرمحمدی و علیرضا صادق‌زاده قمصری

استاد مشاور: محمود نودری و توپین هرت

دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی

پژوهش حاضر با هدف مطالعه انتقادی تربیت معنوی برای کودکان (S4C) در دنیای معاصر و ترسیم الگوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و چگونگی ارتباط آن‌ها انجام شد. به این منظور ابتدا مفهوم معنویت بررسی شد و چارچوبی مشتمل بر شش نوع جهان‌بینی درباره این مفهوم به‌دست آمد. در گام بعدی، مبانی فلسفی هر یک از جهان‌بینی‌های مذکور تبیین و پداگوژی‌های متناسب، شناسایی و تشریح شدند. سرانجام، مفهوم تربیت معنوی برای کودکان و دلالت‌های آن بر اساس هر جهان‌بینی به‌دست آمد. در مرحله دوم، به تصریح مفهوم معنویت و تربیت معنوی برای کودکان، اهداف و اصول تربیتی آن بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. در مرحله سوم، رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی برای کودکان، با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران نقد و ارزیابی شدند. برخی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر دیدگاه‌های رایج عبارت‌اند از: وجود تکثر در چارچوب مرجع امر معنوی، همه‌خداگرایی؛ ساختنی بودن حقیقت و معنا؛ محدود شدن تربیت معنوی به پرورش قوه شناختی کودک و غفلت از سایر ابعاد و نقش آن‌ها در رشد معنوی او؛ و آشنایی سطحی با ادیان و سایر چشم‌اندازهای معنوی. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از مفروضات و مبانی فلسفی جهان‌بینی‌های موجود بهره‌ای گیرد. در عین حال، هر یک از جهان‌بینی‌های فوق نکات مثبت و روش‌هایی دارند که می‌توانند مورد استفاده واقع شوند. با عبور از این مراحل، زمینه‌بازسازی و ارائه الگوی مورد نظر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و چگونگی ارتباط میان رویکردهای موجود با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران درباره تربیت معنوی برای کودکان روشن شد. روش‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارت‌اند از: سنتز پژوهی، تحلیل استعلایی، الگوی استنتاج قیاسی فرانکنا، کاوشگری فلسفی انتقادی و الگوپردازی نظری بومی.



سواد معنوی در چارچوب اسلام

معصومه کیانی

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان



در گفت‌وگو با سرکار خانم دکتر معصومه کیانی مطرح شد. ایشان دکترای تخصصی رشته فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان است و در کارنامه علمی خود مقالات متعددی در موضوع تربیت معنوی دارد. مهم‌تر از همه اینکه رساله دکتری ایشان در همین موضوع ارائه شده است. در خصوص «ضرورت تربیت معنوی، چیستی آن و چگونگی مشارکت معلمان و مدیران در تقویت این امر»، با ایشان به گفت‌وگو نشسته‌ایم:



در صورت بی‌توجهی به این امر یعنی پرورش کلیت دانش‌آموز در واقع ضامن سلامت جامعه است، به خطر می‌افتد

درباره چستی تربیت معنوی، تعریف‌ها و رویکردهای گوناگونی وجود دارد، چرا که دیدگاه‌ها و رویکردهای متعددی نسبت به چستی مفهوم معنویت مطرح شده است. در عین حال، با توجه به ریشه‌یابی این مفهوم، چنانچه آن را ناظر به معنا، هدف، ارزش و حقیقت غایی زندگی و تنظیم همه ابعاد وجود آدمی و ارتباطات او- یعنی ارتباط با خود، خلق، طبیعت و امر متعالی- حول این محور بدانیم، و با تکیه بر مستندات موجود، می‌توان اظهار کرد که معنویت در چارچوب دین اسلام به شناخت خداوند متعال و تقرب به او ناظر است. بر همین اساس، در تربیت معنوی نیز باید به سمت ایجاد سواد معنوی در دانش‌آموزان و نیز توانمندسازی آن برای نقد و ارزیابی درباره معنا، هدف، ارزش و حقیقت غایی زندگی در دین خود (اسلام) و نیز سایر ادیان یا حتی گرایش‌های گوناگون معنوی حرکت کرد. بدین‌سان زمینه‌ای فراهم می‌شود که دانش‌آموزان در فرایندی آگاهانه، فکورانه و خردمندانه، معنا، هدف و حقیقت غایی زندگی را طبق دین اسلام بشناسند و در عین حال مواجهه‌ای خردمندانه و نقادانه با گزینه‌های دیگری که به اسم و در قالب معنویت به آن‌ها معرفی می‌شود، در پیش گیرند. در این راستا همچنین باید دانش‌آموزان را هدایت کرد که همه ساحت‌های وجودی‌شان- اعم از ساحت جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی- را پیرامون این امر متعالی تنظیم کنند.

● به نظر شما مدیران و معلمان در تقویت معنوی دانش‌آموزان چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

حداقل اقدامی که از نظام آموزش و پرورش، مدرسه‌ها و معلمان انتظار می‌رود، این است که به دانش‌آموزان کمک کنند سواد معنوی لازم را درباره معنی، هدف و حقیقت غایی زندگی در چارچوب دین اسلام کسب کنند. نیز به آن‌ها کمک کنند قدرت تشخیص و ارزیابی نقادانه آنچه را تحت عنوان معنی، هدف، و ارزش در جامعه ارائه می‌شود، به دست آورند.

● از طرف رشد مدرسه فردا از شما تشکر می‌کنم.

● معنویت و اخلاق دومین توصیه مهم رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم است. فرمایشات رهبر انقلاب در باب معنویت این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که تربیت معنوی چیست و در ساحت آموزش و برنامه درسی چه اهمیتی دارد؟

تمرکز نظام کنونی آموزش و پرورش (چه در ایران و چه در سایر کشورها) بر پرورش بعد ذهنی دانش‌آموزان است و پرورش سایر ساحت‌ها به حاشیه رانده شده است. این در حالی است که دانش‌آموزان ساحت‌های دیگری از قبیل ساحت معنوی و روحانی، عاطفی، اجتماعی و غیره نیز دارند که در صورت بی‌توجهی به این امر، یعنی پرورش کلیت دانش‌آموز، در واقع آنچه ضامن سلامت جامعه است، به خطر می‌افتد.

همچنین، ظهور گرایش‌های مختلفی تحت عنوان گرایش‌های معنوی نوظهور در داخل کشور همراه با تبلیغات گوناگون و نشر اطلاعات غیرصحیح از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی، دانش‌آموزان و جوانان را به سمت انواع سبک‌ها و گرایش‌هایی در رابطه با معنا، هدف، ارزش و حقیقت غایی زندگی جذب کرده که در واقع ارزش و اعتبار ندارند و حتی در برخی موارد زمینه‌ساز انحراف عمیق فرد نیز می‌شوند. مضافاً اینکه، در منطقه شاهد ظهور گرایش‌های افراطی نظیر داعش هستیم که با ادعای دیانت و دینداری، جنایات بزرگی را مرتکب می‌شوند. از سویی، به استناد تحقیقات داخلی صورت گرفته در داخل کشور، تربیت دینی دانش‌آموزان در سال‌های اخیر توفیق لازم را کسب نکرده و در این زمینه با ضعف‌هایی جدی مانند قشری‌گرایی و ظاهرگرایی در دین و بی‌توجهی کافی به باطن دین همراه بوده است. این امر تربیت دینی دانش‌آموزان را در معرض آسیب قرار داده است.

عوامل فوق زمینه‌ساز بروز انواع مشکلات و مسائل اخلاقی، ناپهنجاری‌ها، خشونت‌ها، اعتیاد و عقاید نادرست در بین جامعه دانش‌آموزان شده است. توجه به این موارد موجب شده است تربیت معنوی کودکان و دانش‌آموزان در کانون توجه متخصصان و کارشناسان تعلیم و تربیت قرار گیرد.

● تربیت معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود و چه ضرورتی دارد؟



پرخاشگری روی میز تشریح

نفیسه شهید اول



کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت

روایت پژوهی

سال ۹۷ در پست کارشناسی پژوهش در اداره آموزش و پرورش منطقه رباط کریم مشغول به کار بودم که یک روز مدیر یکی از هنرستان‌های این شهرستان وارد اتاق شد. از پرخاشگری و دعوای یکی از کلاس‌های مدرسه شکایت داشت و در این باره با من مشورت کرد. تنها راهی که به ذهنم رسید، اجتماع پژوهشی در آن کلاس و وارد شدن به بحث پرخاشگری به صورت غیرمستقیم بود. او هم که قبلاً با کارگاه من آشنا بود، خیلی خوب استقبال کرد و قرار شد هفته آینده روزی را برای ارائه کار به مدرسه بروم و با دانش‌آموزان کار کنم.

روز موعود سر رسید و من به کلاس مورد نظر هدایت شدم. هیچ‌کدام از دانش‌آموزان سر جایشان نبودند. کلاس بسیار شلوغ و نامرتب بود. سلام کردم. آن‌ها که دیدند فردی غیر از دبیرشان سر کلاس حاضر شده است، جویای علت شدند. من هم ضمن معرفی مختصر خودم، در خصوص برنامه اجتماع پژوهشی و ضرورت وجود این برنامه در آموزش و پرورش گفتم و خاطرنشان کردم الان هم تصمیم دارم با هم یک کارگاه مختصر داشته باشیم. دختران از سر کنجکاوای برای کار حاضر شدند. ابتدا چیدمان اجتماع پژوهشی را آماده کردیم. من که نمی‌خواستم مستقیم به موضوع بپردازم، از آن‌ها خواستم احساساتی را که در طول روز با آن‌ها مواجه می‌شوند، بلند بگویند و من موارد را روی تخته می‌نوشتم؛ احساساتی مانند «خوش حالی، تنفر، پرخاشگری و غم» عنوان شدند. سپس پرسیدم بیشتر روزها با کدام احساس درگیر هستند؟ با رأی‌گیری «پرخاشگری» رأی آورد.

یک مرتبه بچه‌ها همه با هم زدند زیر خنده. خودشان باور نمی‌کردند؛ مثل این بود که تلنگری به آن‌ها زده شد. پس از آن، خواستم هرکس یک پرسش با کلمه پرخاشگری بنویسد. سه دقیقه فرصت دادم فکر کنند. بعد

پرسش‌ها نوشته شوند.

زهرا: پرخاشگری چیست؟

ملیکا: چه زمانی ما پرخاشگر می‌شویم؟

ریحانه: چطور می‌توان پرخاشگری را کنترل کرد؟

فاطمه: آیا پرخاشگری احساسی طبیعی هست؟

پریا: عصبانیت با پرخاشگری چه تفاوتی دارد؟

سؤالات مشابه حذف شدند. از بچه‌ها خواستم یک پرسش را انتخاب کنند تا در مورد آن گفت‌وگو شود. همکاری بچه‌ها کار را برای من نیز با لذت همراه کرده بود. پس از رأی‌گیری و شمردن رأی‌ها، سؤال شماره ۳ (راه‌های کنترل خشم) انتخاب شد. از ریحانه که سؤال را مطرح کرده بود، خواستم یکی از دوستانش را انتخاب کند. او فاطمه را صدا زد. گفتم جواب سؤال را بدهد. پس از پاسخ وی، مخالفان را صدا زدم و کار ادامه پیدا کرد.

گاهی بچه‌ها به دعوایی که کرده بودند اشاره می‌کردند. حتی وسط بحث یکی‌شان گفت: زهرا جلوی در مدرسه که فلان اتفاق افتاد، تو می‌توانستی چنین کاری نکنی! جالب بود! بچه‌ها خیلی خوب به خودشان و رفتار قبل و پیشنهاد‌های فعلی‌شان مراجعه می‌کردند. من هم گاهی اجازه می‌دادم در مورد رفتارهایشان مکث کوتاهی داشته باشند. سعی کردیم راه‌حل‌های مفید جمع شوند.

زنگ تفریح که رسید، بچه‌ها خیلی ناراحت بودند. می‌گفتند چرا کلاس تمام شد! وقتی خواستم از احساسشان در مورد این کارگاه بگویند، همه می‌گفتند ما یادمان می‌رود و احتیاج داریم تکرار شود. می‌گفتند داشتن این جور کارگاه‌ها حق ماست و باید در مدرسه برای ما برگزار شود.

بعد از اتمام کار، با مدیر مدرسه صحبت کردم و قرار شد سه روز برای معلمان مدرسه کارگاه بگذارم.

خوشبختانه معلمان نیز آن را بسیار پویا دنبال می‌کردند. از معلمان خواستم تجربه بازخوردشان از دانش‌آموزان را برایشان بفرستند. جواب‌ها واقعاً خستگی را از تنم درآوردند.

جلوه‌های معنویت در جهان اسلام: طریقه‌های عرفانی

● ناشر دانشگاه ادیان و مذاهب ● مترجم: فاطمه شاه‌حسینی
● تحقیق و تنظیم: سید حسین نصر ● سال نشر: ۱۳۹۲ ● تعداد صفحات: ۶۰۸
هدف کتاب حاضر، ارائه‌ی تاریخچه‌ی مختصری از طریقه‌های تصوف و عرفان در جهان اسلام می‌باشد که توسط برخی از اندیشمندان این عرصه، تدوین یافته است.

این اثر، ترجمه‌ی بخش اول از جلد بیستم مجموعه «معنویت در جهان: تاریخ دانش‌نامه‌ای جست‌وجوی دینی» با عنوان فرعی «دانش‌نامه معنویت جهانی» می‌باشد که درباره‌ی دوره‌ی آغازین تصوف و دلایل ظهور سلسله‌های عرفانی و تاریخچه و تعالیم این سلسله‌ها نگارش یافته و با فصلی درباره فتوت، به پایان رسیده است.



«عصر جدید؛ دغدغه جدید» طرحی معنوی برای زندگی

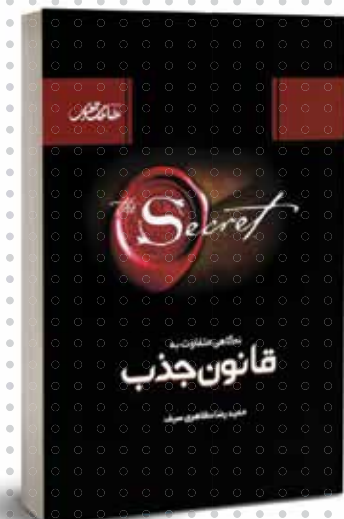
کتاب «عصر جدید؛ دغدغه جدید» به قلم رسول حسین پور تکابنی و زیر نظر سیدمرتضی حسینی شاهرودی نوشته شده و نگاهی به مقوله معنویت و گرایش‌های گوناگون آن در درون و بیرون از سرزمین ایران دارد. این کتاب با هدف معنویت‌پژوهی که یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در جهان معاصر است؛ نگاشته شده است. به گونه‌ای که قرن ۲۰ و ۲۱ را قرن معنویت نامیده‌اند.



«نگاهی متفاوت به قانون جذب»

اثر «حمیدرضا مظاهری سیف»، در سال ۱۳۹۸ از سوی انتشارات معنویت‌پژوهی منتشر شده است.

این کتاب از بخش‌های مختلفی همچون نقد اثربخشی قانون جذب، نقد علمی قانون جذب، نقد دینی قانون جذب، راه‌های معنوی موفقیت، تأثیر معنویت در تولید ثروت، منابع و نمایه‌ها و گام کوچکی است برای آگاهی بخشی عمومی نسبت به ادعاهای واهی مربوط به قانون جذب. بی شک این کتاب زمانی اثرگذار خواهد بود که هر یک از ما با فراگیری آن برای آگاهی‌بخشی به دیگران بکوشیم. اگر همه ما در مقابل آگاهی یکدیگر احساس مسئولیت کنیم و به هم بیاموزیم، دنیا جای بهتری برای زیستن خواهد شد.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبعث پیامبر اعظم حضرت
محمد بن عبدالله (ص)
بر امت اسلام مبارکباد